MS BW
IVANOW
0089

C

001510890

89

Ādāb-i-ʻAbbāsī
(ethics)

C

آداب عباسی از علامه عمید الدین شیرازی
معروف به صدرا که بحکم شاه عباس صفوی تالیف کرد

آداب عباسی

علامه عمید

c

بسم الله الرحمن الرحیم

تقدیس پادشاهی و تسبیح قادری را که خلص عباد خویش
بمفتاح فلاح قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ
خَاشِعُونَ اقفال خزاین عبودیت بنده گی گشاده
و مقربان قدس جبروت و مشرب شهود را اعمار الجلی علل
بذکر يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ارزانید
بار یافتگان قدس قدوس را سه وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ
مِنْ مَعِينٍ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا
طَهُورًا آشامانید و حمد و حمد بی حد بیحس

2

فاذا فرغت فانصب والی ربک فارغب ارجمند

ونکات

درست عزته وعزت قدرته وصلوات متقدمات

طهرات بر اقدس مقدسین ومقتدین واشرف مجیبین

سحین شارب رحیق و انهار من خمر لذة للشا[ربین]

بیدار ملک دنی فتدلی فکان قاب قوسین

او ادنی ... سیدان ولسوف یعطیک

ربک فترضی محمود بارکاه ولا یشفعون الا

لمن ارتضی صاحب منبر یا ایها المدثر قم فانذر

وربک فکبر وثیابک فطهر و بر آل اطهار و اولاد

طاهرین اخیار ... انما یرید الله لیذهب

عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا صلوات

تسلیمات دائمه بدوام عز ربوبیت وقدسیت الوهیت

تعز وتقدس وتعالی ... حسین کوید این ذره کمتر نار

بصد ره آراسته شد روزگار ز اطوار نقش از خداوند شمار
نظر بسته بر رحمت کردگار که در وقت اقبال شاه جهان
جهانگیر شاهی و شه‌زادگان شه پادشاهان روی زمین
ابوالنصر عباس نصرت قرین از او رونق دین پاک نبی
باو تازه آثار آل علی جبین شهان از درش سجده‌گاه
شود تا ابد و نصر الله که تا کرد در نقش روی شهان
چو بر زد رقم نقش روی بتان شه پرورای باقبال اکبر
گشود جهان را نشسته بتخت نگرد بکس صورت جز خدا
همی از خدا خواسته ره مدام خدا لطف خویش داد در کارزار
مددکار او احمد و شش و چار به تیغش برانداخت بنیاد شر
خدا برگزیدش بفتح و ظفر بصحت تنش باد و کوشش خاطر
خدایا و روح خلیفه ناصرش فلک بر مراد دلش شادمان
برانگیختش نام جهان سخندان دین محمد زمان

با محمد سنز علامان ٭ کتابی در آداب طاعت نوشت

در اوراد هر وقت و سنت نوشت ٭ بلفظ عرب بود

ان رسلمان ٭ نشد درس را نفع شد ان از آن برای

غلامان خاقان دین ٭ بنو بسیش پارسی کرد این کمترین

چه بر نام شاه جهان شد تمام ٭ شد آداب طاعت نشین نیز

نام امید آنکه مقبول یزدان شود ٭ تو از ستیش شاه

جهانبان شود ٭ ببخشد خدا عمر سلطان باد ٭ بود تیغ ایمان

فروزان باد ٭ بر رونق ابدا و باد شرع نبی ٭ و زو شاد

خدمتش علی و لی ٭ و من الله التوفیق و علیه التکلان

این رساله را هشت باب است باب اول در بیان

آنچه از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب بجا باید آورد

باب دوم در بیان آنچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر

بجا باید آورد [illegible] از وقت ظهر

تا فرو رفتن آفتاب بجای باید آورد باب چهارم آنچه
از فرو رفتن آفتاب تا وقت خوابیدن بجا باید آورد
باب پنجم در بیان آنچه از وقت خوابیدن تا نصف شب
بجا باید آورد باب ششم در بیان آنچه از نصف شب
تا طلوع صبح بجا باید آورد باب اول در بیان آنچه
از طلوع صبح تا طلوع آفتاب بجا باید آورد و در آن صادق ه
مقدمه است و چند فصل مقدمه بدانکه از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم اجمعین حدیث بسیار در فضیلت این
وقت نقل شده و این وقت را ساعت غفلت
میگویند از فرو رفتن آفتاب تا برطرف شدن شفق را
هم ساعت غفلت می نامند و سنت است که آدمی در این
وقت بیدار باشد زیرا که خواب درین وقت مکروه است
و محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل کرده که حضرت

که حضرت شیخ جمال الدین حلی قدس سره در کتاب منتهی المطلب
فرموده بدانکه روشنی روز از آفتابست و هر چه
روشن میشود بشعاع آفتاب و ورا در جانب دیگر
سایه می افتد و حکمای متقدمین دانسته که گردیدن
آفتاب را بر گرد زمین و چون قرص آفتاب بزرگتر است
از زمین سایه زمین بشکل مخروط باشد و آن را
مخروط ظل گویند و بیرون مخروط ظل پاره روشن است
بشعاع آفتاب و از مخروط ظل هم پاره روشن است
بسبب نزدیکی شعاع آفتاب و این روشنی بمیان
مخروط نمیرسد بلکه هر چند بمیان مخروط نزدیکتر است
میشود این روشنی کمتر میشود و نهایت تاریکی در میان
مخروط ظل باشد پس چون آفتاب بمغرب رسد سر
مخروط ظل در مشرق باشد و هر چند آفتاب پایین تر

رود سر مخروط ظل بالاتر آید و چون آفتاب بزیر افق

رسد سر مخروط ظل بالای سر آید و چون از انجا بجانب

مشرق رود سر مخروط ظل از بالای سر بجانب مغرب

میل کند و چون آفتاب در آخر شب بمشرق نزدیک شود

آنچه از مخروط ظل روشن است در بالای مشرق پیدا

شود باریک و دراز چون ستون آنرا صبح کاذب

و فجر اول میگویند اما در این وقت مشرق تاریک باشد

و چون آفتاب اندکی دیگر در زیر افق بمشرق نزدیک

شود آن روشنی بیشتر شود و مشرق روشن شود و روشنی

در مشرق پهن گردد و این صبح صادق است و اول وقت

نماز صبح این است و از این شکل تصور آنکه گفتیم آسان شود

بدانکه متعلق نیست بصبح کاذب مگر اندکی از عبادات

مثل اجل شدن وقت فضیلت نماز وتر زیرا که افضل

اوقات

وقت وتر از طلوع صبح کاذب است تا طلوع صبح صادق
روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب
بسند صحیح که اسمٰعیل بن سعد الاشعری گفت پرسیدم از
حضرت امام رضا علیه السلم از افضل ساعات وتر
پس آنحضرت فرمود که دوسترین ساعتهای وتر نزد
من فجر اولست و در حدیث است که شخصی در اول شب پرسید
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم از وقت وتر آنحضرت
جواب نگفت تا وقت ما بین صبح کاذب و صبح صادق
شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلم بیرون آمد بمسجد و سه بار
گفت که کجاست آنکه سوال کرد از وقت وتر نیکو ساعتیست
نماز وتر این ساعت بعد از آن برخواست آنحضرت
و نماز وتر بجای آورد و سنت است که چون صبح صادق طلوع
کند این دعا بخواند یا فالقه من حیث لا اری

وَمُخْرِجَهُ مِنْ سَخَطِكَ اَرَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
وَاجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِي هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ
فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا روایت کرده ابن بابویه
قدس سره در کتاب فقیه بسند صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام فرمود که نوح علیه السلام هرگاه صبح و شام
کردی در هر یک ده بار گفتی. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ
اَنَّهُ مَا اَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ
اَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ
الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى
وَبَعْدَ الرِّضَا پس بدین عبد شکور شد روایت
کرده کلینی در کتاب کافی بسند حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که چون صبح می شد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می گفت
سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سه بار اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اعوذ

اعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك
ومن فجاءة نقمتك ومن درك الشقاء
ومن شر ما سبق في الليل والنهار اللهم اني
اسئلك بعزة ملكك وشدة قوتك
وبعظيم سلطانك وبقدرتك على خلقك
ان تفعل بي كذا وكذا مطلب خود را ذکر باید کرد
[illegible] کلینی در کتاب کافی بسند صحیح از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله گذشت
بر شخصی که درخت می نشاند در زمین خود پس پیغمبر گفت
آیا دلالت کنم ترا بر نشاندن درختی که اصل
آن ثابت تر و رسیده تر باشد میوه آن بهتر و باقی تر است
آن شخص گفت بلی پس مرا دلالت کن یا رسول الله پس آن
حضرت فرمود که چون صباح و شام کنی بگو که سبحان الله

و گفت

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ بس

بدرستی که ترا است بهر تسبیحی درختی در بهشت از

انواع میوه‌ها و این تسبیحات اند باقیات صالحات

پس امام محمد باقر علیه السلم فرمود که آن شخص گفت بدرستی که

ترا گواه میگیرم یا رسول الله که همه ایشان صدقات

مقبوضه بر فقراء مسلمین که مستحق صدقه باشند پس نازل

ساخت خدای تعالی آیه چند از قرآن فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى

وَاتَّقٰى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى

یعنی اما آن کسی که عطا کند و پرهیزد و تصدیق کند

بنیکوئی پس زود باشد که ما میسر سازیم او را برای

آسانی روایت کرده سید جمال العارفین رضی الدین

علی بن طاوس قدس الله روحه که حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فرمود که کسی که صباح کند و در دست راست او باشد انگشتری که

او عقیق باشد و پیش از آنکه کسی را ببیند نگین او را بگرداند

بکف دست و انا انزلناه بخواند تا آخر و بعد از آنکه

بگوید آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَکَفَرْتُ

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَآمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَانِیَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ

وَآخِرِهِمْ نگاه دارد خدای تعالی او را در آن روز

از شر آنچه از آسمان پایین آید و آنچه به آسمان بالا رود

و آنچه از زمین بیرون آید و در حرز خدای تعالی باشد تا شام

کند روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که نزد

شب با شب رکم باید گفت أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِیَّ

الْأَعْلَى الْجَلِیلَ الْعَظِیمَ دِینِی وَنَفْسِی وَأَهْلِی وَمَالِی

وَوُلْدِی وَإِخْوَانِی الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

وَجَمِیعَ مَا رَزَقَنِی رَبِّی وَجَمِیعَ مَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ

أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَخُوفَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ

لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي

وَوُلْدِي وَلِيَشْتَغِلَ إِلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي

رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُمْ **فصل** چون

در محل طلوع صبح صادق تا اذان صبح را باطاقت

گوسی و فائی و وضوی کامل را بیان کنیم **بیان** خوانی

که وضو سازی اول مسواک کن و باید که

یعنی بنای مسواک کنی به سطوح یعنی نه پیر این انها

و کافی است انگشت از چوب مسواک **روایت کرد** در

تهذیب که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که مسواک با بهام و مسبحه

یعنی در وقت وضو مسواک هست و عوض آن است که

انگشت شهادت و انگشت بزرگ برد تنها در وقت

وضو ثواب مسواک کردن هفتاد دو سنت ششم رو بقبله بودن

در حال وضو و اکثر علما این را ذکر نکرده اند و بعضی ذکر کرده

و مستحب شمرده با آنکه منقول است از ائمه علیهم السلم که بهترین

مجالس آنست که رو بقبله باشد سنت اگر وضو از

ظرفی سازی که ممکن باشد دست در آن فرو بردن آنرا

بر جانب راست بگذارد و اگر از نهری یا حوضی وضو سازی

رو بقبله بنشین که آن بر جانب راست تو واقع شود

و هرگاه جمع نتوان کرد میان رو بقبله نشستن و گذاشتن

آب وضو بر جانب راست پس ظاهر ترجیح استقبالست

سنت نظر در آب کنی و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ

الْمَاءَ طَهُوراً وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً پس شروع سنت را

تا شستن پیش از آنکه بآب فرو بری یکبار اگر از حدث

بول یا خواب وضو سازی نه از حدث باد و دوبار از حدث

غایط وشستن دستها پیش از وضو از غیر این حدث
سنت نیست واگر وضو از خوابی یا از بول سازی پیش مذهب
اکثر علما آن است که شستن دستها درین حال سنت است
وبعضی دیگر سنت میدانند واین بد نیست بعد از آن
دست در آب کن وبگو آنکه روایت کرده در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که چون دست در
آب کنی اول بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ پس سه بار
مضمضه یعنی آب در دهن کن بگردان پس سه بار آب
در بینی کن وبگو عقب هر یک دعائی را که در فصل آینده
ذکر خواهیم کرد پس به دست راست کفی آب بردار
ونیت کن که وضوی واجب می سازم برای مباح بودن
نماز جهت امتثال امر الله تعالی ومقارن نیت سازد بشستن

باابی بر رو او حکم نیت وراد ایم دار تا فارغ شدن

بگو بسم الله چنانکه روایت کرده در شفا از امام محمد باقر

علیه السلم و ظاهر آن است که بسم الله اول کاری نیت

اینجا هم بسم الله باید گفت زیرا که آن برای شروع در سنت بود

و این برای شروع در واجب است و تجویز کرده اند مقارن

ساختن نیت را بشستن سرهای دست اگر شرایطش بود

است مصنف وی استثناف هم بدلیل انکه این هم از

افعال وضو کامل اند و ابن طاوس قدس سره توقف کرد

در جایز بودن مقارنه نیت بشستن رو و احتیاط

نیست و چون آب بر رو ریزی لازمست بر آن کس چنانکه

از اصحاب عصمت سلام الله علیهم منقول است نزد حکایت

وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله و علما صحابه از خلاف کسی که

دست کشیدن را واجب میدانند دو واجب نیست که هر دو بای

از اجزاء رو که بالاتر است بشوی پس از جزوی که پایین

آن جزو است مگر چون استیعاب البشرة اعلا رو کنی

کافی است و حد رو در طول و عرض آن است که دور کند

بر او ابهام و وسطی یعنی انگشت بزرگ و انگشت میانه بر آن

نگردد چنانکه ناطق است بآن صحیحه زراره از حضرت ابا

جعفر علیه السلام بیان آن در شرح حدیث چهارم کتاب

جمل حدیث است دو واجبست تخلیل یعنی رسانیدن آب

موی که پوست رو از زیر آن دیده شود [illegible] اجبه

یعنی رو برو بودن چنانکه شستن مرآن صادق آید

در وقتی که دو کس [illegible] و بروی هم باشند که پوست رو در [illegible]

تحت طب دیده نشود تخلیل آن واجب نیست بلکه واجب شستن

ظاهر آن موست و چشمها نکند در حال وضو روا نیست

در قصه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود باز نکنید چشمها را

نزد وضو ساختن که جشمها نبندد شستن جشمها را و اکثر علما
ما ذکر این دستنیها کرا وضو نکرده اند و بعضی را ظن شده
وجه اهمال آن نباشد که شیخ طوسی قدس سره نقل کرده
اجماع را بر آنکه سنت [illegible] رسانیدن آب وضو بدرون
جشمها و شیخ شهید قدس سره در کتاب ذکری فرموده
که منافاتی نیست میان این دو زیرا که ممکنست که اندرون
جشمها باز کردن سنت باشد و بدرون جشم رسانیدن
سنت نباشد پس جون فارغ شوی از شستن روی کفی
آب بردار بدست جپ جنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام
نزد هر دو بیان وضوء حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله و بشوی آن
دست راست را از مرفق تا سر انکشتان و دست جپ را
بکشوی آن تا سر انکشتان و اینجا احتیاط بسیار باید
از [illegible] موی که بسیار باشد و خواه اندک اگرچه دیده نشود

نیز

و ابتدا کن بشستن ظاهر دست و زن ابتدا کند به باطن دست

بعد از آن بدست راست کفی آب بردار با آن دست چپ را

بشو چنانکه راست را شستی و باید که هر یکی از هر دو دستها را

یکبار بشویی نه زیاده چنانکه مذهب کلینی است و ابن بابویه

پس بتری دست راست مسح کن به انگشت پهلوی آن نهاده

پوست پیش سر را یا موی را که بر آنجا باشد و بکشید ان

بیرون نرود و از حد نرود و به باقی مانده آن تری مسح کن

پشت پای راست را از سر انگشتان تا کعب یعنی بند پا

آنجا که از هم جدا میشود پا از قدم و کعب بلندی پشت پا

پائینتر از کعب آنچه در شرح الشمسین حبل المتین مرقوم

پس مسح کن پشت پای چپ را بتری دست چپ و باید که مسح

و قدمها بکف دستها باشد نه بپشت دستها مگر از برای ضرورت

و باید که دست کشیده شود بر سر قدمها و کف دست گذاشتن

دست بکشید انگشتان و باید که قدمها را مسح کنی بتمام کف چنانکه
در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از احمد بن محمد بزنطی
که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا علیه السلم از مسح
بر قدمها که چگونه است پس آنحضرت گذاشت کف دست
خود را بر انگشتان پا پس مسح کرد آنها را تا کعبها پس گفتم
اگر کسی بدو انگشت از انگشتان خود مسح کند اکتفا میکند
پس آنحضرت فرمود که لا الا بکفه کلها یعنی مسح تمام
نکند مگر به تمام کف و باید که افعال وضو را پی
در پی بجای آرد یعنی تاخیر نکند آنها با رعایت ترتیب
مذکور رضی در مسح قدمها چنانکه مجمع علیه است از شیعه
علما ما و کلینی روایت کرده بسند حسن حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که مسح کن بر قدمها و ابتدا
کن بجانبی که هست و باید که کوتاه نکند هر فعل از افعال وضو

دعایی که مقرر است برای آن فعل چنانکه در فصل آینده
مذکور میشود **وچون** از وضو فارغ شوی بگو الحمد لله
رب العالمین چنانکه شیخ طوسی قدس سره در تهذیب
روایت کرده بسند صحیح **وبعد از آن بگو** اللهم اجعلنی
من التوابین واجعلنی من المتطهرین اللهم
انی اسئلک تمام الوضوء وتمام الصلوة
وتمام رضوانک والجنة **بدانکه** بیشتر افعال
وجمیع دعا سنت است و افعالی که واجب است
نیت با استمرار حکم وشستن رو ودستها ومسح سر
وقدمها متصل ساختن از سر قدمها با لعب وترتیب و
یعنی پی در پی بودن افعال مباشرت یعنی خود وضو
ساختن مگر برای ضرورت **وسنت است** ترک تمندل یعنی
بعد از وضو بمندیل خشک کردن تری وضو **زایل گرد**

در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که کسی که
وضو کند و تمندل کند باشد مر او را یک حسنه و اگر
تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی او باشد او را
سی حسنه و ظاهر آن است که عمدا خشک کردن آب وضو
با فتاب یا با آتش مثل تمندل باشد یا [illegible]
تا خفتن در مسجد از غیر حدث بول و غایط [illegible]
دو مکروه است چنانکه روایت کرده در کتاب کامل السند
صحیح فصل روایت کرده در کافی ثقة الاسلام
و رئیس المحدثین در فقیه و شیخ الطائفه در تهذیب از عبد الرحمن
بن کثیر الهاشمی که امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که
روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلم نشسته بود با پسر حنفیه رضه
گفت یا ای محمد بیار ظرفی از آب وضو سازم برای نماز
پس آورد برای آنحضرت محمد آب پس آنحضرت کفی آب بگرفت

راست ریخت بر دست چپ پس گفت بسم الله والحمد
لله الذی جعل الماء طهورا ولم یجعله
نجسا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام بعد از آن استنجا کرد و گفت
اللهم حصّن فرجی واعفّه واستر عورتی
وحرّمنی علی النار فرمود که بعد از آن مضمضه
کرد یعنی آب در دهن مبارکش کرد پس گفت اللهم
لقّنی حجّتی یوم القاک واطلق لسانی
بذکرک پس استنشاق کرد و گفت اللهم لا
تحرّم علیّ ریح الجنة واجعلنی ممن یشمّ
ریحها وروحها وطیبها فرمود که پس رو
شست و گفت اللهم بیّض وجهی یوم تبیضّ تسودّ
فیه الوجوه ولا تسوّد وجهی یوم تبیضّ

فیه الوجوه بشست دست راستش را پس گفت
اللهم اعطني كتابي بيميني والخلد في
الجنان بيساري وحاسبني حسابا يسيرا
بعد از آن شست دست چپش را و گفت اللهم لا
تعطني كتابي بشمالي ولا تجعلها مغلولة
الى عنقي واعوذ بك من مقطعات النيران
پس مسح کرد سر مبارکش را و گفت اللهم غشني بـ رحمتك ع
برکاتك پس مسح کرد پاهارا و گفت
اللهم ثبتني على قدمي على الصراط يوم
تزل فيه الاقدام واجعل سعيي فيما يرضيك
عني بعد از آن بالا کرد سر مبارکش را و نظر کرد
بمحمد و گفت ای محمد که وضو سازد مثل وضوی من
و بگوید مثل گفتن من خلق کند خدای تعالی از هر قطره

نوشته که تقدیس و تسبیح خدا گوید و ثواب تسبیح خدای تعالی
برای او ثواب آن را تا روز قیامت بدانکه میان
نسخهای کتاب کافی و فقیه و تهذیب اندک اختلافات
در بعضی الفاظ این دعاها و آنچه اینجا مذکور است مطابق
[illegible] است که شیخ طوسی قدس [illegible] تهذیب آورده
و نسخه که پیش عالیحضرت استاد است دام ظله بخط
مبارکش قدس سره است که همین نسخه را پیش شیخ
زین الدین نور الله مرقده خوانده و [illegible] جلدی
اجازه نوشته بخط مبارکش برای [illegible] فضل
وضو فارغ شوی مستحب است که تسبیح روایت کرده [illegible]
در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر کسی را
شود مسجد بگذارد یا به تسبیح تری و نه به هیچ خشک
مگر که تسبیح کند برای او زمین تا زمانی که مقیم [illegible]

از مسجد برای وقت بیرون رفتن از خانه بگو بسم الله الذی

خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی

وَیَسْقِینِ وَاِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ

وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ وَالَّذِی اَطْمَعُ

اَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ رَبِّ

هَبْ لِی حُکْمًا وَاَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ وَاجْعَلْ

لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ وَاجْعَلْنِی

مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ وَاغْفِرْ لِاَبِی

جمال السالکین در کتاب عدة الداعی

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده کسی که وضو سازد و

بیرون رود بجانب مسجد و در محل بیرون رفتن از خانه

بگوید بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین

هدایت کند خدای تعالی او را بصواب و ایمان و چون

بگوید وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ که رب
خدای تعالی از طعامهای بهشت وبیاشاماند اورا از ش[illegible]
بهشت وچون بگوید وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ
بگرداند خدای تعالی این کشتی را کنار [illegible] آد
وچون بگوید وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ بمیر
خدای تعالی اورا مردن سعادت یافتگان وچون بگوید
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّين
بیامرزد خدای تعالی جمیع خطاهای او [illegible] اگرچه زیاده
تر از کف دریا وچون بگوید [illegible] رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا
وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ببخشد خدای تعالی اورا
حکمت وعلم در رساند اورا بصالحان که گذشته
وصالحان باقی ماندگان وچون بگوید وَاجْعَلْ لِي
لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ بشود [illegible] خدای تعالی

ی او در ور قی سفیه که فلان بن فلان از رحمت

یان است و چون بگوید وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ

جَنَّةِ النَّعِیمِ عطا کند خدای تعالی باو منزلهاء در

جنت نعیم و چون بگوید وَ اغْفِرْ لِأَبِی بیامرزد خدای تعالی

رو مادر او را و چون که خواهی که بسجده در حل شوی

خشم او را اکنم قایم مقام کفش است ملاحظه کن که تا کجا

داشته باشد و مقدم دار پای راست را و بگو

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ اِلَی اللّٰهِ وَ

... کُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ لَا

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اَللّٰهُمَّ

صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِی اَبْوَابَ

رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ وَ اَغْلِقْ عَنِّی اَبْوَابَ

مَعْصِیَتِكَ وَ اجْعَلْنِی مِنْ زُوَّارِكَ وَ عُمَّارِ

مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَوٰتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ

وَادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجُنُودَ إِبْلِيسَ

أَجْمَعِينَ وچون خواهی که کفش یا غیر آنها را از پا بیرون

کنی چپ پایش از راست بیرون کن و در پوشیدن

عکس و اگر در پا نعلین عربی باشد و نماز کردن با آن ممکن

باشد پس با آن نماز کن و آن را بیرون مکن زیرا که نماز

در نعل عربی سنت است روایت کرده است در تهذیب به سند

صحیح از ابن عمار که گفت دیدم بارها امام جعفر صادق علیه السلام

که نماز میکرد در نعل عربی نعلینش و هرگز ندیدم که از

وقت نماز کنده باشد و روایت کرده از عبد الرحمن

ابن ابی عبد الله که او گفت حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام فرمود که هرگاه نماز میکنی پس با آن نماز کن

اگر پاک باشد زیرا که گفته خواهد شد که این از سنت است
ظاهر آن است که حضرت اراده کرده که هرگاه تو در غلس
نماز کنی شبیه می‌دانند که نماز در این سنت است زیرا که
راوی از اعیان اصحاب امام است و اعتماد علما بر قول
وی است بعد از اذان بگو زیرا که اذان جمع
از سنتهای مؤکده است حتی آنکه سید مرتضی نفی وجوب
در حضر بر مردان و ابن ابی عقیل با او موافقت کرده
و زیادتی کرده و گفته که نماز صبح باطل است بی آنکه اذان
بعدا رسول الملک این است الله اکبر چهار بار
اشهد ان لا اله الا الله دو بار اشهد ان محمدا
رسول الله دو بار اشهد ان علیا ولی الله دو بار
حی علی الصلوة دو بار حی علی الفلاح دو بار
حی علی خیر العمل دو بار الله اکبر دو بار لا اله الا الله دو بار

وسنت است که در حال اذان ایستاده باشی رو بقبله گشته باشی

شهادتین را در گوشها کرده و به آواز بلند بنالی

بر هر فصلی ازین بجا، فصل مذکور وقف کنی و بجانب

راست و چپ نگردی و در اثنای حرف نزنی و نزد ذکر

پیغمبر صلی الله علیه و آله الصلوات بر آن حضرت فرستی روایت کرده

رئیس المحدثین در فقیه بسند صحیح که امام محمد باقر علیه السلام

فرموده که صلوات فرست بر پیغمبر هرگاه ذکر آنحضرت کنی

یا ذکر آنحضرت کنند پیش تو ذکر کننده در اذان و غیر

اذان [illegible] که ظاهر این دلالت میکند بر وجوب

بودن صلوات بر پیغمبر هر که ذکر آنحضرت کند و هر که ذکر آن

حضرت را شنود در هر بار [illegible] و بعضی

شیعیان را اعتقاد این است که واجب است صلوات دلیل

بر پیغمبر در مدت عمر یکبار و بعضی ایشان را آنکه واجب است

در هر مجلسی یکبار و بعضی علما را آنکه واجب است هر گاه
نام آنحضرت مذکور شود و این موافق مذهب ابن بابویه است
و زمخشری و صاحب کنز العرفان موافق است در وجوب
بودن صلوات هر گاه اسم آنحضرت مذکور شود و اصح
این است دلیل این مستوان ساخت قول الله تعالی
وَلَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ
بَعْضًا یعنی مگردانید نام بردن و طلب کردن پیغمبر را
علیه السلم میان خود مانند نام بردن و طلب کردن بعضی
از شما بعضی را یا آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر
که نزد او مذکور شوم و صلوات نفرستد بر من و داخل
آتش شود پس دور گرداند او را خدای تعالی و آنچه مروی است
که از آنحضرت سوال کردند از قول خدای تعالی إِنَّ اللَّهَ
وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما پس آنحضرت
فرمود که این از علم مکنون است و اگر نه آنکه شما سوال
کردید از این خبر نمیدادم بشما بدرستی که خدای تعالی
موکل ساخته برای من دو فرشته پس نام من برده نشود
نزد مسلمی که صلوات فرستد بر من مگر آنکه برای او آن دو فرشته
گویند غفر الله لک و بگوید خدای تعالی و همه فرشتگان آمین
و من نه گور نشوم نزد مسلمی که صلوات نفرستد بر من مگر آنکه آن
دو فرشته گویند لا غفر الله لک و بگوید خدای تعالی و ملایکه
آمین دخنی نماند که بقول امام محمد باقر علیه السلم در حدیث اول
که ذکر کنی تو آنحضرت را یا ذکر کنند پیش تو ذکر کننده
تقاضا می کند واجب بودن صلوات را بر دی که آنحضرت
نه گور شود باسم یا بلقب یا بکنایه و ممکن است که ذکر آن
حضرت بضمیر هم چنین باشد و در کلام علما چیزی درین

نیافته

نیافتیم و احتیاط مقتضی عموم است بدانکه اظهر آنست
که صلوات واجب بجا می آید بگفتن اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اما آنچه روایت شده که چون این
آیه نازل شد اصحاب گفتند یا رسول الله سلام بر تو
دانستیم صلوات بر تو چون است پس آنحضرت گفت
بگویید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ پس ظاهر آنست که حضرت بیان
افضل کیفیات صلوات فرموده اند بدانکه پیغمبر ما صلی الله علیه و آله
وسلم افضل است از حضرت ابراهیم علیه السلام و در علم بلاغت
مقرر است که مشبه به اقوی باید از مشبه پس تشبیه
صلوات پیغمبر ما بصلوات ابراهیم خلاف مقرر بلاغت باشد

جواب آن است که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله از آل ابراهیم است
پس با این گفتن دو صلوات جهت آنحضرت طلب شده
یکی صلواتی که خدای تعالی بر وی و بر آل ابراهیم داشته
در ضمن آل ابراهیم و یکی دیگر صلواتی که خدای تعالی بر
ابراهیم فرستاده و شک نیست در آنکه صلواتی که شامل
هر دو باشد افضل است از آنکه مخصوص یکی باشد
و بعضی از علما چنین توجیه کرده اند که صلوات بر
ابراهیم از آنجهت که پیشتر واقع شده اقوی است
و اینقدر در تشبیه کافی است ضعیف است زیرا
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که کُنتُ نَبِیًّا
وَ آدَمُ بَیْنَ الْمَاءِ وَالطِّینِ یعنی من پیغمبر بودم
در آنوقت که طینت آدم گل بود و بعضی دیگر چنین
گفته اند که مشتبه بصلوات بر آل محمد است و معنی چنین است

19

که خدایا صلوات بفرست بر آل محمد چنانکه صلوات فرستادی

بر ابراهیم و آل ابراهیم و این هم ضعیف است زیرا

که سوال اصحاب از کیفیت صلوات بر آنحضرت بود

نه از صلوات بر آل آنحضرت و این را وجهها دیگر هست

در کتاب حبل المتین **فصل** چون از اذان صبح

فارغ شوی سجده کن با آنکه رکعتها بنشین و بگو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًّا وَعَيْشِي قَارًّا وَرِزْقِي

دَارًّا وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ

عَلَيْهِ وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا و بعد از آن هر دعا

که خواهی بکن و هر حاجتی که داری از خدای تعالی بطلب

روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که دعا میان اذان

و اقامت رد نمیشود **بعد از** آن برخیز و اقامت بگو و فصول

اقامت مثل فصول اذان است تا همه را دو بار بگو

مگر لا اله الا الله که در آخر اقامت که یکبار است و بعد از
حی علی خیر العمل دو بار بگو قد قامت الصلوة و آداب
که در اذان مذکور شد در اقامت بجا آور مگر حکایت
و گذاشتن انگشتها در گوشها و بلند کردن آواز
که اینها در اقامت سنت نیست و در طهارت و ایستادن
اینجا تاکید بیشتر است حتی آنکه سید مرتضی رضه ایستادن
و طهارت را در اقامت واجب دانسته و چون از اقامه
نماز صبح فارغ شدی رو بقبله بگو اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ
تَوَجَّهْتُ وَ مَرْضَاتَكَ طَلَبْتُ وَ ثَوَابَكَ
اِبْتَغَیْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ قَلْبِی
لِذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْنِی عَلٰى دِیْنِكَ وَ لَا تُزِغْ قَلْبِی
بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِی وَ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

انک انت الوهاب و باید که در نماز بوقار و خشوع

ایستاده باشی دستها را گذاشته بر رانها برزانوها برابر ۵

پاها را از هم کشاده. بقدر انگشت از هم کشاده

تا بسجده گاه بوضع سجود کنی نه آنکه چشم بر آسمان

کنی و باید بخاطر آری که وداع نماز میکنی [illegible]

را بجای آری که گویا نماز آخر تست و بعد از ان نیت کن

که نماز واجب صبح ادا میکنم برای امتثال امر خدای تعالی

و مقارن ساز نیت را یکی از هفت تکبیر افتتاح به

کدام [illegible] آنرا قصد تکبیرة الافتتاح

کن و به هر تکبیری دستها را بردار تا برابر گوشها و انگشتها

بسته الا ابهام ابتدا بر داشتن دست باشد و انتهای

تکبیر [illegible] دستها برابر گوشها و دستها از برابر گوشها

کند رد و کف دستها قبله باشد و همه انگشتها پهلوی هم باشد

بغیر انگشت بزرگ بدانکه بعضی از آخرین فقهای ما درین باب
تطویل کرده چنانکه باعث دشوار نیت شد در اکثر
مردم و باعث وسواس ایشان شده و در احادیث
ائمه ما سلام الله علیهم چیزی از آنها بلکه مستفاد از
تتبع اخبار ائمه هدی علیهم السلام آسانی نیت است
و از آنچه متقدمین علمای ما کتابها از آن نکرده اند خبر
بآنکه بعضی از علما فرموده که اگر خدای تعالی مارا مکلف
میساخت بکاری بی نیت هر آینه تکلیف ما لا یطاق
می بود و بنا بر آنکه رسانیدن مقصود بر وجهی که تمیز یابد از
غیرش بقصد امتثال امر خدای تعالی در نهایت آسانی است
و کسی که مشکل داند خدای تعالی بر او آسان سازد بدانکه
سنت است هفت تکبیر در اول نماز گفتن یکی تکبیرة الاحرام
و واجب و شش دیگر سنت است و باجماع علمای ما نیت را

اکه

هر کدام که خواهی مقارن عنوان حسنات و آن را قصد
تکبیرة الاحرام باید کرد و اولی آن است که چون
نیت کنی تکبیر اول بقصد تکبیرة الاحرام کنی و تکبیرات
سنت را بعد از آن چنانکه از ظاهر حدیث زراره
مستفاد میشود و سنت است که در میان هفت تکبیر سه دعا را که
روایت کرد. یکی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
بعد از تکبیر سیوم اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا
اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي
ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و بعد از تکبیر
پنجم لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ
وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ
لَا مَلْجَأَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ
تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ

وبعد از تکبیر هفتم که تکبیرة الاحرام باشد وَجَّهْتُ
وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ
الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا
مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ
وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ
اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ و در روایت دیگر
چنین است وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضَ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرٰهِیمَ وَدِینِ مُحَمَّدٍ وَمِنْهاجِ
عَلِیٍّ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ
تا آخر با اضافه عَالِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ بعد از این
دعا کند اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ اَعُوذُ
بِاللّٰهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ و گفتن
استعاذه نزد علما مخصوص است برکعت اول

بآهسته باید گفت و بعد از آن الحمد که خواندن باید بتأنی
یعنی نه تندی و ترتیل کنی یعنی چنان خواندن که همه الفاظش
را توان شمرد با حضور دل بخاطر گذرانید معنیهای آن و وقف
کن بر هر وقفی و بعد از الحمد ساکت شو بقدر یکنفس و بعد از آن
سوره بخواندن بهمین طریق و سنت است که سورهٔ عم یا سورهٔ غاشیه
یا سورهٔ لا اقسم بیوم القیمه یا سورهٔ دهر یا سورهٔ دیگر
که بقدر اینها باشد چنانکه شیخ طوسی قدس سره روایت
کرده در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم و بعد از سوره ساکت شو بقدر یکنفس بعد از آن
الله اکبر بگو دستها را برداشته برابر گوشها چنانکه
گفته شد و بعد از آن رکوع کن و اول دست راست را بر زانوی
راست بگذار پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ
و انگشتهای دستها را پر کن از زانوها و انگشتها فرو گیر

چنانکه گویا تمه است و زانوها را بجانب عقب کن پشت را
هموار کن و گردن را دراز کن و چشمها نگاه بمیان
قدمها کن و بگو آنچه ثقه الاسلام روایت کرده در کا[فی]
بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اللهم
لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَ
عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي
وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي
وَعِظَامِي وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ
وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ پس بگو سُبْحَانَ رَبِّيَ
الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ هفت بار یا پنج بار یا سه بار بعد از
آن راست شو و بایست پس بگو سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
بعد از آن الله اکبر بگو ایستاده پس بسجود رو و بخضوع
وخشوع و بر زمین گذار کفهای دست را پیش از ...

213

...ستها را در سجود از بدن دور کن چنانکه مرغ
...کشاد. وکفهای دست را و انگشتها را بهم کذاشته
...زمین کذار برابر سرهای کوش در رو و چنان
...کن که هیچ عضوی از بدن تو بر عضوی دیگر
...نشد و پیشانی را بر زمین کذار و متمکن ساز
...افضل تربت حضرت امام حسین علیه السلم است و بینی را
...خاک کذار و نکاه کن در حال سجود بجانب سر بینی
...پس بکو آنچه در کافی روایت کرده بسند صحیح از حضرت
...امام حسین علیه السلم اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ
...بِكَ آمَنْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
...اَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِيَ لِلَّذِي خَلَقَهُ
...صَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
...رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

پس بگو سُبحانَ رَبّیَ الأعلی وَبِحَمدِهِ هفت
یا پنج بار یا سه بار و بعد از آن سر بردار و بنشین و
الله اکبر بگو و تورک کن یعنی چپ بنشین و پشت پای
راست در شکم پای چپ گذار و بگو اَستَغفِرُ الله
رَبّی وَاَتوبُ اِلَیهِ پس بگو آنچه ثقة الاسلام روایت
کرده بسند حسن صحیح از حضرت امام علیه السلام اللهم
اغفِر لی وَارحَمنی وَادفَع عَنّی اِنّی لِما اَنزَلتَ
اِلَیَّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ تَبارَکَ اللهُ رَبّ
العالَمین و بعد از آن تکبیر دوم بگو و سجده دوم بکن
بطریق اول و بعد از آن سر بردار و اندکی زمانی
بنشین متورک و این را جلسه استراحت میگویند
و ترک این مکن زیرا که سید مرتضی قدس سره این
واجب دانسته بعد از آن برخیز و اول [illegible]

سر از زمین بردار پس از دستها و تکیه کن در برخاستن
بر دستها و بگو بِحَوْلِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ اَقُومُ وَ اَقْعُدُ
وَ اَرْكَعُ وَ اَسْجُدُ پس چون راست شوی که آن الحمد
و سوره چنانکه دانستی در رکعت اول و سنت است
اینجا سورهٔ توحید و بعد از قرائت سوره ساکت شو
بقدر یکنفس بعد از آن تکبیر بگو برای قنوت و دستها را
بردار تا برابر رو و کفهای دستها رو باسمان و انگشتها پهلوی هم باشند
الا دو انگشت بزرگ و کلمات فرج گو و آن اینست لا اله
اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ
الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ
وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ کلینی در کتاب کافی کلمات
فرج را چنین روایت کرده بسند حسن از امام محمد باقر علیه السلام

وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و در بعض کتب دعا و ما تحتهن بعد از و ما فوقهن روایت
کرده اند و در بعضی و ما فوقهن بعد از و ما تحتهن
و در بعضی و ما فوقهن و هو رب العرش العظیم
و این زیادتیها را در روایات معتبره نیافتیم والله اعلم
کلمات فرج تمت اللهم اغفر لنا و ارحمنا
و عافنا و اعف عنا فی الدنیا و الآخرة
انک علی کل شیء قدیر بعد از ان بگو
اللهم الیک شخصت الابصار و نقلت الا
قدام و رفعت الایدی الی الاعناق و انت
دعیت بالالسن و الیک سرهم و نجواهم فی
الاعمال ربنا افتح بیننا و بین قومنا
بالحق و انت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو
الیک غیبة امامنا و قلة عددنا و کثرة عدونا

تحتهن

مدت

وتظاهر الاعداء علينا ووقوع الفتن بنا
ففرّج ذلك اللهم بعدل تظهره وامام حق تعزه
اله الحق امين رب العالمين بعد از ان بگو
اللهم من كان اصبح وله ثقة او رجاء
غيرك فانت ثقتي ورجائي يا اجود من سئل
ويا ارحم من استرحم ارحم ضعفي ومسكنتي
وقلة حيلتي وامنن علي بالجنة وفك
رقبتي من النار وعافني في نفسي وفي جميع اموري
برحمتك يا ارحم الراحمين و اگر خواهی که بیاد
از اینها که ای اضافه کن بابتها قنوتهای که در
باب بستم مذکور خواهد شد وبعد از ان دستها را بردار
به تکبیر و رکوع و سجود بجا آر چنانکه دانستی و بعد از
سجده دوم تشهد برای تشهد مشهور که بگو نگاه کن

بگیر خود و بگو بسم الله و بالله و خیر الاسماء

لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا

شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله

ارسله بالحق بشیراً و نذیراً بین یدی الساعة

و اشهد ان ربی نعم الرب و ان محمداً نعم

الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل

شفاعته فی امته و ارفع درجته بعد از آن

دو بار یا سه بار الحمد لله رب العالمین بگو و از آنها

که واجب است سه دندان و صلوات بر پیغمبر و آل

صلی الله علیه و آله بعد از آن بقبضه بر دل ریش ...

بگو السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

و قصه کن ابنا و ایه و حفظ و استاره و اشاره کن

بگوش چشم راست به پهلوی راست **فصل** ... از

26

نماز فارغ شوی شروع کن در تعقیب در تفسیر آیه فَاِذَا
فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَاِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ مذکور است
یعنی هرگاه فارغ شدی از نماز واجبی پس است[اده]
شو [و] بپروردگار خود رغبت کن بدعا و سؤال کردن
از او تا بتو عطا می کند روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب
بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
تعقیب ابلغ است در طلب رزق از تردد در شهرها
و مراد از تعقیب دعاست در عقب نمازها و هم در تهذیب
روایت کرده بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام و
جعفر صادق علیه السلام فرموده اند دعا در عقب نماز
واجبی افضل است از دعا در عقب نماز سنتی مثل فضیلت
نماز واجبی بر نماز سنتی و روایت کرده ثقة الاسلام
در کافی بسند حسن که امام محمد باقر علیه السلام فرموده دعا بعد از

نماز واجبی افضل است از نماز سنتی در روایات از ائمه علیهم السلام
درین باب بسیار است و افضل تعقیبها تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام است روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی که تسبیح
فاطمه علیها السلام بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاها را
پهلوی هم بگذارد آمرزیده شود ابتدا کند به تکبیر و هم
فرمود که ما امر میکنیم اطفال خود را به تسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را به نماز پس لازم
بساز بر خود زیرا که لازم نسازد آن را بر خود بنده
که شقی باشد مگر که سعید گردد و هم آنحضرت فرمود که تسبیح
فاطمه علیها السلام در هر روزی عقب هر نمازی دوست تر است
نزد خدای تعالی از هزار رکعت نماز در هر روز و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هیچ بنده عبادت نکرده

خدای

برای نماز از چیزی از تحمید که افضل باشد از تسبیح فاطمه
زهرا علیها السلام و اگر چیزی افضل از آن می بود هر آینه
تعلیم میکرد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بفاطمه علیها السلام
و روایات در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بسیار است
و باید که نشستن برای تعقیب متصل بنشستن نماز
و بهمان هیئت رو بقبله متورک و در اثنای تعقیب
با کسی سخن نگوید و رعایت جمله نکرده اند زیرا که روایت شده
که هر چه منافیست نماز را دارد منافیست کمال تعقیب را

فصل پس چون سلام نماز داده سه تکبیر بگوید دستها را
برداشته تا برابر رو و کفهای دستها را بر قبله دارد این
سه تکبیر اول تعقیب است بعد از آن بگو لَا اِلَهَ اِلَّا
اللهُ اِلهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا اِلَهَ
اِلَّا اللهُ اِلهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

لا اله الا الله لا نعبد الا اياه مخلصين

له الدين ولو كره المشركون لا اله الا

الله ربنا ورب ابائنا الاولين لا اله

الا الله وحده وحده انجز وعده

عبده وهزم الاحزاب وحده فله الملك

وله الحمد وهو على كل شيء قدير استغفر

الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم واتوب

اليه اللهم اهدني من عندك وافض

علي من فضلك وانشر علي من رحمتك و

انزل علي من بركاتك سبحانك لا اله

الا انت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فانه

لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا انت اللهم

اني اسألك من كل خير احاط به علمك واعوذ

بك

بك من كل شر احاط به علمك اللهم اني
اسئلك عافيتك في اموري كلها واعوذ
بك من خزي الدنيا وعذاب الاخرة واعوذ
بوجهك الكريم وعزتك التي لا ترام وقد رتك ح
التي لا يمتنع منها شيء من شر الدنيا والا
خرة ومن شر الاوجاع كلها ولا حول ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم توكلت
على الحي الذي لا يموت والحمد لله الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل ح
وكبره تكبيرا بعد از ان تسبيح فاطمه زهرا عليها السلم
بگو بیست بار بگوید این مخصوص است بصبح و شام
لا اله الا الله لا شريك له له الملك وله وحده ح
الحمد يحيي ويميت ويحيي وهو حي لا يموت ويميت ح

بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و ده بار بگو

اینهم مخصوص است بصبح سبحان الله العظیم

و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

و صد بار بگو ما شاء الله کان لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم و صد بار استغفر الله

و اتوب الیه و صد بار استجیر بالله من النار

و اسئله الجنة و صد بار اللهم صل علی محمد و آل

محمد و عجل فرجهم و ده بار اشهد ان لا اله

الا الله وحده لا شریک له الها واحدا

احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا

ولدا و سی بار سبحان الله و الحمد لله و لا اله

الا الله و الله اکبر و افضل آن است که ذکرها و تسبیحات

را به تسبیحی از خاک امام حسین علیه السلام شمرد روایت کرده اند

تهذیب بسند صحیح که حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه فرمود
که تربت امام حسین علیه السلام افضل چیزی است که تسبیح را
بآن حفظ کنند و هر رستنی که تسبیح کنند و فراموش کند
تسبیح گفتن را و تسبیح خاک امام حسین علیه السلام را در دست
گیرد مهلس نوشته شود آن تسبیح برای او یعنی ثواب آن
تسبیح که فراموش کرده. بعد از ان بگو و این مخصوص است
بصبح یَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَثَبِّتْ قَلْبِی عَلَی دِینِكَ وَدِینِ نَبِیِّكَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَلَا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ
اِذْ هَدَیْتَنِی وَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ
مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحْوِیلِ عَافِیَتِكَ وَمِنْ
فُجَاءَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ

ما سبق في الكتاب اللهم اني اسألك بعزة
ملكك وعظم سلطانك وشدة قو
تك على جميع خلقك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تفعل بي كذا وكذا وبعد از ان بگويد
نفسي واهلي ومالي وولدي واخواني ور
رفقني وجميع من يعنيني امره بالله الواحد
الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد وبرب الفلق من شر ما
خلق تا اخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره
وبخواند الحمد وآية الكرسي تا هم فيها خالدون وآيه
شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولو
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام وآيه الملك قل

من تشاء وتنزع الملك

اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك
الخير إنك على كل شيء قدير تولج
الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج
الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق
من تشاء بغير حساب وآية سخرت إن ربكم الله
الذي خلق السموات والأرض في ستة
أيام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار
يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارك الله
رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية
إنه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الأرض
بعد إصلاحها وادعوه خوفا وطمعا إن

واخر كهف

رحمة الله قريب من المحسنين قل لو كان
البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل
ان تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله
مددا قل انما انا بشر مثلكم يوحى الى
انما الهكم اله واحد فمن كان يرجو
لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك
بعبادة ربه احدا واول الصافات
بسم الله الرحمن الرحيم والصافات صفا
فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان
الهكم لواحد رب السموات والارض وما
بينهما ورب المشارق انا زينا السماء
الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل
شيطان مارد لا يسمعون الى الملا الاعلى

31

يقذفون من كل جانب دحورا ولهم

عذاب واصب الا من خطف الخطفة

فاتبعه شهاب ثاقب دسه آیه آخر والصافات

سبحان ربك رب العزة عما يصفون

وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

وسه آیه از سوره رحمن يا معشر الجن والانس ان

استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات

والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان

فباي الاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ

آخر

من نار ونحاس فلا تنتصران وچهار آیه از سوره

حشر لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأ

يته خاشعا متصدعا من خشية الله

وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا یُشْرِكُونَ
هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ
الْحُسْنٰی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ
الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ وبعد ازان دوازده بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ
وبعد ازان این دعا بگوید که بهای دست نهاکن. اَللّٰهُمَّ
اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ
الْمُطَهَّرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الْعَظِیمِ
وَسُلْطَانِكَ الْقَدِیمِ یَا وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ
الْاُسَارٰی وَیَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ نَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی

32

مِنَ النَّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیا اٰمِنًا وَ

تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی اَوَّلَهٗ

فَلَاحًا وَاَوْسَطَهٗ نَجَاحًا وَاٰخِرَهٗ صَلَاحًا

اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ واین مخصوص صبح است — لصبح

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَصْبَحْتُ اُشْهِدُكَ وَكَفٰی بِكَ شَهِیدًا

وَاُشْهِدُ مَلٰئِكَتَكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ

سَمٰوَاتِكَ وَاَرْضِكَ وَاَنْبِیَائَكَ وَرُسُلَكَ

وَالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِیعَ خَلْقِكَ

فَاشْهَدْ لِی وَكَفٰی بِنَفْسِكَ بِكَ شَهِیدًا اِنِّی

اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ وَحْدَكَ لَا شَرِیكَ لَكَ

وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ عَبْدُكَ

وَرَسُولُكَ وَاَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ

اِلٰی قَرَارِ اَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلٰی بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌّ

ما عدا وجهك الكريم فانه اعز واكرم
واجل واعظم من ان يصف الواصفون
كنه جلاله او تهتدي القلوب الى كنه
عظمته يا من فاق مدح المادحين
فخر مدائحه وعدا وصف الواصفين
مآثر حمده وجل عن مقالة الناطقين
تعظيم شأنه صل على محمد وآل محمد وافعل
بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل
المغفرة وبعد ازان سبحان الله كلما سبح الله
شيء وكما يحب الله ان يسبح وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله والحمد
لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله
ان يحمد وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم

وجه

وجهه وعز جلاله ولا اله الا الله كما
هلل الله شيئ وكما يحب الله ان يهلل
وكما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه
وعز جلاله والله اكبر كما كبر الله شيئ
وكما يحب الله ان يكبر وكما هو اهله
وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
على كل نعمة انعم بها علي وعلى كل
احد من خلقه ممن كان او يكون الى
يوم القيمة اللهم اني اسئلك ان تصلي
على محمد وآل محمد واسئلك خير ما
ارجوا وخير ما لا ارجوا واعوذ بك من شر
ما احذر وما لا احذر واين دعا خواند واين را

درت م هر كوان بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللهِ
رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللهِ أَصْبَحْتُ
وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللهِ عَلَى قَلْبِي
وَنَفْسِي بِسْمِ اللهِ عَلَى دِينِي وَعَقْلِي بِسْمِ اللهِ
عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي
رَبِّي بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
اللهُ اللهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللهُ
أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَعَزُّ
وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ
ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ
غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي

ومن

نسخه

كل جبار عنيد ومن شر

ومن شر كل سلطان شديد ومن كل شيطان
مريد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة
انت آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم
وانت على كل شيء حفيظ ان وليي الله الذي
نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين فان
تولوا فقل حسبي الله الذي لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطاهرين

وليي

بصبح

وبرای دعا که مخصوص است بسم الله وصلى الله على
محمد وآله وافوض امري الى الله ان الله
بصير بالعباد فوقه الله سيئات ما مكروا

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم
يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله العلي ما شاء الله لا ما شاء الناس
ما شاء الله وان كره الناس حسبي الرب
من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي الله
الذي لم يزل حسبي حسبي من كان
مذ كنت لم يزل حسبي الله لا اله الا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
بس بكوید اللهم اصبح ظلمي مستجيرا بعفوك

حسبي

وصحبه

وَ اَصْبَحَتْ ذُنُوبِی مُسْتَجِیرَةً بِمَغْفِرَتِكَ
وَ اَصْبَحَ خَوْفِی مُسْتَجِیراً بِاَمَانِكَ وَ اَصْبَحَ
فَقْرِی مُسْتَجِیراً بِغِنَاكَ وَ اَصْبَحَ ذُلِّی مُسْتَجِیراً
بِعِزِّكَ وَ اَصْبَحَ ضَعْفِی مُسْتَجِیراً بِقُوَّتِكَ
وَ اَصْبَحَ وَجْهِیَ الْفَانِی مُسْتَجِیراً بِوَجْهِكَ
الْبَاقِی یَا كَائِناً قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ وَ یَا كَائِناً
بَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ وَ یَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَیْءٍ صَلِّ
عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ اَمْرِی
فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ
وَ مِنْ حَیْثُ لَا اَحْتَسِبُ
... را بگیرد و مستجاب بجانب آسمان
... بهفت بار بگو یا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَی
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ

برهنت بارنكو يا رب محمد و آل محمد صل
على محمد و آل محمد و اعتق رقبتي الّا
برسكو يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا
قيوم برحمتك استغيث اللهم انت ثقتي
في كل كربة وانت رجائي في كل شدة
وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة فا
غفر لي ذنوبي كلها واكشف همي [illegible]
غمي اللهم اغنني بحلالك عن حرامك
وبفضلك عمن سواك برسكو اصبحت اللهم
معتصما بذمامك المنيع الذي لا يحاول
ولا يطاول من شر كل غاشم وطارق من
سائر ما خلقت من خلقك الصامت ومن خلقت
والناطق في جنة من كل مخوف بلباس

36

سابقة ولأهل بيت نبيك محمد صلواتك

عليهم وعليهم محتجبا من كل قاصد لي باذية

بجدار حصين الإخلاص في الاعتراف بحقهم

والتمسك بحبلهم موقنا بان الحق لهم

ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا

واجانب من جانبوا فصل على محمد وآل محمد

واعذني اللهم بهم من شر ما اتقيه يا

ما اتقيته

عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات

والارض انا جعلنا من بين ايديهم سدا

ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

[illegible] واين مخصوص است بصبح الحمد لله الذي

اذهب الليل بقدرته وجاء بالنهار برحمته

خلقا جديدا ونحن في عافية بمنه وجوده

وگر. مرحبًا بالحافظین متوجہ ہو بجانب راست

ہوکر وحیاکما اللہ من کاتبین و متوجہ

بجانب چپ ہوکر اکتبا رحمکما اللہ بسم اللہ

اشہد ان لا الٰہ الا اللہ وحدہ لا شریک

لہ و اشہد ان محمدًا عبدہ و رسولہ و اشہد

ان الساعۃ اٰتیۃ لا ریب فیہا و ان اللہ

یبعث من فی القبور حتی ذلک [illegible] علیہ

اموت و علیہ ابعث ان شاء اللہ اقرا محمد

صلی اللہ علیہ و آلہ منی السلام پس ہو

اللہم صل علی محمد و آل محمد [illegible] فی النہار

اذا تجلی و صل علی محمد و آل محمد فی اللیل

اذا یغشی و صل علی محمد و آل محمد فی الآخرۃ

و الاولی و صل علی محمد و آل [illegible] فی الآخ

الجدیرا

الجديدان وصلّ على محمد وآل محمد ما جرى

ما اطّرد الخافقان وصلّ على محمد وآل محمد

الملوان وصلّ على محمد وآل محمد ما عسعس
ليلٌ وما ادلهمّ ظلامٌ وما تنفّس صبحٌ وما
اضاء فجرٌ اللهمّ اجعل محمداً خطيب وفد
المؤمنين اليك والمكسوّ حلل الامان
اذا وقف بين يديك والناطق اذا
خرست الالسن بالثناء عليك اللهمّ
اجلّ منزلته وارفع درجته واظهر
حجّته وتقبّل شفاعته وابعثه المقام
المحمود الذي وعدته واغفر له ما احدث
المحدثون من امّته بعده اللهمّ انّي اسألك
موجبات رحمتك وعزائم مغفرتك
والغنيمة من كلّ برٍّ والسلامة من كلّ اثمٍ

واسئلك الفوز بالجنة والنجاة من النار
اللهم صل على محمد وآل محمد وتجعل
في صلوتي ودعائي بركة تطهر بها قلبي
وتؤمن بها روعي وتكشف بها كربي وتغفر
بها ذنبي وتصلح بها امري وتفرج بها
همي وتسلي بها غمي وتشفي بها سقمي وتؤمن
بها خوفي وتجلو بها حزني وتقضي بها
ديني وتجمع بها شملي وتبيض بها وجهي
واجعل ما عندك خيرا لي وبعد اذان بكو اللهم اني
ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة
لا تنال الا بك ولحاجة لا يقضيها الا
انت يا كريم اللهم كما كان من شانك
ما اردتني به من ذكرك والهمتنيه من

وتغني بها فقري وتذهب بها ضري صح

شكرك

شكرك ودعائك فليكن من شأنك الا حابة
ي ... موتك والنجاة مما فزعت
اليك منه فان لم اكن اهلا ان ابلغ
رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني
وتسعني لانها وسعت كل شيء وانا شيء
فلتسعني رحمتك يا مولاي واين دعا را الجوان
بكسر ... بيلي آواز راجا كن كه كويا
... يكني الهي ان ذنوبي وكثرتها
قد غبرت وجهي عندك وحجبتني
من ا... ال رحمتك وباعدتني عن
استيجاز مغفرتك ولولا تعلقي بآلائك
وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي من
المسرفين و ... با هي من الخاطئين بقولك

يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب
جميعا انه هو الغفور الرحيم وحذرت
القانطين من رحمتك فقلت ومن يقنط
من رحمة ربه الا الضالون ثم ند
بتنا برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني
استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبا
سيدخلون جهنم داخرين الهي لقد
ذل الاياس على مشتملا والقنوط من
رحمتك بي ملتحفا الهي قد وعدت
المحسن ظنه بك ثوابا واوعدت المسيء
بك ظنه عقابا اللهم وقد امسك رمقي
حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار

ولم

وتعهد ... لی و ... عترتی قلت وقو...ك
...حق الذی لا خلف فیه ولا تبدیل یوم تدعوا
كل اناس بامامهم اللهم انی اقر واشهد
واعترف ولا اجحد واسر واظهر واعلن علی
وابطن بانك انت الله الذی لا اله الا انت
وحدك لا شریك لك وان محمدا عبدك
ورسولك وان علیا امیر المؤمنین وسید
الوصیین ووارث علم النبیین وقاتل
المشركین وامام المتقین ومجاهد الناكثین
والقاسطین والمارقین امامی ومحجتی
وصراطی ودلیلی وحجتی ومن لا اثق
بالاعمال وان زكت ولا اریها منجیة
وان ... الا بولایته والایتمام به

وَالْاِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا

وَالتَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا اَللّٰهُمَّ وَاُقِرُّ بِاَوْصِيَائِهِ

مِنْ اَبْنَائِهِ اَئِمَّةً وَحُجَجًا وَاَدِلَّةً وَسُرُجًا

وَاَعْلَامًا وَمَنَارًا وَسَادَةً اَبْرَارًا وَاَدِينُ

بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ

وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ

لَا شَكَّ فِي ذٰلِكَ وَلَا ارْتِيَابَ عِنْدَ تَحَوُّلِي

عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ اَللّٰهُمَّ فَادْعُنِي يَوْمَ

حَشْرِي وَحِينَ نَشْرِي بِاِمَامَتِهِمْ وَاحْشُرْنِي

فِي زُمْرَتِهِمْ وَاكْتُبْنِي فِي اَصْحَابِهِمْ وَاَنْقِذْنِي

بِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ فَاِنَّكَ

اِنْ اَعْفَيْتَنِي مِنْهَا كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ

اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ فِي يَوْمِي هٰذَا لَا ثِقَةَ

لي وَلا مَفزَعَ وَلا مَلجَأَ غَيرَ مَن تَوَسَّلتُ
بِهِم إِلَيكَ مِن آلِ رَسولِكَ عَلِيٍّ وَفاطِمَةَ
وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعفَرٍ
وَموسىٰ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ
صَلَواتُكَ عَلَيهِم أَجمَعينَ اَللّٰهُمَّ فَاجعَلهُم
حِصنى مِنَ المَكارِهِ وَمَعقِلي مِنَ المَخا وِفِ
وَنَجِّني بِهِم مِن كُلِّ طاغٍ وَفاسِقٍ باغٍ عَدُوٍّ
وَمِن شَرِّ ما أَعرِفُ وَما أُنكِرُ وَما
استَتَرَ عَلَيَّ وَما أُبصِرُ وَمِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ
رَبّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبّي عَلىٰ
صِراطٍ مُستَقيمٍ اَللّٰهُمَّ بِوَسيلَتي إِلَيكَ
بِهِم وَتَقَرُّبي بِمَحَبَّتِهِم افتَح عَلَيَّ أَبوابَ
رَحمَتِكَ وَمَغفِرَتِكَ وَحَبِّبني إِلىٰ خَلقِكَ

ومقتني عداوتهم وبغضهم إنك على
كل شيء قدير اللهم ولكل متوسل
ثواب ولكل ذي شفاعة حق فأسألك
بمن جعلتهم إليك سببي وقدمتهم أمام
طلبتي أن تعرفني بركة يومي هذا
وشهري هذا وعامي هذا اللهم فهم
معولي لي شدتي ورخائي وعافيتي
وبلائي ونومي ويقظتي وظعني وإقامتي
وعسري ويسري وصباحي ومسائي ومنقلبي
ومثواي فلا تخلني بهم من [illegible]ك اللهم
ولا تخيب بهم [illegible] أملي ولا تقطع رجائي من رحمتك ولا تمتحني
بإغلاق أبواب الأرزاق وانسداد
مسالكها وارتتاج مذاهبها وافتح لي

من

41

من لدنك فتحاً يسيراً واجعل لي من كل
ضنك مخرجاً والى كل سعة منهجاً
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم واجعل
الليل والنهار مختلفين علي برحمتك
ومعافاتك ومنك وفضلك ولا تفقرني
الى احد من خلقك برحمتك يا ارحم
الراحمين انك على كل شيء قدير وبكل
شيء محيط اللهم اني اسئلك يا مدرك
الهاربين ويا ملجأ الخائفين ويا صريخ
المستصرخين ويا غياث المستغيثين
ويا منتهى غاية السائلين ويا مجيب
دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين
يا الله يا ربنا يا عزيز يا حكيم يا غفور

يا غفور يا رحيم يا طاهر يا عليم يا
يا سميع يا بصير يا لطيف يا خبير يا قهار
يا جبار يا رحمن يا منان يا سبوح
يا قدوس يا مبدئ يا معيد يا
باعث يا وارث يا فارج الهم يا كاشف
الغم يا منزل الحق يا قائل الصدق
يا ذا البلاء الجميل والطول العظيم يا معروفا
بالاحسان ويا موصوفا بالامتنان يا من
قصرت عن وصفه ألسن الواصفين
وانقطعت عنه أفكار المتفكرين يا
شاهد النجوى يا كاشف الغم ودافع السوء
يا نعم النصير والمولى يا منعم يا مفضل
يا محسن يا مجمل يا من لا شئ مثله صنعه

عن

عَنْ كَبِيرٍ وَلَا [illegible] عَنْ خَطِيرٍ يَا [illegible] ابْتَدَأَ
بِالنِّعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَبِالْفَضِيلَةِ
قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا يَا أَحَقَّ مَنْ عُبِدَ وَحُمِدَ
وَرُجِيَ وَاعْتُمِدَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ
مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَكُلِّ
ثَنَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيتَ بِهِ مِدْحَةً
لَكَ [illegible] بِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ قَرَّبْتَ مَنْزِلَتَهُ
عِنْدَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ
وَبِحَقِّ كُلِّ شَيْءٍ جَعَلْتَهُ مُصَدِّقًا لِرُسُلِكَ
وَكُلِّ كِتَابٍ فَصَّلْتَهُ وَأَحْكَمْتَهُ وَشَرَّ
عْتَهُ وَكُلِّ دُعَاءٍ سَمِعْتَهُ فَأَجَبْتَهُ وَ
عَمَلٍ رَفَعْتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظَّمْتَ
حَقَّهُ وَأَجْلَلْتَ قَدْرَهُ وَعَرَّفْتَنَا أَمْرَهُ

ومن لم تعرفنا مقامه لم تظهر لنا شأنه
ممن خلقته من اول ما ابتدأت به
من خلقك وممن تخلقه الى انقضاء الدهر
و اسئلك بتوحيدك الذي فطرت عليه
العقول واخذت به المواثيق وارسلت
به الرسل وجعلته اول فروضك و
نهاية طاعتك واتوجه اليك بجودك
ومجدك وكرمك وعزك وجلالك
وعفوك وامتنانك وتطولك وا
سئلك يا الله يا الله يا الله يا رباه
يا رباه يا رباه وارغب اليك خاشعا
وعالما اولا واخرا بحبيبك ورسولك
محمد سيد المرسلين واشرف الاولين

والاخرين

والاخرين وبالرسالة التي اداها والعبادة
التي اجتهد فيها والمحنة التي صبر
عليها والمغفرة التي دعا اليها والديانة
التي حض عليها منذ وقت رسالتك
اياه الى ان توفيته وبما بين ذلك
من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة
ومقاماته المشهودة وساعاته المعدودة
ان تصلي عليه كما وعدته من نفسك
وتعطيه افضل ما امّ من ثوابك وتز لف
لديك منزلته وتعلي عندك درجته
وتبعثه المقام المحمود وتورده حوض
الكرم والجود وعلى اله الطيبين الا
طهار المنتجبين الابرار وعلى جبرئيل و

وميكائيل والملائكة المقربين وجميع
الأنبياء والمرسلين والشهداء والصا
لحين اللهم إني أشهدك أني أصبحت لا
أملك لنفسي ضرا ولا نفعا ولا موتا
ولا حيوة فقد انقطعت وسائلي وذهبت
مسائلي وذل ناصري وأسلمني أهلي وولدي
اللهم وقد أكدى الطلب وأعيت الحيل
إلا عندك وانقطعت الطرق وضاقت
المذاهب إلا إليك ودرست الآمال وانقطع
الرجاء إلا منك وكذب الظن وأخلفت
العدات إلا عدتك اللهم إن مناهل
الرجاء لفضلك مترعة وأبواب الدعاء
لمن دعاك مفتحة والاستعانة لمن

استغاثة بك مباحة والاستغاثة لمن
استغاث بك موجودة وانت لداعيك
بموضع الاجابة وللصارخ اليك ولي
الاغاثة وللقاصد اليك قريب المسافة
وانت لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم
الاعمال السيئة وقد علمت ان افضل
زاد الراحل اليك عزم ارادة واخلاص
نية وقد دعوتك بعزم ارادتي واخلاص
طويتي وصادق نيتي فها انا ذا مسكينك
بائسك اسيرك فقيرك سائلك منيخ
بفنائك قارع باب رجائك وانت اولى
بنصر الواثق بك واحق برعاية المنقطع
اليك سري لك مكشوف وانا اليك ملهوف

اذا اوحشتني الغربة انسني ذكرك واذا
صبّت علىّ الامور استجرت بك واذا
تلاحكت على الشدائد املتك واني
يذهب بي يا رب عنك وازمة الامور
كلها صادرة عن قضائك متبعة بيدك
بالخضوع لقدرتك فقيرة الى عفوك
ذات فاقة الى رحمتك وقد مسني الفقر
ونالني الضر وشملتني الخصاصة وعرتني
الحاجة وتوسمت بالذلة وعلتني المسكنة
وحقت على الكلمة واحاطت بي
الخطيئة وهذا الوقت الذي وعدت
اولياءك فيه الاجابة فامسح ما بي
بيمينك الشافية وانظر الي بعينك

الرحم

الراحمة وادخلني في رحمتك الواسعة
واقبل علي بوجهك ذي الجلال والاكرام
انك اذا اقبلت على اسير فككته
وعلى ضال هديته وعلى حائر اويته
وعلى ضعيف قويته وعلى خائف امنته
اللهم انك انعمت علي فلم اشكر وابتليتني
فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك
منع المؤمل من فضلك واوجب عجزي
عن الصبر على بلائك ضرك وانزال وكشف
رحمتك فيا من قل عند بلائه صبري
فعافاني وعند نعمائه شكري فاعطاني
اسئلك المزيد من فضلك والايزاع
لشكرك والاعتداد بنعمائك في اعقاب

العافية واسبغ النعمة انك على كل شيء
قدير اللهم لا تخلني من يدك ولا تتر
كني لقا لعدوك ولا لعدوي ولا توحشني
من لطائفك الخفية وكفاياتك الجميلة
هذا مقام العائذ بك اللائذ بعفوك
المستجير بعز جلالك قد رأى اعلام
قدرتك فأره آثار رحمتك اللهم
نولني ولاية تغنيني بها عن سواها و
اعطني عطية لا احتاج الى غيرك بها
فانها ليست ببدع من ولايتك ولا
بنكر من عطيتك ادفع الصرعة وا
نعش السقطة وتجاوز عن الزلة
واقبل التوبة وارحم الهفوة وانج من

الورطة واقل العثرة يا منتهى الرغبة
وغايات الكربة وولي النعمة وصاحب
الكربة ورحمن الدنيا والآخرة
خذ بيدي من دحض المزلة فقد كبوت
وثبتني على الصراط المستقيم والاعوث
يا هادي الطريق يا فارج المضيق يا جاري
اللصيق يا ركني الوثيق احلل عني المضيق
واكفني شر ما اطيق وما لا اطيق يا اهل
التقوى واهل المغفرة والعزة والقدرة
والآلاء والعظمة يا ارحم الراحمين واكرم
الناظرين ورب العالمين لا تقطع منك
رجائي ولا تخيب دعائي ولا تجهد بلائي
ولا تسئ قضائي ولا تجعل النار ماواي

وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَثْوَایَ وَاعْطِنِی مِنَ الدُّنْیا
مُنَایَ وَبَلِّغْنِی مِنَ الْآخِرَةِ اَمَلِی وَرَجَایَ
وَاٰتِنِی فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ
وَقِنِی عَذَابَ النَّارِ اِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
مُحِیطٌ دعاء صباح حضرت امام زین العابدین علیه
السلام که در صحیفهٔ کامله مذکور است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
خَلَقَ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَمَیَّزَ بَیْنَهُمَا
بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا
مَحْدُودًا وَاَمَدًا مَوْقُوتًا یُولِجُ کُلَّ وَاحِدٍ
مِنْهُمَا فِی صَاحِبِهِ وَیُولِجُ صَاحِبَهُ فِیهِ
بِتَقْدِیرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِیمَا یَغْذُوهُمْ بِهِ
وَیُنْشِئُهُمْ عَلَیْهِ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا
فِیهِ مِنْ حَرَکَاتِ التَّعَبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ

وجعل

در رجای
وبکل شیء
بعد از آن
ممدودا

وَجَعَلَهُ لَهُمْ لِبَاسًا لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ
فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَقُوَّةً وَلِيَنَالُوا
بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ
مُبْصِرًا لِيَبْتَغُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَ
وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَيَسْرَحُوا فِي
أَرْضِهِ طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ
دُنْيَاهُمْ وَدَرَكُ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ بِكُلِّ
ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَبْلُو أَخْبَارَهُمْ
وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَ
مَنَازِلِ فُرُوضِهِ وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ أَسَاؤُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ
أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ وَمَتَّعْتَنَا بِهِ

من ضوء النهار وبصرتنا به من مطالب الأقوات
ووقيتنا فيه من طوارق الآفات أصبحنا
وأصبحت الأشياء كلها بجملتها لك سماؤها
وأرضها وما بثثت في كل واحد منهما
ساكنه ومتحركه وشاخصه ومقيمه
وما علا في الهواء وما كن تحت الثرى
أصبحنا في قبضتك يحوينا ملكك وسلطانك
ونتصرف عن أمرك ونتقلب في تدبيرك
ليس لنا من الأمر إلا ما قضيت ولا
من الخير إلا ما أعطيت اللهم وهذا
يوم حادث جديد وهو علينا شاهد
عتيد إن أحسنا ودعنا بحمد وإن
أسأنا فارقنا بذم اللهم صل على محمد وآله

فيه تاحسن مصاحبته واعصمنا

من سوء مفارقته بارتكاب جريرة او اقتراف

صغيرة او كبيرة واجزل لنا فيه من الحسنات

واخلنا فيه من السيئات وسلّه لنا ما

بين طرفيه حمداً وشكراً واجراً وذخراً

وفضلاً واحساناً اللهم يسّر على الكرام

الكاتبين مؤونتنا واملأ لنا من حسناتنا

صحائفنا ولا تخزنا عندهم بسوء اعمالنا

اللهم اجعل لنا في كل ساعة من ساعاته

حظاً من عبادتك ونصيباً من شكرك

وشاهد صدق من ملائكتك اللهم صل

على محمد وآل محمد واحفظنا فيه

من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا

وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا حـ الاقوا
من معصيتك هاديا الى طاعتك مستـ
لمحبتك اللهم صل على محمد وال
و وفقنا في يومنا هذا وليلتنا هذه
وفي جميع ايامنا لاستعمال الخير وهجران الشر
وشكر النعم واتباع السنن ومجانبة
البدع والامر بالمعروف والنهي عن
المنكر وحياطة الاسلام وانتقاص
الباطل واذلاله ونصرة الحق واعزازه
وارشاد الضال ومعاونة الضعيف و
ادراك اللهيف اللهم صل على محمد وآله
واجعله ايمن يوم عهدناه وافضل
صاحب صحبناه وخير وقت ظللنا

فيه

41

فيه و اجعلنا من ارضى من مرّ عليه
الليل و النهار من جملة خلقك اشكرهم
لما اوليت من نعمك و اقومهم بما شرعت
من شرائعك و اوقفهم عمّا حذّرت
من نهيك اللهم اني اشهدك و كفى
بك شهيدا و اشهد سمائك و ارضك
و من اسكنتهما من ملئكتك و سائر
خلقك في يومي هذا و ساعتي هذه و
ليلتي هذه و مستقري هذا اني اشهد
انك انت الله الذي لا اله الا انت قائم
بالقسط عدل في الحكم رؤفا بالعباد
مالك الملك رحيم بالخلق و ان محمدا
عبدك و رسولك و خيرتك من خلقك .

حَمَلتَهُ رِسَالَتَكَ فَاَدّاهَا وَاَمَرتَهُ بِالنُّصحِ

لِاُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

مُحَمَّدٍ اَكثَرَ مَا صَلَّيتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِن

خَلقِكَ وَآتِهِ اَفضَلَ مَا آتَيتَ اَحَدًا

مِن عِبَادِكَ وَاجزِهِ عَنَّا اَفضَلَ وَاَكرَمَ

مَا جَزَيتَ اَحَدًا مِن اَنبِيَائِكَ عَن اُمَّتِهِ

اِنَّكَ اَنتَ المَنَّانُ بِالجَسِيمِ الغَافِرُ لِلعَظِيمِ

وَاَنتَ اَرحَمُ مِن كُلِّ رَحِيمٍ فَصَلَّى اللّٰهُ

عَلیٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

الاَنجَبِينَ دعاها و ذکرها که وارد است از

اصحاب عصمت سلام الله علیهم در تعقیب نمازها بسیار است

خصوصا تعقیب نماز صبح و درینجا بنهایت اختصار شد

با نیها بدانکه انچه مذکور است اینجا از تعقیبها ما ذکر

از روایات بسیار و جمیع اینها در یک روایت نیست

پس اگر کسی را کاری باشد بعضی را ترک کند و کاره

بنفس را ماند. که شود و دل را توجهی باشد قطع کند

زیرا که توجه و اقبال دل عبادت و دعاست و از سنت

نشستن در جای نماز بعد از نماز صبح تا بر آمدن

آفتاب اگر چه مشغول بتعقیب باشد روایت شده که

حضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرمود. که کسی بنشیند

در جای نماز خود تا طلوع آفتاب آن نشستن ساتر

باشد برای او از آتش و سنت است بعد از تعقیب خواندن

سوره یس زیرا که خواننده آن در صباح دایم محفوظ است

و مرزوق است تا شام زیرا که کند و آن را سوره

دافعه می نامند زیرا که دفع می کنند از خواننده خود

هر شری را و قاضیه میگویند زیرا که بر می آورد خواننده خود

هر شرحی که هر حاجتی را   اَهدِنی مِنْ عِندِکَ حکمت

که مراد بهدایت رسانیدن بمطلوب باشد که فائز

شدن به بهشت است یا دلالت کردن بچیزی که

برساند بمطلوب یعنی ظاهر کردن آثار علایق جسمانی

و برداشتن پردهای عوائق هیولانی و تعقل اسرار

جلالی و مطالعه انوار جمالی وَقَدِّرْ بِکَ الَّتِی لا تَمنع

مِنْهَا شَیْئاً اشاره است بآنکه ممتنع را شیئی نیگوید

وَلا تُزِغْ قَلْبِی مشتق است از زیغ که میل است از

راه حق یعنی از من بر طرف مساز توفیق باقی

بودن بر هدایت را انجاره نصب فا و بمد واقع

شدن حیزلیت بیکبار یعنی خبر نعمة نتیجه نون

بر وزن کلمه و نکر بون بر وزن نعمه بمعنی عقاب است

و مِنْ ذکر التقاء درک نتیجه یکجا اطلاق میشود بر

مکان

بر مکان و طبقات آتش درکات است و طبقات بهشت
درجات و گاهی اطلاق میکنند بر نهایت هستی و مَن
یعنینی اَمَرَهُ ببین بی نقطه و یا دو نقطه تحتانی
میان دو نون بمعنی اهتمام است بچیزی بالله الاحد
الصمد چنانکه از لفظ الله مراد ذاتیست که مستجمع
باشد جمیع صفات کمال را که صفات ثبوتیه است جلال را صح
همچنان مراد بلفظ احد ذاتیست مستجمع جمیع صفات
جلال که صفات سلبی است زیراکه واحد حقیقی آنست
که منزه باشد ذاتش از ترکیب ذهنی و خارجی و از
تعدد و آنچه لازم داشته باشد یکی از اینها را مثل
جسمیت و متحیز بودن و شریک داشتن خواه
در حقیقت ذات باشد و خواه در لوازم ذات
مثل وجوب وجود ذات و قدرت ذاتی و حکمت تامه

وصمد کسی است که مرجع و مقصد باشد در حوائج و کنو
بمعنی مشتمل است اول سوره اخلاص و آن دال است بر
احدیت الهی و آخرش بر واحدیت رب الفلق
فلق بمعنی شکافته شدن است و آنچه از چیزی بشکافد
بر آرند و این عام است جمیع ممکنات را زیرا که
حضرت عز شانه شکافت از ظلمت عدم همه را بنور
ایجاد غاسق شب بسیار تاریک را گویند و وقب
یعنی فرو رفته و داخل شده تاریکی آن در هر چیزی
و النفاثات فی العقد نفوسند یا زنان ساحره
که گره میکنند ریسمانها را و بر آن نفس میدمند
مذهب اثنا عشریه آن است که سحر در حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله کار نکرده و امر آنحضرت درین سوره باستعاذه
از سحر زنان ساحره دلالت نمیکند بر تاثیر سحر در آن

حضرت

در آنحضرت صلى الله عليه و آله بلكه از مقوله ربنا لا تؤاخذنا
ان نسينا او اخطانا و اما آنچه مخالفین نقل کرده اند
که سحر در آنحضرت اثر کرده چنانکه روایت کرده بخاری
و مسلم که حضرت پیغمبر صلى الله عليه و آله سحر کردند حتی آنکه آن
حضرت را خیال شده که کاری نکرده و را کرده پس این
از دروغهاست پس اگر این نقل راست باشد لازم آید
که سخن کفار ان تتبعون الا رجلا مسحورا راست باشد
و عذری که مخالفین خواسته اند که مراد از این آیه
سحریست که باعث جنون باشد عذریست واهی
و بی معنی زیرا که اثری که ایشان نقل کرده اند کم از جنون
نیست خناس آن است که چون ذکر خدا کند پس رود
ز کرد و تفسیر فاتحه در خاتمه مذکور میشود لا تاخذه
سنة و لا نوم سنه حالتی است و فتوری و سستی

که پیش از خواب دست میدهد و تنوین نوم در اینجا انکر
قیاس در نفی ترقی از ادنی باعلا باشد لیکن اینجا بعکس است بجهة تقدم
اوست بر خواب بالطبع یا آنکه مراد نفی حالتی است که
مرکب از هر دو است چنانکه حیوان ولا یؤده حفظهما
یعنی گران نیست او را نگاه داشتن آسمانها و زمین سنگینی و تعبی
و طاغوت شیطان است یا هرچه غیر از خدا عبادت
کنند یا چیزی که منع کند از عبادت خدای تعالی لا انفصام
لها یعنی شکستن نیست او را ثم استوی یعنی متوجه
و متوجه خلق عرش شد یغشی یعنی می پوشاند الله
یطلبه حثیثا مشتق است از حث یعنی در عقب آن
دیگر است بسرعت گویا که یکی از شب و روز طلب
میکند آن دیگر را بسرعت والشمس والنجوم بنصب
عطف است بر السموات و مسخرات بنصب حال است از اینها

ورفع الشمس والنجوم مبتدا است و مسخرات خبر تضرعاً
وخفیةً یعنی در حالی که زاری مخفی کنید زیرا که دعای پنهان
افضل است انه لا یحب المعتدین یعنی دوست نمیدارد خدای تعالی
کسی را که تجاوز کنند کار را از حد و تغیر کرده اند طلب کنندگان چیزی
که لایق آن نیستند مثل رتبه انبیا و تغیر کرده اند
به بلند یاد کردن در دعا وادعوه خوفاً وطمعاً یعنی دعا کنید در
حالتی که ترسناک باشند از خدا بجهت قصور اعمال و طمع
اجابت داشته بجهت بسیاری رحمت و وفور کرم الهی
مداداً لکلمات ربی سیاهی بهتر برای نوشتن کلمات
علم و حکمت خدای تعالی لنفد البحر یعنی هر آینه تمام شود و هیچ
از او باقی نماند ولو جئنا بمثله مدداً یعنی اگرچه بیاریم مثل
آن دریا در زیادتی و معونتی و من کان یرجوا لقاء ربه
یعنی کسی که امید و خواهست نیک راجع شد بر او که ادراک

قیامت والصافات بعضی تفسیر کرده اند بملایکه که صف میزنند
ومقام عبودیت هر یکی در مرتبهٔ خود و زاجرات را
بفرشتها که زجر میکنند آسمانها و زمینها را بانچه اراده
الهی است از انها و تالیات را بفرشتها که آیات خدا را
را میخوانند بر پیغمبران و بعضی تفسیر کرده اند بعلما که صف
میزنند در عبادت و منع میکنند از کفر و فسق بر اهل
ولصالح ومیخوانند آیات و شرایع الهی و بعضی تفسیر کرده
بنفوس جهاد کنندگان که صف میزنند در محل جنگ و زجر
میکنند اسبها را یا دشمنان را و میخوانند ذکر الهی را
وجنگ ایشان را مشغول نمیسازد از ذکر و رب المشارق
یعنی پروردگار مشرقهای آفتاب است یا مشرقهای کواکب
اِنا زَیَّنا السَّماءَ الدُّنیا یعنی ما زینت داده ایم آسمان را
که نزدیک است و پایین ترست بزینة الکواکب اضافه

زینة

زینت بکواکب بیانیست و بقراءتی که زینةٍ بتنوین میخوانند
کواکب بدلست از زینت و آنچه مشهورست که جمیع ستارهای
ثوابت مرکوز است در فلک هشتم و هر یکی از ستارهای
سبع سیاره را فلکی است دلیل بر این قایم نیست و آنکه در
فلک قمر ستاره چند نباشند واقع در غیر قمر سیارات
و ممتر ثوابتی که رصد کرده اند دلیل بر امتناع آن نیست
و اگر ثابت شود قدحی نمیکند در تزیین فلک قمر باین اجرام
نورانی زیرا که اینها همه در فلک قمر دیده میشوند اگر چه
در بالاتر باشند وَحِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَارِدٍ
حفظا منصوبست که مفعول له باشد و دلالت میکند
بر علت کلام سابق یعنی ما گردانیدیم ستارها را زینت و حفظ
و مارد بیرون رونده است از طاعت لَا یَسَّمَّعُونَ إِلَى
الْمَلَإِ الْأَعْلَى جمله ایست مستانفه بجهة بیان حال ایشان

بعد از حفظ و زصفت شیاطین که مفهوم میشود از من
کل شیطان زیراکه حفظ نمی باشد از کسی که نمیشنود ملا
اعلی فرشتهایند که ساکن اند در بالا ها چنانکه ملاء
اسفل انس وجن اند که ساکن اند در زمین و مستعدی
یسمعون بالی بنابر قرات کثیف و تشدید بجبت
نضمن معنی اصغا است برای مبالغه در نفی آن و
ویقذفون من کل جانب دحورا یعنی انداخته میشود در
از هر جانب از اطراف آسمانها ایشان که قصد کنند
برای گوش کردن و دحورا مفعول له است یعنی انداخته
میشود برای ایشان یا مفعول مطلق است زیراکه معنی دحورا
نزدیک است بمعنی قذف ولهم عذاب واصب یعنی
ایشان را عذاب سخت است دراخرت الا من خطف
الخطفة استثنا است از فاعل یسمعون یعنی مگر کسی از شیاطین

گر از کلام ملائکه چیزی بطریق دزدی بشنود فاتبعه شهاب
ثاقب یعنی در عقب او میرود شهابی سوراخ کننده گویا
می‌شکافد هوا را بر درخشیدن و شهاب آن است که عوام گویند
ستاره ریخت و آنچه طبیعیون خیال کرده‌اند که بخاریست
با او دهنیتی و چربی است از زمین بالا میرود و چون بکره آتش رسد
آنجا آتش در او میگیرد پس این ثابت شد و اگر صحیح باشد
منافاتی ندارد با آنچه آیه کریمه بر آن دلالت میکند و آیه
انا زینا السماء الدنیا بمصابیح وجعلناها رجوما للشیاطین
زیرا که شهاب و مصباح را اطلاق میکنند بر چیزی که شعله
دار باشد و هرچه در بالا شعله کشد زینت آسمان است
و دور نیست که در آن وقت خدای تعالی آن بخار دهنی را
بالا فرستد برای سوختن شیاطین پس آتش در او گیرد
و بسوزاند و خلق شیاطین از آتش محض نیست چنانکه

خلق آدم از خاک محض نیست پس سوختن شیاطین

بآتشی که قوی تر است از آتش او ممکن است و شاید که شیاطین

کلام ملائکه را نشنوند مگر وقتی که نزدیک کرهٔ آتش رسند

پس چون شیطان آنجا گوش کند و خواهد که پایین آید

شهاب باو رسد و او را بسوزاند لهذا خدای تعالی

تعبیر کرده از رسیدن شهاب باو بتابع شدن که

بعضی از بیرون رفتن است إن استطعتم ان تنفذوا

یعنی اگر خواهید و استطاعت باشد شما را که بیرون روید

از اطراف آسمانها و زمین و بگریزید از خدا پس بیرون

روید از آنها لا تنفذون إلا بسلطان جدیث

علیحده است یعنی قدرت ندارید بر بیرون رفتن

از آنها مگر بقوتی تام و آن قدرت از جهت شما را

و سلطان مصدر است مثل غفران بمعنی مسلط بودن

چنانکه در آیت وَمَن قُتِلَ مَظلُوماً فَقَد جَعَلنَا لِوَلِیِّهِ
سُلطَاناً یعنی کسی که کشته شود بظلم پس بتحقیق که ما
گردانیده ایم برای ولی او سلطنتی بر قصاص یا گرفتن
دیت شواظ یعنی زبانهٔ آتش و نحاس بر نحو عطف است
بر شواظ و بجر عطف است بر نار یعنی دخان یا مس
گداخته که ریخته شود بر سرهای ایشان فَلَا تَنتَصِرَانِ
یعنی منع کرده نشوند از آن خاشعا منصوب عا یعنی شق شوند
و غرض سرزنش خوانند است بر خشوع نکردن نزد
ذات قرآن بواسطهٔ قساوت قلب و کم فکر کردن در معانی
آن عَالِمُ الغَیبِ وَالشَّهَادَةِ یعنی عالم است بآنچه از حس
غایب باشد و آنچه حاضر باشد یا عالم است بسر و علانیه
یعنی نهان و آشکار القُدُّوس یعنی در نهایت و غایت
پاکیزگی است از چیزی که موجب باشد السلام مصدر است.

نقص

و وصف بآن برای مبالغه است و مراد سالم از
جمیع نقصها و بهشت را دار السلم میگویند بجهت آنکه
سکان آن سالم اند از هر آفتی یا بجهت آنکه خانهٔ خداست
یعنی سالم المؤمن بخشندهٔ امن و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم مروی است که خدای تعالی را مؤمن نام است برای
آنکه ایمن می کند از عذابش کسی را که اطاعت او کند
المهیمن یعنی مطلع و نگاه دارندهٔ هر چیز العزیز
یعنی هیچ چیز عدیل و مثل او نیست یا غالبی که هرگز
مغلوب نگردد و عزنی فی الخطاب یعنی غلبه کرد بر من
در خطاب کلام الجبار آنکسی که جبر و قهر میکند خلایق را
بر بعضی چیزها که ایشان را در آن اختیار نیست و قدرت
بر تغییر آن ندارند یا آنکه جبر و اصلاح حال می کند
المتکبر یعنی صاحب کبریا است از نقص و احتیاج بری

الخالق البارئ المصور بعضی را ظن است که هر یک معنی
دارد زیرا که همه بمعنی ایجاد و انشا اند پس ذکر برای
تأکید است و اینچنین نیست بلکه هر یک را معنی است چنانکه
بناها می خواهند بطول و عرض و بلند داشتن سنگها و چوبها
بر نهجی خاص و زینت دادن و نقش و صورت کردن
پس این سه امر از خدای تعالی میشود در ایجاد مطابق از
کتم عدم پس خدای تعالی را باعتبار هر یک نامی است برین
ترتیب یسبح له ما فی السموات و ما فی الارض یعنی تسبیح
آنچه صح میکند برای خدای تعالی آنچه در آسمانها و زمین است و این
تسبیح یا زبان حال است زیرا که هر ذره از موجودات
ندا میکند بزبان حال بر وجود صانع حکیم واجب الذات
و یا زبان قال است و این در ذوی العقول ظاهر است
و اما حشویه اند پس فرقه عظیم از علما بر مذهب آن است

که هر طایفه از حیوانات تسبیح پرو[illegible] خود میکند
بلغت و آواز خود و برین حمل کرده اند قول خدای تعالی
را وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ
إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم یعنی هیچ جنبنده نیست در زمین
و نه پرنده که می پرد بپرهای خود که امتهایند مثل شما
و اما غیر حیوانات از جمادات پس جماعتی بسیار را مذهب آنست
که آنها را هم تسبیح زبانی هست و مؤید آورده اند وَإِن
مِن شَيْءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ یعنی هیچ چیز نیست مگر که تسبیح
خدا میکند و حال آنکه متلبس است بحمد خدا و گفته اند
اگر مراد تسبیح حالی باشد محتاج است قول خدای تعالی
وَلَكِن لاَّ تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ بتاویل و ذکر کرده اند که
در تسبیح سنگ ریزه در کف پیغمبر صلی الله علیه و آله از جهت
نفس تسبیح نیست بلکه شنوانیدن اصحاب است والا سنگ

58

ربنا همه در جمیع [illegible] اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنيا

آمِنًا یعنی انکه بیرون بری مرا از دنیا ایمن از گناهها

که میان من و تست بانکه توفیق توبه دهی پیش از مردن

و از آن گناهان که میان من و خلق تست تا بانکه توفیق دهی

که پیش از مرگ خود را از آنها خلاص [illegible] وَ تُدْخِلَنِي

الجَنَّةَ سالمًا و داخل سازی مرا بهشت در حالی

که مرا سلامت داشته باشی از عقاب تا بانکه از من

عفو کنی و مرا داخل بهشت سازی و این جمله تاکید

سابق است وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ مراد بحول قدرت است

یعنی قدرتی بر چیزی و قوتی نیست مگر بمدد کاری خدا تعالی

و در کتاب توحید ابن بابویه روایت کرده از حضرت

امام محمد باقر علیه السلم که اینجا بمعنی انتقال است یعنی گشتن از

معصیت و منتقل شدن نیست مگر بعون الهی و قوتی

بر طاعت نیست مارا توفیق [illegible] و [illegible] همی فرو [illegible]

فرق میان هم و غم آن است که هم چیزیست که قادر

باشد آدمی بر زایل کردن آن مثل افلاس و غم

آنکه قدرت بر زایل کردن آن نباشد چون مردن فرزند

و بعضی گفته که هم پیش از نزول مکروه است و غم بعد از

نزول [illegible] من شر کل غاشم یعنی تعدی کنند، و طارق

یعنی واقع شوند، در شب نشر الصامت بسیار اطلاق

میکنند بر جماد و ناطق بر حیوان اگرچه حیوان بی زبان

باشد در قول عرب فلان لا یملک صامتا ولا

ناطقا یعنی مالک هیچ چیز نیست و قول فقها از کوة

فی الناطق والصامت و جایز است که اینجا مراد بناطق

معنی [illegible] باشد بدیع السموات والارض از قبیل حسن

الکلام است یعنی آسمانها و زمین بدیع اند یعنی بی نظیر اند

وممکن است که دهر مبدع باشد یعنی موجد چیزی
بمثل سائق بالاح الحدید ان یعنی مادام که ظاهر شب
وروز و ما اطّرد الی فیقال یعنی مادام که مشرق و مغرب
باقیند و ما حدی الحادیان یعنی مادام که خوانند مردم را
شب و روز گویا که شب و روز مردم را می‌رانند تا قبور
مثل که شتران را می‌رانند ما غسق لیل براقبل
وادبر است یعنی مادام که شب سیاه در رود و ما ادلهم
ظلام یعنی مادام که شب سخت تاریک و ما تنفس صبح یعنی
مادام که صبح ظاهر شود و تعبیر کرده به نفس زدن بجهت
وزیدن نسیم نزد صبح پس گویا نفس زده خطیب وفد
المؤمنین خطیب قوم در لغت بزرگ ایشان است که
مخاطبه و مکالمه کند با سلطان در حوائج ایشان و وفد
ایلچی بمعنی گروه و جماعت است الکسو حلل الامان یعنی بپوشانید

شد حلقهای امان از آتش [illegible] ی الله میفرماید
وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى يعنی زود باشد که عطا کند
بتو پروردگار تو چندانکه تو راضی شوی و حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و اله راضی نمیشود بدخول یکی از امتش در دوزخ
[illegible] در حدیث وارد است وحُلَلُ الایامِ استعارت
وذکرت توشیح وعزائم مغفرتک یعنی آمرزشهای که
بر خود واجب کرده. فیما وَعَدتَ الناسکَ منه یعنی در
چیزی که انجا کرده بتو ازان وغبّرت وجهی غبار
الود کرده روی مرا و کلام استعاره است ولولا تعلق
جواب لولا لقد کان لا تقنطنا یعنی مایوس نشویم
ندبتنا یعنی مارا دعوت کرده تو داخرین یعنی
ذلیل و کوچک. اَسبَلَ دمعی حسن الظن بک
اسبال اشک جاری کردن است یعنی مرا بگریه آورده

حسن ظن من بعفو تو از گناهکاران اگر چه گناه
عظیم باشد و خطاهای بسیار اگر کسی گوید که حسن ظن
موجب خوشحالی است و ابتهاج نه باعث گریه گوییم مراد
گریه است که از غایت خوشحالی باشد و تَعَمُّدِ زَلَلی یعنی
بپوشانی بعفو و مغفرت لغزش مرا وَ اَقِلْ عَثَراتی را
یعنی مسامحه کنی و بگذری از گناهان من وَ مُجاهِدًا النّاکِثین
یعنی جهاد کنند با شکنندگان بیعت که لشکر جمل باشند
و سرداران ایشان که بیعت حضرت امیر سلام الله علیه را
شکستند وَ الْقاسِطین یعنی عدول کنندگان که معاویه
و لشکر او باشند که از حضرت امیر علیه السلام عدول کردند
و قسوط عدول است از حق وَ الْمارِقین مراد خوارج باشند
که از دین بیرون رفتند چنانکه تیر از کمان بیرون رود
چنانکه در حدیث است اما بی خبران است و [illegible]

همه صفت امیر المؤمنین و … سوست زهد است

پس صحیح است که اینها صفت موقوفه باشند مثل مالک یوم

الدین و القبول مِن حَمَلَتِها و التسلیم لِرُواتِها عطف

برای بیان است و توضیح و اَعلام جمع عَلَم است بفتح لام

که آن نشان راه باشد در صحرا و منارها بفتح میم جای

بلند که بر بالای آن آتش روشن کنند برای هدایت راه

لا مَنزَعَ و لا مَلجَأَ عطف تفسیریست و معقل بفتح میم و کسر

قاف بمعنی حصن و حصار است و اطلاق هست انه ربنا الم

طَلَبَتی بفتح طا و کسر لام یعنی پی حاجتم و مُعَوَّلی بصیغه

اسم مفعول یعنی معتمد و ظعنی بظاء نقطه دار و عین بی نقطه

ساکن و مفتوح یعنی سیر و سفر من و منقلبی یعنی محل ا…

یا سکون از تا به دو تاء نقطه بالا یعنی …

راههای آنها مِن کُلِّ جَنَک بضاد نقطه دار و …

ساکنه بمعنی بینائی ... بزرگی بمعنی بزرگی و عظمت تو
والدیانة التی حضضت علیها یعنی دیانتی که مبالغه در
ترغیب بآن کرده اتم بتشدید میم یعنی قصد
و تزلفه بروزن تکرم یعنی نزدیک سازی و قد
اکدی الطلب بدال المهمله یعنی دشوار و ممتنع
و منقطع شد طلب و اعیت الحیل یعنی عاجز و ماند مهمله
دو نقطه زبر یعنی و اماند مسیح بنول و آخرش خای
نقطه دار یعنی اقامت کرده بناتک بکسر فا فعنای
دور خانه و اذا تلاحکت یعنی بهم در رفت و ملتصق
شد و تاتی الضر بضم ضاد یعنی رسید بمن بد حالی
و نقیع نقیض نفع است و شملتنی الخصاصة بجای
نقطه دار و دو صاد بی نقطه یعنی فرو گرفته مرا احتیاج
و توسمت بالذلة یعنی موسوم و معروف شدم بذلت

وحققت علی الکلمة لعدد... دارسند بر من عذا

فانسح لسین و صاد هردو بیک معنی است انجا مالی

یعنی زایل ساز و ببر انچه از علتها بر من است و الا

بیاء دو نقطه زیر و زاء نقطه دار و عین بی نقطه

... سام است و لا تخلنی من یدک یعنی بی بالغه

و شده بر لام از تخلیه است یعنی خالی مدار مرا از نعمت

خود لیست ببدع بسکون دال من و لا ببدع ...

واو یعنی عطیه از تو که با آن احتیاج بغیر نباشد مرا

بدیع و غریب نیست از امداد و اعانت تو و لا ببدع

یعنی امری منکر و مستبعد مستمعو نیست و ارحم الهفوة

الهفوة بفتح ها و سکون فا یعنی رحم کن بر زلت

و لغزش و خطا من خذ بیدی من دحض بحای مهمله

و ضاد با نقطه المزلة یعنی خلاص کن مرا از لغزش

خطا نقد [illegible] بالای یکنقطه زیر یعنی افتادم
بر روی خود یولج کلّ و [illegible] منهما فی صاحبه یولج
صاحبه فیه یعنی داخل میسازد هریک از شب و روز
را در آن دیگر تا بنگر کم میکند از یکی و زیاد میکند
دیگر را مثل کم شدن روز زمستان و زیاد شدن
شبش و زیاده شدن روزهای تابستان و کم شدن
شبش اگر گویی که اینمعنی مفهوم میشد از یولج کلّ
واحد منهما فی صاحبه پس چه حاجت به یولج
صاحبه فیه بود گوییم غرض حضرت علیه السلام تنبیه است
بر امر غریبی که حصول زیاده و نقصان است باهم در
هریک از شب و روز در یک زمان و این بحسب اختلاف
بقاع است مثل بقعه شمالی جنوب استوا و بقعه جنوبی
خط استوا فوا[illegible] کی باشد و خواه باشد [illegible]

ونقصانش واقع اند دریک وقت اکنون در دو دقیقه
وهمچنین زیادتی نشیب ونقصانش واگر حضرت صلوات الله
علیه تصریح نمیکرد بیولج صاحبه فی تنبیه زایل
معنی نمی شستند بلکه ظاهر کلام آن می بود که زیاده ونقصان
واقع میشود در دو وقت چنانکه متعارف است
ونهجنا بنون وضاد با نقطه از نهوض است یعنی
دانفعال بدنی که موجب تعب است ودر بعضی روایات بظاء
با نقطه است بمعنی ثقل وسنگینی لیکون لهم حجابا
یعنی تا باشد برای ایشان راحت ویبلو ایمنی امتحان
کند وظاهر سازد فلقت لنا من الاصباح
معلوم شد وما بلغت به وتا رسانیده مشتق است از
بث بمعنی متفرق کردن مقیمه خصه مراد بث خصص اینجا
صنه مقیم است لیس لنا من الامر الا ما قضیت یعنی

نیست ما را از نفعها مگر آنچه توفضا کرده و فقره
بعه ازین منتشر این است که بستانها و عتید تبای دو نقطه
بالامعنی حاضر و مهیا یا رنگاربه و جریرة یعنی جنایت
و گناه و اقتراف یعنی کسب کردن و اجزل لنا
یعنی بسیار کن برای ما و اخلنا یعنی خالی کن گردان
ما را درین روز از بدیها و حیاطة بجا هم جقه
ویای دو نقطه و طای بی نقطه یعنی حرس حفظ
وا و قفهم ماخوذ است از قول عرب که وقف فیه
یعنی داخل نشد در آن و خیر نگ کی با نقطه و یا
دو نقطه زیر مفتوح و رای بی نقطه مفتوح یعنی اختیار کرده
شده و برگزیده شده و بسکون یا هم آمده فصل
انکه از حضرت سایه معصومین صلوات الله علیهم منقولست
که هر یک ساعتی از ساعتها دوازده گانه روز متعلق است

یکی از ایمه معصومین صلوات الله علیهم مخصوص است بدعای

خاص پس ساعتی از طلوع آفتاب بر

بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و این دعای آن

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ وَ

الشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَما وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ

خالِقَ الْاِنْسانِ مِنْ عَلَقٍ اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ

بِبَدِيعِ صُنْعَتِكَ وَخَلَقْتَ عِبادَكَ لِ

كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِ

فَضْلِكَ اِلىٰ سُبُلِ طاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ بِ

مَلَكُوتِكَ بِعَظِيمِ السُّلْطانِ وَتَوَدَّدْتَ

اِلىٰ خَلْقِكَ بِقَدِيمِ الْاِحْسانِ وَتَعَرَّفْتَ

اِلىٰ بَرِيّاتِكَ بِجَسِيمِ الْاِمْتِنانِ يا مَنْ يَسْئَلُهُ

مَنْ فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي

[illegible]ئلك اللهم بمحمد خاتم النبيين

الذي نزل الروح الامين على قلبه

ليكون من المنذرين بلسان عربي مبين

وبامير المؤمنين علي ابن ابي طالب ابن

عم الرسول وبعل البتول فرضت ولايته

على الخلق وكان يدور حيث دار الحق

ان تصلي على محمد وال محمد فقد جعلتهم

وسيلتي وقدمتهم امامي وبين يدي

حوايجي وان تغفر لي ذنبي وتطهر قلبي

وتستر عيبي وتفرج كربي وتبلغني

من طاعتك وعبادتك املي وتقضي

لي حوائجي الدنيا والاخرة يا ارحم

الراحمين [illegible]

[illegible]

سجده های شکر باشد و روایت کرده از شیخ محمد بن

در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده که

سجده شکر واجب است بر هر مسلمان تمام میکنی با آن نماز

خود را و راضی میکنی با آن پروردگار خود را

و تعجب می کنند ملائکه از تو بدرستی که هر گاه بنده نماز

کند و بعد از آن سجده شکر کند می گشاید و بر میدارد

خدای تعالی حجاب را از میان بنده و فرشتگان و پس میگوید

ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من ادا کرد فرض مرا

و تمام کرد عهد مرا بعد از آن سجده کرد برای من بجهت

شکر آنچه من انعام کرده ام با او ای فرشتهای من چه چیز است

مر او را پس ملائکه میگویند ای پروردگار ما رحمت تو

خدای تعالی ساکت میشود دیگر مر او را رحمت ملائکه گویند

ای پروردگار ما جنت تو پس خدای تعالی گوید دیگر مر او را

حیث ملائکه گویند ای پروردگار ما مارا دیگر علمی نیست
پس خدای تعالی گوید همچنین من شکر او کنم چنانکه شکر من کرده
و رو باو کنم بفضل خودم و بنمایم باو رحمت خودم را
سنت است طول دادن و بسیار بودن در شکر که
روایت کرده در فقیه که حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
سجده میکرد بعد از نماز صبح پس سر مبارک بر نمیداشت تا
روز بلند می شد فصل چون سجده شکر کنی هر دو ساعدها
دستها را فرش کن بر زمین و سینه و شکم را ملصق ساز
بر زمین و بگو آنچه در کافی بسند حسن از حضرت ابی الحسن الماضی
علیه السلام روایت کرده و بگو در سجده شکر اَللّٰهُمَّ
اِنّی اُشْهِدُکَ وَ اُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ وَ اَ
نْبِیاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ جَمیعَ خَلْقِکَ اَنَّکَ اللّٰهُ
رَبّی وَ الاِسْلامَ دینی وَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و اله

نَبِیّی وَعَلِیّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَعَلِیّاً وَ

مُحَمَّداً وَجَعْفَراً وَمُوسیٰ وَعَلِیّاً وَمُحَمَّداً وَ

عَلِیّاً وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّداً سَلامُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ

اَئِمَّتی بِهِمْ اَتَوَلّیٰ وَمِنْ عَدُوِّهِمْ اَتَبَرَّأُ

اعدائهم مح

پس سه بار بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُو

پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَنْشُدُكَ بِاِیْوائِكَ عَلیٰ

نَفْسِكَ لِاَوْلِیائِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ

وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَی الْمُسْتَحْفِظینَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

وسه بار بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الْیُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ

پس بگذار جانب راست رو را بر زمین و بگو یا کهف

حینَ تُعْیینی الْمَذاهِبُ وَتَضیقُ عَلَیَّ الْاَرْضُ

بِما رَحُبَتْ یا بارِئَ خَلْقی رَحْمَةً بی وَکانَ

66

عَنْ خَلْقِي عَنَّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله

بعد از آن بگذارد جانب چپ را بزمین و بگوید سه بار

قُوَّتَكَ

يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ وَعِزَّ

بَلَغَ بِي مَجْهُودِي پس سه بار بگو يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

يَا كَاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ بعد از آن سجده دو کن

و صد بار در آن بگو شکرا بعد از آن حاجت

و طلب و از بعض علیه السلم منقول است که در سجده

با گریه در کتی اشکها و اندر این سجده عَصَيْتُكَ

رَبِّ بِلِسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي

عَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي

وَعَصَيْتُكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَصَمَمْتَنِي

صَمَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِيَدِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ

لَكَنَعْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِرِجْلِي لَوْ شِئْتَ وَ

وَعِزَّتِكَ لَجَدَّمْتَنِی وَعَصَیْتُكَ اَبْرَحِی ذُنُو

وَعِزَّتِكَ لَعَقَّمْتَنِی وَعَصَیْتُكَ بِجَمیعِ جَوارِحِی

اَلَّتِی اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ وَلَیْسَ هٰذَا جَزٰاكَ مِنِّی

و بعد از آن هزار بار میگفت العفو العفو پس میسجده نهادی

راست را بر زمین و سه بار باواز حزین میگفت

بُؤْتُ اِلَیْكَ بِذَنْبِی عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ

لِی فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ غفرك مولای لبیك

جانب روی چپ را بر زمین می نهاد و سه بار میگفت

اِرْحَمْ مَنْ اَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ

و چون سر از سجده شکر برداری بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

كَمَا خَلَقْتَنِی وَلَمْ اَكُ شَیْئًا مَذْكُورًا رَبِّ اَعِنِّی

عَلٰی اَهْوَالِ بَوائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ

الزَّمَانِ وَمُصِیبَاتِ اللَّیَالِی وَالْاَیَّامِ وَاكْفِنِی

ثم ما يعمل الظالمون في الارض وفي سفري فا
صحبني وفي اهلي فاخلفني وفيما رزقتني
فبارك لي وفي نفسي لك فذللني وفي
اعين الناس فعظمني واليك فحببني و
بذنوبي فلا تفضحني وبعملي فلا تبسلني
وبسريرتي فلا تخزني ومن شر الجن والا نس
فسلمني ولمحاسن الاخلاق فوفقني ومن
مساوي الاخلاق فجنبني الى من تكلني
يا رب المستضعفين وانت ربي الى عدو
ملكته امري ام الى بعيد فيتجهمني فان
لم تكن غضبت علي يا رب فلا ابالي
غير ان عافيتك اوسع لي [illegible] احب الى اعوذ
بنور وجهك الذي اشرقت به السموات

وَالْاَرْضُ وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ اَصْلِحْ عَلَيْهِ
اَمْرَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَنْ يَحِلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ
وَيَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى
وَبَعْدَ الرِّضَى وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ

باب دویم در بیان اکه از طلوع آفتاب تا
وقت ظهر باید بجای آورد قبل از این مذکور شد که
هر ساعتی از دوازده ساعت روز متعلق است بیکی
از ائمه معصومین علیهم السلم و ساعت اول از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم و دعای آن این است اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَالِكَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ
وَمُدَبِّرَ الْاِبْرَامِ وَالنَّقْضِ وَمُوَفِّقَ الْمُجِيبِ
باغفار
لِلْمُضْطَرِّ [illegible] كَاشِفَ السُّوءِ
يَا جَبَّارُ يَا وَاحِدُ يَا قَهَّارُ يَا عَزِيزُ يَا

است و دعای آن مذکور شد در ساعت دویم از طلوع
آفتاب از حضرت امام حسن علیه السلام صح

68

يا غفار يا من لا تدركه الابصار وهو
يدرك الابصار يا من لا ينفق خشية يمسك
الانفاق ولا يقتر خوف الاملاق يا كريم
يا رزاق يا مبتدئا بالنعم قبل الاستحقاق
يا من يلقي الروح من امره على من يشاء
من عباده لينذر يوم التلاق كثرت
نعمتك علي وصغر في جنبها شكري
ودام غناك عني وعظم اليك فقري
اسئلك يا عالم سري وجهري يا من لا
يقدر سواه على كشف ضري ان تصلي على
محمد رسولك المختار وحجتك على الابرار
والفجار وعلى اهل بيته [illegible] الاخيار
واتوسل اليك بالانزع البطين علما وبالا

الزكي المقتول سمّاً فقد استشفعت بهم ا
وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي
ان تزيدني من لدنك علماً وتهب لي
حكماً وتجبر كسري وتشرح بالتقوى صدري
وترحمني اذا الدنيا اثري وتذكرني
اذا نسي ذكري برحمتك يا ارحم الراحمين
وساعت ششم از وقت بر طرف شدن سرخی آفتاب
بلند شدن روز از حضرت امام حسين عليه السلام
است اللهم رب الارباب ومسبب الاسباب
ومالك الرقاب ومسخر السحاب ومسهل
الصعاب يا حليم يا تواب يا كريم يا وهاب
يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعي
اجاب يا من ليس له حاجب ولا بواب

الحسن

انقطع من صح

يا من ليس لخزائنه قفل ولا باب يا من
لا يرخى ستر ولا يضرب دونه حجاب
يا من يرزق من يشاء بغير حساب يا غافر
الذنب قابل التوب شديد العقاب
اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك و
خاب الامل الا من كرمك فاسئلك
بمحمد رسولك وبعلي ابن ابي طالب صلى
عليه صفيك وبالحسين الامام التقي
الذي اشترى نفسه ابتغاء مرضاتك
وجاهد الناكثين عن صراط طاعتك
فقتلوه ساغبا ظمانا و [illegible] لحرمته
بغيا وعدوانا وحملوا راسه في الآفاق

عليه

وَاحَلُّوهُ مَحَلَّ اَهْلِ الْمُناجاةِ الْمُ...
اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجُدْ
عَلٰى اِنْ اٰعى عَلَيْهِ مُخْزِياتِ لَعْنَكَ وَ
وَانْتِقامِكَ وَمُرْدِياتِ سَخَطاتِ وَنَكا...
اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَتَوَجَّهُ
بِهِمْ اِلَيْكَ وَاُقَدِّمُهُمْ اَمامى وَبَيْنَ
يَدَىْ حَوائِجى اَنْ لا تَقْطَعَ رَجائى مِنْ
اِمْتِنانِكَ وَلا تُخَيِّبَ تَأْميلى فى اِحْسانِكَ وَاِفْضالِكَ
وَنَوالِكَ وَلا تَهْتِكَ السِّتْرَ الْمَسْدُولَ
عَلَىَّ مِنْ جِهَتِكَ وَلا تُغَيِّرَ عَنّى عَوائِدَ
طَوْلِكَ وَنِعْمَتِكَ وَ... بِما يُقَرِّبُ
اِلَيْكَ وَاصْرِفْنى عَ... عِدُ لى عَنْكَ
وَاَعْطِنى مِنَ الْخَيْرِ اَفْضَلَ مِمّا اَرْجُو وَاَكْفِنى

مِن شرّ ما اخاف واحذر برحمتك يا ارحم
الرّاحمين ساعت چهارم از چاشت تا زوال از حضرت
امام زين العابدين عليه السلم است و دعاش اين است
اللّهمّ انت الملك المليك المالك وكلّ
شيء سوى وجهك الكريم هالك سخّرت
بقدرتك النّجوم السّوالك وامطرت
بقدرتك الغيوم السّوافك وعلمت
ما في البرّ والبحر وما تسقط من ورقة
في الظّلمات الحوالك يا سميع يا بصير يا ربّ
يا شكور يا غفور يا رحيم يا من يعلم
خائنة الاعين وما تخفي الصّدور يا
من له الحمد في الاولى والآخرة وهو الحكيم
الخبير اسألك سؤال البائس الخبير وتضرّع

اِلَيْكَ تَضَرُّعَ الضَّالِعِ الْكَسِيرِ اَتَوَكَّلُ عَلَيْ
تَوَكُّلَ الْخَاشِعِ الْمُسْتَجِيرِ وَاَقِفُ بِبَابِكَ
وُقُوفَ الْمُؤَمِّلِ الْفَقِيرِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِالْبَ
الْنَّذِيرِ وَالسِّرَاجِ الْمُنِيرِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
وَابْنِ عَمِّهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْاِمَامِ عَلِيِّ بْنِ
الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَاِمَامِ الْمُتَّقِينَ
الْمُخْفِي لِلصَّدَقَاتِ وَالْخَاشِعِ فِي الْخَلَوَاتِ وَ
الدَّائِبِ الْمُجْتَهِدِ فِي الْمُجَاهِدَاتِ الْجَدِ
ذِي الثَّفِنَاتِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّ
فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ
اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَاَنْ تَعْصِمَنِي
مِنْ مُوَاقَعَةِ مَعَاصِيكَ وَتُرْشِدَنِي اِلَى
مُوَافَقَةِ مَا يُرْضِيكَ وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُو

ك ويتضرع لك ويناجيك ويرجيك و
يراقبك ويستحييك ويتقرب اليك
بما دانه من يناديك ويعترف لديك
بعظيم نعمك وآياديك برحمتك يا ارحم
الراحمين تمم نسخه این دعا خلد فلسطین دار
واکه درین کتاب معتمد علیه استاد دام ظله است
فصل در بیان آنکه در اوایل روز بجا آرند نست
که در اول روز تصدق کند بهرچه میسر باشد اگرچه
اندکی باشد روایتست که در کلینی که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود
بکروا بالصدقة فان البلاء لا یتخطاها یعنی در
وقت بکره که ابتدای روزست تصدق کنید که بلا از آن
در نگذرد یعنی باقی روز از بلا مستخلص باشید

وسیم ادر روایت از آنحضرت صلی الله علیه وآله که فرموده ک

وقت شبه آنکه تصدق کنید و در آنوقت رغبت کن

پس هیچ مؤمنی نباشد که تصدق کند بصدقه که

بآن ثوابی را که نزد خدای تعالی است تا دفع کن

بآن صدقه شری را که نازل میشود از آسمان بسبب

در آنروز مگر که نگاه دارد خدای تعالی او را از شر آ

نازل شود در آنروز وازانجمله در اوایل روز زدن

گلاب است در حدیث است از اصحاب عصمت سلام الله

که کسی مسح کند روی خود را بگلاب نرسد باو در آن

روز بلای و فقری و باید که مسح کند رو و دستها ر

وصلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه وآله و چون از آنکه در

اوایل روز در بر میآرند در اغلب بستن عمامه و پوشیدن

رخت و موزه و نعلین است پس بعضی از آداب و دعاها

اتنا

آنها مذکور میسازیم اما بستن عمامه یعنی دستار
بر سر پیچیدن در حدیث آمده که نزد آن باید گفت
اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ وَتَوِّجْنِي
بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي بِحَبْلِ الْإِسْلَامِ
وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي
و باید که نشسته عمامه پیچد و چون عمامه پیچد [illegible]
تحت الحنک بندد زیرا که سنت مؤکده است
روایت کرده شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب به سند حسن که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند کسی که عمامه بندد و عمامه را
زیر حنک خود دور نگرداند پس برسد باو دردی که او را دوا
نباشد پس ملامت نکند نفس خود را [illegible] روایت کرده
شیخ المحدثین در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمودند بدرستی که من تعجب می کنم از کسی که بحاجتی برود

وا وا و وضو باشند چون بر نیاید حاجت او و بر سر

که من تعجب میکنم از کسی که بحاجتی برود و عمامه از زیر

حنک کردانیده باشد چون بر نیاید حاجت او

و احادیث در ترغیب تحت الحنک داشتن بسیار است

و اجماع علمای امت منعقد است بر آن و عجب از علما

که ایشان انکار میکنند با آنکه در کتب های خود روایت

کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرده از اقتعاط

و امر کرده بتلحی و صاحب صحاح گفته که اقتعاط

بستن عمامه بر سر است بی تحت الحنک و این حدیث را نقل

کرده است و تلحی کردانیدن عمامه است بزیر الحنک یعنی

دوانیدن آن که الحنک در انجاست بدانکه سنت بودن تحت الحنک

عام است جمیع اوقات و حالات و مخصوص نیست بحال نماز

اگرچه در نماز افضل است و این سنت است علیحده و نماز

نگذارد

گذارد دو جوزه نگذارد و من در روایات کتب اصول خود

نیافتم چیزی که دلالت کند بر مخصوص بودن آن بحال

نماز بلکه عام است و باین تصریح کرده علامه در منتهی المطلب

و بعد از آنکه احادیث کتة الخنذر را ذکر کرده فرموده که ظاهر

سند باین احادیث آن است که مطلقا از حال نماز و غیر

پس چون در حال نماز تحنک کند باید که قصد کند که آن سنت

علیحده برداشته آنکه سنت است المیره و اما آداب رخت

پوشیدن پس باید که قبا را کوتاه کند در تفسیر آیه کریمه و ثیابک

فطهر نقل شده که بمعنای قصر است یعنی رختهای خود را

کوتاه کن و باید که آستین دراز تر از سر دست نباشد

و همیشه رخت زینت خود را بپوشند و رخت شهرت هم نپوشد

و در وقت نماز سفید بپوشد امام جعفر صادق علیه السلام

روایت است که مکروه است سیاه مگر در سه چیز موزه و عمامه

وکسی اما دعا نزد پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر علیه السلم
مرویست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن و برکة
اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک
و العمل بطاعتک و الحمد لله الذی رزقنی ما
استر به عورتی و اتجمل به فی الناس و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم مرویست که چون قبای نو پوشد بگوید اللهم
اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللهم ارزقنی
فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء
شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی و اتجمل به فی الناس و دعا که نزد پوشیدن
زیر جامه بگوید اللهم استر عورتی و امن روعتی
و اعفف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
و لا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکاید و یهیجنی

لارتکاب

لا ارتکاب محارمك و باید که رو بقبله پوشد واما

موزه و نعلین و کفش باید که نشسته پوشد و پای راست را

پیش از چپ و در وقت بیرون کردن ابتدا بپای چپ را

پیش از راست و اینچنین در وقت پوشیدن هر یک بخواند

بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد وآل محمد

ووطئ قدمی فی الدنیا والآخرة وثبتهما علی

الصراط یوم تزل فیه الاقدام وان دعا وقت

بیرون کردن بخواند بسم الله والحمد لله الذی رزقنی

ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما

علی صراطك ولا تزلهما عن صراطك السوی

در روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که امید پوشیدن

موزه سرخ در حضر و در سفر و روایت که آنحضرت فرموده

است پوشیدن موزه سیاه و کفش زرد و مکروه داشته

وکسا اما دعا نزد پوشیدن قبا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست که بگوید اللهم اجعله ثوب یمن وبرکة
اللهم ارزقنی فیه شکر نعمتک وحسن عبادتک
والعمل بطاعتک والحمد لله الذی رزقنی ما
استر به عورتی واتجمل به فی الناس و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم مرویست که چون قبای نو پوشد بگوید اللهم
اجعله ثوب یمن وتقوی وبرکة اللهم ارزقنی
فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک واداء
شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری
به عورتی واتجمل به فی الناس و دعا گره زدن بند
زیرجامه بگوید اللهم استر عورتی وآمن روعتی
واعفف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
ولا له الی ذلک وصولا فیضع لی المکاید ویهیجنی

لارتکاب

لا ارتکابِ محارمِك و باید که رو بقبله بپوشد و امّا
موزه و نعلین و کفش باید که نشسته بپوشد و پای راست را
پیش از چپ و در وقت بیرون کردن ابتدا و پای چپ را
پیش از راست و این دعا در وقت پوشیدن هریک بخواند
بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ وَطِّئْ قَدَمَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ ثَبِّتْهُمَا عَلَی
الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْأَقْدَامُ و ان دعا وقت
بیرون کردن بخواند بِسْمِ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی
مَا اُوَقِّی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْأَذَی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا
عَلٰی صِرَاطِكَ وَ لَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِیِّ
در روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که امید پوشیدن
موزهٔ سرخ در حضر و در سفر و روایت است که آنحضرت فرموده
است پوشیدن موزهٔ سیاه و کفش زرد مکروه داشته

آنحضرت پوشیدن کفش سیاه را واز آن حضرت علیه السلام روایت است
که بپوشد کفش زرد که نه کهنه نکند آن را تا بهم رساند مالی
واز آنحضرت است که کسی بپوشد کفش زرد در خوشی آن باشد
تا آنکه کهنه کند او را فصل چون عادات جاریست که مابین طبوع اکثر
تناول اکل و شرب واقع شود پس بعضی از آداب آن را
که از حضرت ائمه معصومین علیهم السلام منقول است مذکور ساختیم
پس چون خواهی که چیزی بخوری بنشین بر جانب چپ و مربع
منشین که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که
آن نشستن و صاحبش را دشمن میدارد و چون دست دراز
کنی برای چیزی خوردن بگو بسم الله والحمد لله رب العالمین
روایت است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر کسی که چون
مرد خواهد که چیزی بخورد پس دست دراز کند و بگوید بسم الله
والحمد لله رب العالمین بیامرزد خدای تعالی او را پیش از آنکه

تمه در دهن او شود روایت شد که نسیت بسم الله
کفتن بر هر رنکی دهم رد ایستد • درست بودن هر کفتن
بسم الله بر خوردن هر طعام که در سفره باشد اگرچه همه رنگ
باشد و کسی که فراموش کرده باشد بسم الله بر هر رنگی و بجاش
آنچه باید که بگوید بسم الله علی اوله و آخره • و باید که وقت
شروع در خوردن بگوید الحمد لله الذی یُطعِمُ ولا
یُطعَمُ ویُجیرُ ولا یُجارُ علیه ویَستغنی ویُفتقرُ
الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقتنا من طعامٍ
وادامٍ فی یسرٍ وعافیةٍ من غیر کدٍّ منّا ولا
مشقةٍ بسم الله خیر الاسماء بسم الله ربّ
الارض والسماء بسم الله الذی لا یضرّ مع اسمه
شیءٌ فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم
اللهم انفعنی فی مطعمی هذا بخیره واعذنی

مِنْ شَرِّهِ وَاَمْتِعْنِی بِنَفْعِهِ وَسَلِّمْنِی مِنْ ضَرِّهِ

و باید که هر روز پیش از چیزی خوردن بیست یک مویز

سرخ بخورد روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده

که هر که بخورد هر روز ناهار بیست و یکمویز سرخ علتها او را

بهم نرسد مگر علت موت و هر دو دست را بشوید پیش از

طعام و بعد از طعام اگرچه بیکی خورده باشی روایت کرده

رئیس المحدثین در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده

کسی که بخواهد بشوید دستش را پیش از طعام و بعد از طعام

باشد معیشت زندگی او در فراخی و عافیت یابد از بلا

در جسدش روایت است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که زیاده میکند

عمر را و جلا میدهد چشم را و باید که در شستن اول صاحب طعام

اول دست بشوید بعد از او کسی که در جانب راست اوست و در

شستن بعد از طعام صاحب طعام آخر بشوید و اول کسی که در جانب

چپ

چپ اوست و در بعضی روایات آن است که اول کسی که بر جانب
راست در خانه است بشوید در شستن و دوم هر که از او آزاد باشد
دو او شوند و بعد از شستن اول دست را خشک نکند و بعد از
دوم خشک کند بعد از آنکه دست بر چشم مالیده باشد
و اگر اثر طعام بر دست باشد اول بگوید و در ابتدای خوردن تکبیر
حمد الهی کند و صاحب طعام پیش از دیگران شروع کند در خوردن
و بعد از همه دست بکشد و مکروه است به دست چپ چیزی خوردن
و همچنین آشامیدن و همچنین به دو انگشت خوردن و چون
نان حاضر شود انتظار چیزی دیگر نکشد و نان را زیر کاسه ننهد و از
و بار نکند بکارد و ابتدا کند به نمک و ختم بآن و ختم
به سرکه هم روایتی وارد است و سنت است طعام ساختن
سبزی بر سفره و یکروز در میان گوشت بخورد و هر سه روز
یکبار بخورد و مکروه است ترک گوشت چهل روز و استخوان را

بسیار خالی و پاک نکنند بلکه اند که گوشتی در آن بگذارد
در روایت است که جن را در آن نصیبی است و اگر کسی
پاک کرده باشد از خانه او برود چیزی که بهتر از آن گوشت باشد
که پاک کرده و باید که چون طلب طعام بر سفره بنشیند روایت
کرده کلینی بطریق حسن از زراره که گفت شنیدم که
گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرمود سه
چیز است که هرگاه مرد یاد گرفت آنها را باعث زیادتی
عمر اوست و بقای بودن نعمت بر او پس گفتم که آنها چیست فرمود
که طول دادن او در رکوع و سجودش را و طول دادن نشستن
بر سفره به طعامش اگر طعام دهد و نیکویی کردن او با اهلش
و دیگر بعد از فارغ شدن از طعام خوردن الحمد روایت شده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم الحمد لله الذی
أَطْعَمَنَا فِي جَائِعِينَ وَسَقَانَا فِي ظَمْآنِينَ وَكَسَانَا

فی

في عاهين و هدنا نا في ضالين و حملنا في راحلين
و آوانا في صالحين و اخذ منا في ثعابين
و فضلنا على كثير من العالمين [illegible]
الحمد لله از طعام چنانکه درین زمان مشهور است کت در
حدیث وارد مطلع نشدیم و باید که حاضران همه در یک طشت
دست بشویند و آب طشت را نریزند تا پر شود و مستحب است
خلال کردن و مکروه است خلال شاخ خرما و نی و چوب ریحان
و مورد و انار و باید اندازد آنچه بخلال از میان
دندانها بیرون آورد و باک نیست فرو بردن آنچه بزبان
بیرون آورد و باید که خوردن تو چیزی باشد که عیال
ترا بآن میل باشد نه آنکه ترا میل باشد پس روایت کرده
کلینی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که المؤمن یاکل بشهوة

اتهد یعنی مؤمن میخورد اگر اهلش سیر کند ولنافق

با کل اهل نیشتمو یعنی منافق را اهلش میخورد

اگر بدمیل سیکند اما آداب خوردن آب اگر بگوید

زد آن الحمد لله منزل الماء من السماء

و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الا

و بعد از آب خوردن بگوید الحمد لله الذی سقانا

ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنو

الحمد لله الذی سقانی فارو انی و اعطانی

فارضانی و عافانی و کفانی اللهم اجعلنی ممن تسقیه

فی المعاد من حوض محمد صلی الله علیه و آله

و تسعده بمرافقته برحمتک یا ارحم الراحمین

و سنت آشامیدن آب کم کم مکیدن نه بیکبار کشیدن

روایت است از پیغمبر صلی الله علیه و آله که یکبار سر کشیدن آب

مورث

سورت کبا داشت یعنی مرض جگر باید که آب بیک نفس بخوری
و بهر دو دست برداری و حمد خدای تعالی گویی بعد از
هر نفسی و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرده شد
از آشامیدن آب بیک نفس پس آنحضرت علیه السلام فرمود که
اگر آب تو می دهد اگر مملوک تست پس بخور بیک نفس و اگر آزاد است
بخور بسه نفس و در روایت است که کسی آب بخورد و پس دور کند آب را
و حال آنکه میل بآن داشته باشد و حمد خدای تعالی کند چون
سه بار چنین کند واجب شود برای او جنت و باید
از پیش دسته آب نخورد و از جای شکسته و آب بسیار نخورد
در روایت است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که بپرهیزید از
بسیار خوردن آب زیرا که آن مادهٔ هر درد است و در روایت است
که کسی که آب بخورد و حضرت امام حسین علیه السلام را یاد کند
و لعن قاتل او کند بنویسد خدای تعالی برای او صد هزار حسنه

در طرف کنند از او صد هزار سیئه و رفیع سازد در او
صد هزار درجه و چنان باشد که آزاد کرده صد هز
بنده ** باب سیم در بیان آنکه از وقت زوال آفتاب
که ظهر است تا فرو رفتن آفتاب بجای باید آورد
در آن مقدمه است و چند فصل مقدمه روایت کرده
در قدیمه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود هر گاه که
بزایل شد آفتاب گشوده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و مستجاب میشود دعا فَطُوبیٰ لِمَن رَفَعَ
لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ پس خوشا حال کسی که بالا برده شود
برای او عمل صالحی و احتمال دارد که معنی طوبی آن
باشد که درخت طوبی کسی راست وهم او روایت که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بتحقیق که آفتاب از
زوال حلقه بهشت که در آن داخل میشود پس هرگاه داخل شود

79

در آن زوال شمس میشود پس تسبیح میکند هر چیزی که
پایین عرش است برای حمد پروردگار من عز و جل
و آن ساعتی است که صلوات میفرستند بر من در آن ساعت
پروردگار من جل جلاله و واجب کرد بر من و بر امت من
در آن ساعت نماز را و گفته أَقِمِ الصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ
الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ و آن ساعتی است که می آرند در آن
جهنم را روز قیامت پس نباشد مؤمنی که اتفاق افتد
درین ساعت آنکه او ساجد یا راکع یا در نماز ایستاده
باشد مگر آنکه حرام کند خدای تعالی بر جسد او را از آتش
دوزخ **فصل اول** باید نماز را در اول وقت کردن
خواه واجبی باشد و خواه سنتی مگر آنچه استثنا شده
روایتست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فضل اول وقت
بر آخر وقت همچو فضل آخرت است بر دنیا و از حضرت

امیر المومنین علیه السلم روایت است که اول وقت رضوان
خدا است و اخرش عفو خدا است و ظاهر آن است این
فضیلت در نیت است بشود بمشغول شدن در اول وقت
بمقدمات نماز چنانکه شیخ شهید فرموده و مخصوص
نیست بمشغول شدن در اول وقت بنماز و اما آنچه
روایت شده از ایمه معصومین علیهم السلم که تعظیم و
تکریم نماز نکرده کسی که تاخیر کند طهارت را تا وقت نماز
داخل شود پس آن را سند معتبری نیست و دخل دادن
آن در ضمن عمل بحدیث حسنی که کلینی روایت کرده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که کسی که بشنود خبر
از ثواب بر عملی پس آن را بجا آورد او را اجر
آن باشد اگرچه چنان نباشد که باو رسیده دلالت
میکند بر آنکه مشغول بودن بطهارت در اول وقت نماز نعمت

از تعظیم نماز نه از دریافتن فضیلت اول وقت
ومیان این هر دو فرق هست وسنت است انتظار وقت
نماز روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
انتظار دخول وقت می کشید ومیفرمود ارحنا
یا بلال یعنی راحت ده ما را باعلان دخول وقت
چنانکه میفرمود قرة عینی فی الصلوة یعنی خوشی دل
من در نماز است واول زوال شروع سایه است در زیادتی
بعد از انکه بنهایت نقصان رسیده باشد یا بهم رسیدن
سایه بعد از برطرف شدن زیرا که هر چند آفتاب بلند
تر میشود سایه کوتاه تر میشود تا وقتی که آفتاب بنهایت
بلندی رسد دران روز پس سایه هم بنهایت
کوتاهی رسد تا برطرف شود واین وقتیست که آفتاب
بدایرهٔ نصف النهار رسد ومعلوم است که آفتاب در [illegible]

نسبت با کنان اقالیم سبعه مختلف الاوضاع است

گاه در جنوب سمت الراس بعضی اقالیم است و گاه در

شمال آن و گاه بر سمت الراس ایشان پس در قسم اول

و دویم سایه نصف النهار بر طرف نمیشود بلکه در آن وقت

در نهایت کوتاهی است در جانب شمال یا جنوب و درین

دو وقت چون شروع در زیادتی کند اول وقت

زوال است و در قسم سیوم که آفتاب در نصف النهار

بر سمت الراس ایشان باشد سایه بالکلیه بر طرف میشود

و بعد از آن ظاهر میگردد و اول ظهور آن وقت

زوال است و سایه شخص را پیش از زوال ظل میگویند

و بعد از زوال فیء مشتق است از فاء یفیء بمعنا رجع

زیرا که رجوع میکند گاهی که پیش از آن بوده دمنید

وقت فضیلت ظهر تا آنکه فیء یعنی سایه که بعد از زوال

به

رسیده بمساوی شاخص شود و وقت فضیلت عصر تا
آنکه فی دو برابر شاخص شود و سنت است تاخیر هر یک از این
دو نماز تا آنکه از اول وقت بمقدار ادای نافلهٔ آن
نماز و کسی که نافله نکند تاخیر سنت نیست و نافلهٔ ظهر را
صلوٰة اوابین یعنی صالحین می نامند و وقت او از
زوال است تا آنکه فی دو قدم شود یعنی مقدار دو سبع
شاخص شود زیرا که قامت اغلب آدمیان هفت قدم
اوست و نافلهٔ عصر را سبحه می نامند و وقت آن
فارغ شدن از نماز ظهر است تا آنکه فی چهار قدم شود
و بعضی علمای ما را اعتقاد ممتد بودن وقت این نافلهها است
بامتداد وقت این نماز پس وقت نافلهٔ ظهر ممتد است
تا آنکه فی مثل شاخص شود و نافلهٔ عصر تا آنکه دو برابر
شود و این دور نیست و در اخبار معتبره دلالتی هست بر این

بلکه در بعضی روایات دلالت بر زیادتی وسعت وقت نافله
می‌کند روایت کرده در تهذیب بسند صحیح که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که نماز تطوع بمنزله هدیه است
هرگاه که بی آورده شود مقبول است پس مقدم دار اگر
خواهی و مؤخر دار اگر خواهی اما ظن آن است که هیچ
از علما عمل باطلاق این حدیث از وسعت تقدیم و
تاخیر نکرده‌اند و شاید که مراد بتقدیم ادا باشد و بتاخیر
قضا والله اعلم و مشهور میانه علما آن است که جایز
نیست اعتماد بر ظن دخول وقت مگر با عدم قدرت
بر تحصیل علم پس بنابرین جایز نباشد اعتماد بر قول
یکعادل نباشد و نه بر اذان ثقه اگرچه مؤذن عادل
باشد مگر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر جواز اعتماد
بر اذان یک عادل است آنا اما خبر دادن دو عادل بجواز

وقت

وقت یا اذان ایشان پس ظاهر و از اعتقاد است آن

اگرچه قدرت داشته باشد بر علم بآن زیرا که علم شرعی

بآن حاصل است و کسی که اهتمام با قیمتی فضیلت اول

وقت و بجای آوردن سنتها داشته باشد باید که

در خانه خود یا پشت بام خود چوبی راست را بر زمین

زدبرد و انگشت را بهفت قسم کرده باشد پس هرگاه سایه

بغایت نقصان رسد یا شروع کند در حال زیاد شدن

پس شروع کند در نافله زوال اگر موفق باشد

بسعادت سنتی کردن یا شروع کند در نماز ظهر در اول وقت

اگر محروم باشد از آن سعادت و باید که ملاحظه

نماید پس چون بقدر دو سبع شاخص یا مثل شاخص شود

وقت نافله ظهر بیرون میرود پس اگر نافله ظهر گفته

تمام نکرده باشد نافله را ترک کند و مشغول گردد بنماز

واجبی و اگر از نافله یک رکعت تمام کرده باشد و این [...]
سأندن از ذکر سجدهٔ دویم رکعت اول متحقق میشود [...]
چه اگر سر از سجده برنداشته نیز نافله را تمام کند
و بعد از آن مشغول شود بفرض و اظهر آن است که
درینصورت شش رکعت دیگر هم اداست زیرا که این هشت
رکعت در حکم یکنماز است بعد ازان نماز ظهر بکند اگر دو
نماز ظهر ملاحظهٔ فی نمابه اگر چهار سبع شاخص یا دو از[...]
شاخص نشده باشد شروع کند در نافلهٔ عصر و اگر
شده باشد و وقت نافله بیرون رفته حکم این
هم مثل نافلهٔ ظهر است در اتمام و ترک اما در روز جمعه
زیاده کند بر هشت رکعت نافلهٔ ظهر هشت رکعت
نافلهٔ عصر چهار رکعت که مجموع بیست رکعت باشد
همه نافلهٔ جمعه است شش رکعت در وقتی بکند ارد که شعاع

آفتاب

آفتاب پهن شود شش رکعت وقتی که راست باشد

و دو رکعت بعد از زوال **فصل دویم** چون زوال

متحقق شود بگو آنکه رئیس المحدثین در فقیه روایت کرده

که حضرت امام محمد باقر علیه السلم تعلیم کرد محمد بن مسلم را

و با او گفت که محافظت و مداومت کن بر این چنانکه

محافظت میکنی چشمهای خود را سُبْحانَ اللهِ

وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ

وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ

یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیرًا

بعد از آن وضو ساز و شروع در نافلهٔ زوال

پس نیت کن که دو رکعت نافلهٔ زوال میگذارم

سنت قربة الی الله و تکبیرة الاحرام بگو و دو تکبیر و دعای

اللهم انت الملک الحق را تا آخر بخوان بعد از آن

دو تکبیر دیگر بگو و دعای لبیک وسعدیک را تا آخر بخوان
بعد از آن آهسته بگو اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیم
بعد از آن الحمد و قُل یا اَیُّهَا الکافِرُون
بخوان و در رکعت دوم بعد از الحمد قل هو الله احد
چنانکه کلینی روایت کرده بسند حسن و بعد از سلام
سه تکبیر بگو و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بخوان بعد از آن
بگو اَللّهُمَّ اِنّی ضَعیفٌ فَقَوِّنی فی رِضاکَ ضَعفی
وَخُذ اِلَی الخَیرِ بِناصِیَتی وَاجعَلِ الاِیمانَ
مُنتَهی رِضایَ وَبارِک لی فیما قَسَمتَ لی
وَبَلِّغنی بِرَحمَتِکَ کُلَّ الَّذی اَرجُو مِنکَ
وَاجعَل لی وُدّاً وَسُرُوراً لِلمُؤمِنینَ وَعَهداً
عِندَکَ و بعد از آن دو رکعت دیگر بکند اراده اما در اول
ایشان تکبیر افتتاح بگو و بس در رکعت بعد از آن بر ع

بخوان

اگر اند و همچنین تا شش رکعت بگذاری بعد از آن
اذان از برای نماز ظهر بگو و دو رکعت نافله بگو بعد از آن
اقامت بگو و بعد از اقامت این دعا بگو الّ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلوٰةِ
القَائِمَةِ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰه علیه وآله الدَّرَجَةَ

بلّغ

وَالْوَسِیلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِیلَةَ بِاللّٰهِ
اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰه علیه وآله
اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهاً فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ

واجعلنی بهم

الْمُقَرَّبِینَ بعد از آن مشغول شود بنماز ظهر باید
که در نماز ظهر نه کورشنه بسم الله الرّحمن الرّحیم را
بلند بگو و باقی را آهسته بخوان و در رکعت اول بعد از
الحمد سوره سبّح اسم ربّک الاعلی بخوان یا سوره والشّمس

یا سوره‌ای که کمتر از اینها باشد چنانکه در تهذیب روایت شده
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسند صحیح و در
دو رکعت آخر سورهٔ الحمد تنها یا سه مرتبه بگو سبحانَ
اللهِ والحمدُ لله ولا اِله الّا الله والله اکبر استغفر الله
بعد از آن تکبیر رکوع بگو دستها را برداشته
و چهار رکعت تمام کن چنانکه گذشت و بعد از سلام سه
الله اکبر بگو بعد از آن بخوان لا اِلهَ اِلّا الله
اِلهًا واحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ مُسْلِمُونَ
تا آخر چنانکه در تعقیب صبح مذکور شد بعد از آن
تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو و هر دعائی که خواهی
از اینها بخوان که در تعقیب صبح مذکور شد سوای دعاها
مخصوصه که به صبح مثل آنکه متضمن صبح است و سه دعای
آخر بعد از آن بگو یا مَنْ اَظْهَرَ الجَمیلَ وَسَتَرَ

القبیح

القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة و لم
يهتك الستر يا كريم الصفح يا عظيم المنّ
يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا با
سط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى
و يا منتهى كل شكوى يا مبتدئا بالنعم
قبل استحقاقها يا ربّاه يا ربّاه يا ربّاه
يا سيّداه يا سيّداه يا سيّداه يا غاية
رغبتاه يا ذا الجلال و الإكرام أسألك
بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين
و علي و محمد و جعفر و موسى و علي و محمد و علي و الحسن و محمد صاحب
الزمان سلام الله عليهم أجمعين أن تصلي
على محمد و آل محمد و أن تكشف كربي و تغفر ذنبي
و تنفّس همّي و تفرّج غمّي و تصلح شأني في ديني

ودنیای وان تدخلنی الجنة ولاتشو
خلقی بالنار ولاتفعل بی ما انا اهله یـ
یا ارحم الراحمین سعدا ازان بکو یا سامع کل صو
و یا جامع کل فوت یا باری النفوس
بعد الموت یا باعث یا وارث یا اله
الآلهة یا جبار الجبابرة یا مالک الدنیا
والآخرة یا رب الارباب یا ملک الملوک
یا بطاش ذا البطش الشدید یا مبدئ
یا معید یا فعالا لما یرید یا محصی عدد
الانفاس ونقل الاقدام یا من السر عنده
علانیة اسئلک بحق خیرتک من خلقک
وبحقهم الذی اوجبت لهم علی نفسک ان
تصلی علی محمد واهل بیته وان تمن علی

ازع

علی

الساعة بفكاك رقبتي من النار وان تجز
لوليك وابن نبيك الداعي اليك باذنك
وامينك في ارضك وعينك في عبادك و
حجتك على خلقك عليه صلواتك وبركاتك
اللهم ايده بنصرك وقو اصحابه وصبرهم
واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا وعجل
فرجه ومكنه من اعدائك واعداء
رسولك يا ارحم الراحمين بس بو اللهم رب السموات
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما
بينهن وما تحتهن ه هو رب العرش العظيم
ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب
السبع المثاني والقرآن العظيم ورب محمد
خاتم النبيين صلى الله على محمد وآله واسألك

بِاِسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِی بِهِ تَقُومُ السَّمٰوٰاتُ وَالْاَ

وَبِهِ تُحْیِی الْمَوْتٰی وَتَرْزُقُ الْاَحْیٰاءَ وَتُفَرِّقُ بَیْنَ

الْمُجْتَمِعِ وَتَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ اَحْصَیْتَ

عَدَدَ الْآجٰالِ وَوَزْنَ الْجِبٰالِ وَکَیْلَ الْبِحٰا

اَسْئَلُكَ یٰا مَنْ هُوَ کَذٰلِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ لِی کَذٰا وَکَذٰا

و حاجت خود بطلب پس سجده شکر کن و دعاها و

تعبد از اینها بگو آنکه در باب اول مذکور شد فصل

و بعد از فارغ شدن از متعلقات نماز ظهر برخیز بنا

فله عصر و در اینجا هفت تکبیر سنت نیست بلکه همان تکبیر

افتتاح است زیرا که آن هفت تکبیر در نمازهای سنتی

سنت نیست مگر در چهار نماز اول نافله زوال و اول

نافله مغرب [illegible] دو اتیره دیگر کمت ونز و آنکه خواهی کوان

ازاد

در فایده بعضی از سورها که سورهاست که از ائمه هدی علیهم السلم
ترغیب بمداومت آنهاست و اختیار کنند سوره که خواندن آن
باعث بیرون رفتن وقت نباشد از حضرت امام محمد باقر
علیه السلم مرویست که هرکه سوره صف در نمازهای واجب و سنتی
بخواند خدای تعالی او را در صف ملائکه و انبیاء مرسل بدارد
و هم از آنحضرت است که هرکه مداومت کند بر خواندن سوره
ق در نمازهای واجب و سنتی وسیع گرداند خدای تعالی روزی
روزی او را و عطا کند کتاب او را بدست راستش و حساب کند
او را حساب [illegible] که و از آنحضرت است که بسیار تلاوت
کند الواقعه را در نمازهای واجب و سنتی زیرا که این از ایمان
کند او رسول است و هرگز از خواننده سلب نشود
ایمانش نمیرد و بعد از فراغ از دو رکعت اول بگو اللهم
اِنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ

و بعد از فراغ

الحلیم الکریم الخالق الرازق المحی الممیت البد

البدیع لک الحمد و لک المن و لک الکرم

و لک الجود و لک الامر وحدک لا شریک

لک یا واحد یا احد یا صمد یا من

لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد

و لم یتخذ صاحبة و لا ولدا صل علی محمد

و آل محمد وافعل بی کذا و کذا پس دو رکعت

نماز دیگر بگذارد و بعد از انها بگو اللهم رب السموات

السبع تا آخر پس دو رکعت دیگر بگذارد و بعد

از انها بگو اللهم انی ادعوک بما دعاک

به عبدک یونس اذ ذهب مغاضبا

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات

ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین

فاجب

فاستجبت له ونجيته من الغم فانه دعاك
وهو عبدك وسألك وهو عبدك وانا
اسألك وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تستجيب لي كما استجبت له
وادعوك بما دعاك به عبدك ايوب
اذ مسه الضر فدعاك اني مسني الضر
وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت
ما به من ضر وآتيته اهله ومثلهم
معهم فانه دعاك وهو عبدك وانا
ادعوك وانا عبدك وسألك وهو
عبدك وانا اسألك وانا عبدك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تفرج عني
كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما استجبت له

وانا ادعوك وانا عبدك

يا رب
ادعوك بما دعاك به يوسف اذ فرّق
بينه وبين اهله واذ هو في السجن فانّه
دعاك وهو عبد لك وانا ادعوك وانا
عبدك وسألك وهو عبدك وانا
اسألك وانا عبدك ان تصلّي على محمد
وآل محمد وان تفرّج عني كما فرّجت
عنه وان تستجيب لي كما استجبت له
فصلّ على محمد وآل محمد وافعل بي كذا
وكذا و حاجت خود آخر بگذارد و بعد از آن سه بار بگوید یا
مظهر الجمیل یا ستار القبیح پس از آن بگوید یا
~~محمد~~ و فاصله کن میان اذان و اقامت بسجده
و دعاکه باکه گذشت در نماز صبح و ظهر پس مشغول
شو بنماز عصر بهمان آداب که مذکور شد و بخوان

ذکر المدرس دو رکعت احرکه

در رکعت

89

در رکعت اول اذا جاء نصر الله و الهیکم التکاثر و مثل اینها چنانکه روایت کرده شیخ الطایفه در تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلام بسند صحیح و بعد از فراغ از نماز عصر تعقیبات آنکه در عقب نماز ظهر مذکور شد سوای تکبیراتی که مخصوص ظهر باشد و بعد از آنها دعاهای آنکه مخصوص عصر است

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ
الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ
يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ
فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ
لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا مَوْتًا وَ لَا
حَيٰوةً وَ لَا نُشُورًا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ
مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ

إِنّي

وَمِنْ عِلْمٍ لا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ
وَمِنْ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ
بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخاءَ
بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ
فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُكَ
وَاَتُوبُ اِلَيْكَ و سنت است هفتاد بار استغفار
بعد از نماز عصر و ده بار خواندن سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی
بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار کند بیامرزد
خدای تعالی هفتصد گناه اورا و حضرت امام محمد
علیه السلام فرمود کسی که انا انزلناه فی لیلة القدر
بخواند ده بار بعد از نماز عصر بگذرد آن خواندن
بر مثل اعمال خلایق یعنی ثواب آن خواندن برابر

تولد

واب عمهای چنگ خلایق باشد از آن روز بعد از آن
دو سجده شکر کن و سؤال در آنها و بعد از آنها آنچه
پیش گذشت و باید که آخر این دعا بخواند اللّهمّ انّی
وَجَّهْتُ وَجْهِیَ اِلَیْکَ وَ اَقْبَلْتُ بِدُعَائِی
عَلَیْکَ رَاجِیًا اِجَابَتَکَ طَامِعًا فِی
مَغْفِرَتِکَ طَالِبًا مَا اَوَیْتَ بِهِ عَلٰی نَفْسِکَ
مُنْتَجِزًا وَعْدَکَ اِذْ تَقُولُ اُدْعُونِی
اَسْتَجِبْ لَکُمْ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
وَ اَقْبِلْ اِلَیَّ بِوَجْهِکَ وَ ارْحَمْنِی وَ اسْتَجِبْ
دُعَائِی یَا اِلٰهَ الْعَالَمِینَ **فصل** بدانکه ساعت
پنجم از زوال تا آن مقدار که چهار رکعت بگزارند
از حضرت امام محمد باقر است علیه السلم و دعاء آن
اینست و بهتر آن است که این دعا را بعد از رکعت

چهارم نازل ... ال الحوانی اللهم انت الله
الذی لا اله ... هو الحی القیوم لا تاخذه
سنة و ... هو الله الذی لا اله الا
هو عالم الغیب و الشهادة و هو الرحمن الرحیم
هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن
و هو بکل شیء علیم فالق الاصباح و جاعل
اللیل سکنا و الشمس و القمر حسبانا ذلک
تقدیر العزیز العلیم یا غالبا غیر مغلوب
و یا شاهدا لا یغیب یا قریب یا مجیب
ذالکم الله ربی لا اله الا هو علیه توکلت
و الیه انیب اتذلل الیک تذلل الطالبین
و اخضع بین یدیک خضوع الراغبین
و اسئلک تضرعا سؤال الفقیر المسکین

وَخُفْيَةً

وَاسْئَلُكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً اِنَّكَ تُحِبُّ الْمُتَذَلِّلِينَ

وَاَدْعُوكَ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ

مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِخِيَرَتِكَ وَ

صَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ اَلَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ

وَصَدَّقَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذِيرِ

الْمُبِينِ وَبِوَلِيِّكَ وَعَبْدِكَ عَلِيِّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْاِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ

عُلُومِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَالْعَالِمِ بِتَاوِيلِ

الْكِتَابِ الْمُبِينِ وَاَسْئَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ

تُقَدِّمُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا وَلَّيْتَنِي مِنْ نَعْمَائِكَ

وَتَجْعَلَ لِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَغَمٍّ

وَتَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ

وَاَدْعُوكَ

الْمُرْسَلِينَ

لا احتسب و تیسر لی من فضلک ما تغنینی
به عن کل مدالب و اقذف فی قلبی رجائک
و اقطع رجائی ممن سواک حتی لا ارجو
الا ایاک انک مجیب الداعی اذا دعاک
و تغیث الملهوف اذا ناداک و انت
ارحم الراحمین دعاء ساعت هشتم از آن زمان که
مقدار چهار رکعت نماز بگذرد از اول زوال تا
نماز ظهر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است
و دعا آن این است اللهم انت انزلت الغیث
برحمتک و علمت الغیب بمشیتک و
دبرت الامور بحکمتک و ذللت الصعاب
بعزتک و اعجزت العقول عن کیفیتک
وحجبت الابصار عن ادراک صفتک

الأوهام عن حقيقة معرفتك واضطرت
الأفهام إلى الإقرار بوحدانيتك يا من
يرحم العبرة ويقيل العثرة لك
العزة والقدرة لا يعزب عنك في
الأرض ولا في السماء مثقال ذرة أتو سل
إليك بالنبي الأمي رسولك العربي محمد
المكي المدني الهاشمي الذي أخرجنا
به من الظلمات إلى النور وبأمير
المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام الذي
رجحت بولايته الصدور وبالإمام
جعفر بن محمد الصادق في الأخبار
المؤتمن على مكنون الأسرار صلى الله عليه
وعلى أهل بيته بالعشي والإبكار اللهم

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهِمْ وَأَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ
وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
فَأَعْطِنِي الْفَرَجَ الْهَنِيَّ وَالْمَخْرَجَ الْوَحِيَّ
وَالصُّنْعَ الْقَرِيبَ وَالْأَمَانَ مِنَ الْفَزَعِ
فِي يَوْمِ الْعَصِيبِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مُوبِقَاتِ
الذُّنُوبِ وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ
الْعُيُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ
وَأَنَا الطَّالِبُ وَأَنْتَ الْمَطْلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي
بِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي
تَقْلِفُ بِالْحَقِّ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَيَا خَيْرَ الْفَاضِلِينَ
وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ صح

ساعت هفتم كه از وقت ظهر است تا مستعد حيات

هم ...

رکعت نماز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
و دعای آن این است اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَرْجُوُّ
اِذَا اشْتَدَّ الْاَمْرُ وَ اَنْتَ الْمَدْعُوُّ اِذَا
مَسَّ الضُّرُّ وَ مُجِيبُ الْمَلْهُوفِ الْمُضْطَرِّ وَ
الْمُنْجِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ لَهُ
الْخَلْقُ وَ الْاَمْرُ وَ الْعَالِمُ بِوَسَاوِسِ الصُّدُورِ
وَ الْمُطَّلِعُ عَلَى خَفِيِّ السِّرِّ يَا غَايَةَ كُلِّ نَجْوَى
وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ
فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى يَا مَنْ خَلَقَ الْاَرْضَ
وَ السَّمٰوَاتِ الْعُلَى اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ
اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَ مَا
بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ اِنْ تَجْهَرْ
بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ اَخْفَى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ

الا هو له الاسماء الحسنى اسئلك بحقها
النبيين خيرتك من خلقك والمؤ
تمن على اذ ارسلته وبامير المؤمنين
علي بن ابي طالب عليه السلام الذي جعلت ولا
يته مفروضة مع ولايتك ومحبته
مقرونة برضاك ومحبتك وبالامام الكاظم
موسى بن جعفر عليه السلام الذي شغلت
الا تفرغه لعبادتك وتخليته لطاعتك
فاستجبت دعوته ان تصلي على محمد وآله
صلوة تقضي بها عني واحب دعا
حتى فيهم وترضى بها في اداء فروضهم
والتوسل اليك بهم واستشفع بمنزلتهم
وقد قدمتهم امامي وبين يدي حوائجي

تحریني

تجبرني على جميع عوائدك وتمنحني

جزيل فوائدك وتأخذ لسمعي وبصري

وشعري وناصيتي وقلبي وعزيمتي ولبي إلى

ما تعينني به على هواك وتقربني من أسباب

رضاك وتوجب لي نوافل فضلك و

تستديم لي منائح طولك يا ارحم الراحمين

وساعت هشتم بعد از گذشتن مقدار چهار ساعت

تا وقت نماز عصر از حضرت امام رضا علیه السلم استمداد نماید

این است اللهم انت الكاشف للملمات والكافي

المهمات والمفرج للكربات والسامع للأصوات

والمخرج من الظلمات والمجيب للدعوات

الراحم للعبرات جبار الأرض والسموات

يا ولي يا مولى يا علي يا أعلى يا كريم

يَا اكْرَمُ يَا مَنْ لَهُ الاِسْمُ الاَعْظَمُ يَا مَنْ عَ
الاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ فَاطِرُ السَّمٰوَاتِ وَالاَ
وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ
مِنَ الخَلْقِ المَبْعُوثِ بِالحَقِّ وَبِاَمِيرِ المُؤْمِنِ
الَّذِي اَوْلَيْتَهُ فَاَلْفَيْتَهُ شَاكِرًا وَابْتَلَيْ
فَوَجَدْتَهُ صَابِرًا وَبِالاِمَامِ الرِّضَا عَلِ
بْنِ مُوسٰى الَّذِي اَوْفٰى بِعَهْدِكَ وَوَثِقَ
بِوَعْدِكَ وَاَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا وَقَدْ
اَقْبَلَتْ اِلَيْهِ وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ
رَغِبَتْ فِيهِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّ
مْتُهُمْ اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي اَنْ
تَهْدِيَنِي اِلٰى سُبُلِ مَرْضَاتِكَ وَتُيَسِّرَ لِي

95

اسباب طاعتك وتوفقنى لابتغاء الزلفة
بموالات اوليائك وادراك الحظوة
من معادات اعدائك ويعيننى على
اداء فروضك واستعمال سننك و
توفقنى على المحبة المؤدية الى العتق
من عذابك والفوز برحمتك يا ارحم
الراحمين وساعت نهم كه از زمان عصرست تا نيمه
دو ساعت بگذرد از حضرت امام محمد جواد
عليه السلم ودعاش اين است اللهم يا خالق
الانوار ومقدر الليل والنهار
تعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض
الارحام وما تزداد وكل شىء عنده
بمقدار اذا تفاقم امر طرح عليك

وإذا غلقت الأبواب فرج باب فضلك
وإذا ضاقت الحاجات فزع إلى سعة طو
وإذا انقطع الأمل في الخلق اتصل بك
وإذا وقع اليأس من الناس وقف الرجاء
عليك أسألك بحق النبي الأواب الذي
أنزلت عليه الكتاب ونصرته على الأ
حزاب وهديتنا إلى دار المآب وبأمير
المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام الكريم النا
المتصدق بخاتمه في المحراب وبالإمام
الفاضل محمد بن علي عليه السلام الذي
سئل فوفق لرد الجواب وامتحن
فعضدته بالتوفيق والصواب صلى الله
عليه وعلى أهل بيته الأطهار أن

96

تجعلهم لاتي لهم عصمة من النار ومحجة

الى دار القرار فقد توسلت بهم اليك

وقدمتهم امامي وبين يدي حوائجي

وان تعصمني من التعرض لمواقف سخطك

وتوفقني لسلوك سبيل محبتك

ومرضاتك يا ارحم الراحمين ساعت دوم

بعد از دو ساعت از وقت عصر تا پنهانی زردی

آفتاب از حضرت امام علی الهادی است ع و دعا آن اینست

اللهم انت الولي الحميد الغفور الودود

المبدئ المعيد ذو العرش المجيد

والبطش الشديد فعال لما يريد يا من

هو اقرب الي من حبل الوريد يا من

هو على كل شيء شهيد يا من لا يتغا ظه

غفران الذنوب و لا يكبر عليه الصفح
عن العيوب اسئلك بجلال وجهك
الذى ملا اركان عرشك وبقدرتك
التى قدرت بها على خلقك وبرحمتك
التى ضعف وسعت كل شيئ وبقوتك
التى ضعف لها كل قوى وبعزتك التى
ذل لها كل عزيز وبمشيتك التى
ضعف فيها كل كبير وبرسولك الذى
رحمت به العباد وهديت به الى سبل
الرشاد وبامير المؤمنين على بن ابى طالب
اول من امن برسولك وصدقه والذى
وفا بما عاهد عليه وتصدق وبالامام
البر والبحر على بن محمد عليه السلام الذى

وبنور

لغفر

97

كفيته حيلة الاعداء و اريتهم عجب
الاية اذ توسلوا به في الدعاء ان
تصلي على محمد و ال محمد فقد استشفعت
بهم اليك وقدمتهم امامي و بين
يدي حوائجي و ان تجعلني من كفايتك
في حرز حريز و من كلائك تحت عز
عزيز و توزعني شكر الائك و منك حارز
و توفقني للاعتراف بايا ديك و نعمك
يا ارحم الراحمين وساعت يازدهم بپنس از روزی که انتساب
ازحضرت امام حسن عسکری علیه السلام است و دعای آن
این است اللهم انك منزل القران و
خالق الانس و الجان و جاعل الشمس
و القمر حسبان المهتدي بالطول و الا ممتنان

والمبدئ للفضل والإحسان وضامن
الرزق لجميع الحيوان لك المحامد ولما
ومنك العوائد والمنائح واليك
يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح
وانت العالم بما تخفي الصدور والجوارح
اسألك بمحمد صلى الله عليه واله
رسولك الى الكافة وامينك المبعوث
بالرحمة والرأفة وبامير المؤمنين
علي ابن ابي طالب عليه السلم المفترض طاعته
على القريب والبعيد المؤيد بنصرك
في كل موقف مشهود وبالإمام الحسن
بن علي الذي طرح للسباع فخلصته
من مرابضها وامتحن بالدواب الصعاب

فذلل

98

تذلّلت له مراكبها ان تصلّي على محمّد
وآل محمّد فقد توسّلت بهم اليك
وقدّمتهم امامي وبين يدي حوائجي
وان ترحمني بالتوفيق لترك معا
صيك ما ابقيتني وتعينني على التمسك
بطاعتك ما احييتني وان تختم لي
بالخيرات اذا توفّيتني وتفضل علىّ
بالميسرة اذا حاسبتني وتهب لي
العفو اذا كاشفتني ولا تكلني الى
نفسي فاضلّ ولا تحوجني الى
غيرك فاذلّ ولا تحمّلني ما لا طاقة
لي به فاضعف ولا تبتليني بالاصبر
لي فاعجز واجزني على جميل عوايدك

عليه

عِنْدِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِسُوءِ عَمَلِي وَلَا

تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ وساعت دوازدهم از زردی آفتاب

تا غروب آفتاب از حضرت امام محمد مهدی صلوات الله

علیه است و دعای این ساعت اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ

السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَ

الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي

إِذَا سُمِّيَتْ عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ

يُسْرًا وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ

هَبَاءً مَنْثُورًا وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى السَّمَاءِ

تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَإِذَا هَبَطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ

الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَايِقُ وَإِذَا دُعِيَتْ

ها

99

بها الى الموتى انتشرت من اللحود واذا نو

بها المعدومات خرجت الى الوجود واذا

ذكرت على القلوب وجلت خشوعا واذا

قرعت الاسماع فاضت العيون دموعا

اسألك بمحمد رسولك المؤيد بالمعجزات

المبعوث بمحكم الآيات وبامير المؤمنين علي بن

ابي طالب الذي اخترته لمؤاخاته ووصيته

واصطفيته لمصافاته ومصاهرته

وبصاحب الزمان عليه السلم المهدي الذي

تجمع على طاعته الآراء المتفرقة وتؤلف به

بين الاهواء المختلفة وتستخلص به حقوق

اوليائك وتنتقم به من اعدائك

وتملأ به الارض عدلا واحسانا وتوسع

عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلاً وَامْتِنَانًا وَنَبِيِّ

الْحَقِّ إِلَى مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا وَتَرْجِعُ الَّذِينَ

عَلَى أَيْدِيهِ غَضًّا جَدِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ

قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ

تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ

وَالْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ

بِعِصْمَتِهِ وَالْاِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي

زُمْرَتِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ **باب چهارم** در بیان آنکه میل ...

رفتن آفتاب تا وقت خواب کجا باید آورد اول وقت

نماز مغرب بنا بر قول مشهور بر طرف شدن سرخی ...

و می کند وقت فضیلتش بر طرف شدن شفق مغرب وقت

ادای آن می کند تا آنکه از نصف اول شب مقدار گذاردن

نماز شام بگذارد و قدر گذاردن نماز خفتن بماند پس

وقت شام محقق شود در باب نکو اخته روایت کرده

ابن بابویه قدس سره در فقیه بسند صحیح از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلام از دعای نوح علیه السلام و انچه

روایت کرده کلینی بسند صحیح از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام و هر دو گذشت در دعاهای وقت

طلوع فجر بعد از آن دست بر سر بگذارد و بکشد

بر روی خود و ریش خود را بگیرد و بگوید احتطت

عَلٰى نَفْسِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي مِنْ غَائِبٍ

وَ شَاهِدٍ بِاللّٰهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ

الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ تا وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

واگر خواهی اکتفا از این هر سه دعا کن خصوصا
در وقت ترس از تنگی وقت **بعد از آن** باید ابتدا
بنماز مغرب زیرا که مستفاد از روایات اصحاب عصمت
سلام الله علیهم تنگی وقت مغرب است و روایات
درین بسیار است چنانکه روایت کرده کلینی درکس
سره بسند صحیح که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بدرستی
که جبرئیل علیه السلام آمد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله
برای هر نمازی بد و وقت غیر نماز مغرب که وقت
آن یکی است و وقت آن سقوط آفتاب است
و چنانکه روایت کرده محمد بن بابویه در مجلس دو
دویم امالی از ابی امامه که گفت شنیدم از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که می گفت کسی که تاخیر کند
نماز مغرب را تا آنکه ستاره‌ها مشتبک شوند یعنی ظاهر

شوند

شوند پس مرا از او بیزارم روایت کرده شیخ طوسی
قدس سره در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت شنیدم
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم میفرمود بدرستیکه جمعی مردم از
اصحاب ابی الخطاب شام میکنند بمغرب تا وقتی که
ستارها مشتبک شود یعنی ظاهر گردد پس آنحضرت
فرمود که من بری ام بخدا از کسی که این کار کند
عمدا و چنانکه روایت کرده‌ایم در تهذیب بسند صحیح
که فرمود بدرستیکه جبرئیل علیه السلم امر کرد حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله را بهمه نمازها پس گردانید از برای
هر نمازی دو وقت مگر مغرب که بدرستیکه گردانید
برای آن یکوقت و بتحقیق که وارد شده در روایات
معتبره بیرون رفتن وقت مغرب به بر طرف شدن
شفق و عمل کرده‌اند بآن جمعی از علماء ما و گردانیده‌اند میان

مغرب و برطرف شدن شفق را وقت مختار و مابعدش را
وقت اداء برای مضطر و اظهر مذهب متاخرین
که مغرب وقت فضیلتش است نه وقت اداش پس
حمد کرده میشود در روایت حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
را از کسی که تاخیر کند آن را تا اشتباک ستارها
بر کسی که اعتقاد کند که واجبست تاخیر مغرب تا آن
وقت و باید که ترک اذان و اقامت مغرب نکند زیرا
که جمعی از علمای ما مثل سید مرتضی قدس سره و ابن عقیل
و ابن جنید قائلند بواجب بودن اذان و اقامت
در نماز مغرب بلکه بعضی قائلند بانکه نماز مغرب باطلست
اگر کسی عمدا ترک اذان یا اقامت کند و فاصله کند
میان اذان و اقامت بسکته یا نشستنی زیرا
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که فرمود کسی بنشیند

میان اذان مغرب و اقامتش باشد مثل کسی در
نماز خود غلطیده در راه خدا و از آنکه میان اذان
مغرب و اقامتش باید گفت این دعا است اللّهم
اَسْئَلُكَ بِاِقبالِ لَيلِكَ وَ اِدبارِ نَهارِكَ
وَحُضورِ صَلَواتِكَ وَاَصواتِ دُعائِكَ
وَتَسبيحِ مَلائِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحمدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنتَ التَّوّابُ
الرَّحيمُ و اما فصل بکلام نهادن پس در کتب
فروع مذکور است و شیخ شهید قدس سره ذکر
نموده که حدیثی بر آن نیافته و بگو بعد از اقامت
آنچه در نمازهای دیگر گذشت بعد از آن افتتاح
نماز کن با آدابی که پیش گذشته بود و در رکعت اول
بعد از فاتحه سوره قدر یا تکاثر یا مثل اینها در کوتاهی

کزاره و در رکعت دوم توحید و بعد از سلام تعقیب کن
به تکبیر و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بعد از آن سه بار بگو
آنچه در فقیه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
کرده اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذي يَفعَلُ ما يَشاءُ وَلا يَفعَلُ
ما يَشاءُ غَيرُهُ بعد از آن برخیز بنافله مغرب
و اگر خواهی که در تعقیب تطویل کنی پس افضل آن است
که زیاده بر آنچه مذکور شده بعد از نافله بجا آوری
اگر وقت وسعت آن داشته وارد شده از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم اجمعین ترغیب بنافله
مغرب روایت است از حضرت امام جعفر
علیه السلام که فرمود بحارث بن مغیره که ترک مکن چهار رکعت را
بعد از مغرب در سفر و حضر اگر چه طلب کنند ترا
سواران و مکروه است سخن کردن میان مغرب و نافله
در

و در روایت خفاف از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
فرمود، کسی که بگذارد مغرب را و بعد از آن بر
تعقیب گذارد و سخن نگند تا آنکه دو رکعت نماز بگذارد
آن دو رکعت نوشته میشود برای او در علیین
پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته شود از برای
حجی مبرور یعنی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن
کردن میان چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت
آن روایت ابی الفوارس گفت نهی کرد مرا
امام جعفر صادق علیه السلم از آنکه حرف زنم میان چهار
رکعت [illegible] بعد از مغرب است و به آن استدلال کرده علامه
قدس سره در منتهی باین، و ریت بر کراهت سخن گفتن
میان مغرب و میان این چهار رکعت و موافق کرده
شیخ شهید قدس سره در ذکری بر بسته لالی و محقق

انچه در آنست و [illegible]ت این چهار رکعت فارغ
شدن از مغرب است و آخرش بر مذهب مشهور
بر طرف شدن شفق است و مزاحمت نمیرساند بان
نماز عشا خواه شروع در آنها کرده باشد و خواه نکرده
باشد و بعضی را مذهب آنست و گفته شده که
ممتد است وقتش تا انکه باقی ماند بعد از مغرب و بیش از
نصف شب مقدار اداء آن و میل کرده باین شیخ
شهید قدس سره در ذکری لیکن کلام علامه در منتهی
دلالت میکند بر اتفاق علماء ما بر انکه آخر وقتش
غایب شدن شفق است پس نباید عدول کرد از
مشهور و اگر وقتش فوت شود باید قضا کرد مثل
باقی سنتها حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده که خدا تبارک و تعالی

[illegible]

مباهات می‌کند به بنده‌ای که [illegible] نماز شب را بروز
میگوید ای فرشتهای من نظر کنید به بنده من
قضا میکند چیزیرا که من بر او در شب واجب نکرده‌ام
گواه میگیرم شمارا بدرستی که من او را آمرزیدم
روایت از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام در تفسیر
آیه والذین هم علی صلاتهم دائمون یعنی مداومت
میکنند بر نماز سنتی اگر فوت شود در شب قضا کنند
بروز و اگر فوت شود در روز قضا کند شب وباید
که رکعت اول ابتدا کند بهفت تکبیر با شش دعا که
گذشته و بخواند در آن بعد از الحمد قل هو الله احد
سه بار و در رکعت دوم انا انزلناه فی لیلة القدر
و اگر خواهد در رکعت اول قل یا ایها الکافرون
بخواند و در دوم قل هو الله احد و اگر الحمد تنها بخواند

کاندراست چنانکه در [illegible] ستیها وباید که قرائت را دران
بلند کرداند و در جمیع نافلات بعد از فراغ از دو رکعت
اول بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى وَلَا تُرٰى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ
الْاَعْلٰى ٢ اِلَيْكَ الرُّجْعٰى وَلِلْمُنْتَهٰى وَاَنَّ لَكَ
الْمَمَاتَ وَالْمَحْيٰى وَاَنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى
اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى
وَنَاْتِيَ بِمَا عَنْهُ تَنْهٰى اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْتَعِيْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ
بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ
بِعِزَّتِكَ وَاَنْ تَجْعَلَ اَوْسَعَ رِزْقِيْ عِنْدَ كِبَرِ
سِنِّيْ وَاَحْسَنَ عَمَلِيْ عِنْدَ اقْتِرَابِ اَجَلِيْ وَ
اَطِلْ فِيْ طَاعَتِكَ وَمَا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظِيْ

وَاَنَّ ٢

عندك ويزلف لديك عمري واحسن
في جميع احوالي وامورى ومعرفتي ولا
تكلني الى احد من خلقك وتطول على
بقضاء جميع حوائجى للدنيا والاخرة
وابدا بوالدتي وولدي وجميع اخوانى المؤ
منين في جميع ما سألتك لنفسى برحمتك
يا ارحم الراحمين تمة وبعد از فراغ از مشغله
دو ركعت اول با فلا ثنا مغرب شروع كن در دو ركعت
آوش و در ركعت اول آنها كو انه بعد از الحمد اول سوره
حد. بسم الله الرحمن الرحيم سبح لله ما في السموات
وما في الارض وهو العزيز الحكيم له ملك
السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل
شىء قدير هو الاول والآخر والظاهر والباطن

هو وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق السموات
والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما
ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم
اينما كنتم والله بما تعملون بصير له ملك
السموات والارض والى الله ترجع الامور
يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل
وهو عليم بذات الصدور وخواند در ركعت
دويم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن
على جبل لرأيته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس
لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

هو

هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر
سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له
ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم
و در سجده آخر رکعت دوم هفت بار بگو اللهم انی
اسئلک بوجهک الکریم و اسمک العظیم
و ملکک القدیم ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تغفر لی ذنبی العظیم انه لا یغفر الذنوب
العظیم الا العظیم پس چون فارغ شوی از این چهار
رکعت باقی تعقیب شام را تمام کن و گواه از آنچه در
تعقیب صبح مذکور شد [illegible] تسبیح [illegible] خوانده
شود و [illegible] اگر وسعت داشته باشد که آن تعقیب نافله

من ابن دعا بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل
على محمد البشير النذير السراج المنير الطهر
الطاهر خاتم انبيائك وسيد اصفيائك
وخالص اخلائك ذي المقام المحمود والمنهل
المشهود والحوض المورود اللهم صل على
محمد وآل محمد كما بلغ رسالتك وجاهد في
سبيلك ونصح لامته حتى اتاه اليقين
وصل على آله الطاهرين الاخيار الاتقياء
الابرار الذين انتجبتهم لنفسك واصطفيتهم
من خلقك وامنتهم على وحيك و
خزان علمك وتراجمة وحيك واعلام
نورك وحفظة سرك واذهبت عنهم
الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انت نا

جنبهم

بحبهم واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم
ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم
عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن
المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون
الحمد لله الذي اذهب النهار بقدرته
وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا جعله
لباسا وسكنا وجعل الليل والنهار آيتين
ليعلم بهما عدد السنين والحساب الحمد لله
على اقبال الليل وادبار النهار اللهم صل
على محمد وآل محمد واصلح لي ديني الذي
هو عصمة امري واصلح لي آخرتي التي
اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل
خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء

وَاكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ
أَوْلِيَاءَكَ وَحِزْبَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا وَوَفِّقْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي
يَا كَرِيمُ أَمْسَيْنَا وَالْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ
وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ
فَاعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ وَلَا تُرِهِمَا جُرْأَةً مِنِّي
عَلَى مَعَاصِيكَ وَلَا رُكُوبًا لِمَحَارِمِكَ وَاجْعَلْ
عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي مَشْكُورًا وَسَهِّلْ لِي
مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَاقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى
وَآمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلَا
تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ
وَقُوَّتِكَ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ
أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ اللّٰهُمَّ

صَلِّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ
حَتَّى أَعِيَ وَحْيَكَ وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ وَأَجْتَنِبَ
نَهْيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا
تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ وَلَا
تُحَرِّمْنِي عَفْوَكَ وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَائَكَ
وَأُعَادِي أَعْدَائَكَ وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ
وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالتَّصْدِيقَ
بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ
وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ
وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا
يُسْمَعُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرَكِ
الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَجَهْدِ الْبَلَاءِ

وعمل لا يرضى واعوذ بك من الفقر والكفر
والقلة وضيق الصدر وسوء الامر ومن
بلاء ليس لي صبر ومن داء العضال وغلبة
الرجال وخيبة المنقلب وسوء المنظر في
النفس والاهل والمال والدين والولد
وعند معاينة ملك الموت عليه السلام
واعوذ بالله من انسان سوء وجار
سوء وقرين سوء وساعة سوء ومن
شر ما يلج في الارض وما يخرج منها وما
ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن
شر طوارق الليل والنهار الا طارقا
يطرق بخير ومن شر كل دابة ربي
آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلٰوةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
كِتَابًا مَوْقُوتًا و بعد از آن اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ
فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْاِخْلَاصَ
فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي
رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي

بعد از آن دو سجدهٔ شکر کن و بگو در آنها و بعد از آنها
اگر خواهی و اقل آنچه کافی است آنکه در هر یک سه بار
بگوی شکرا و در بعضی روایات سجدهٔ شکر را بعد از نافلهٔ
مغرب است و در بعضی پیش از اینها و بعد از اینها دو رکعت
ساعت غفلت بجا آرد در رکعت اول بعد از الحمد این را

وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ
نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ
نُنْجِى الْمُؤْمِنِينَ و در رکعت دوم وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ
الْغَيْبِ الَّتِى لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِى
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِى كِتَابٍ مُبِينٍ
بعد از ان در قنوت بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ
بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِى لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ
تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِى كَذَا
وكذا بعد از ان بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِىُّ نِعْمَتِى وَالْقَادِرُ

علی

عَلَى طَلِبَتِي تَعَلَّمُ حَاجَتِي فَأَسْئَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عليهم السّلم لَمَّا قَضَيْتَهَا
لی و حاجت خود طلب کن که روایت کرده است
بن سالم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم که هر که این
دو رکعت را بگذارد میان شام و خفتن و دعا کند
باین دعا و طلبه از خدای تعالی حاجتش را عطا کند
باو آنچه سوال کند بدانکه مشهور است نامیدن این دو رکعت
به دو رکعت غفیله و دو رکعت غفلت و دو رکعت ساعت
غفلت و وجهش آن است که ساعتی که این دو رکعت
در آن بجا می آرند که میان شام و خفتن است آن را
ساعت غفلت می نامند و روایت کرده . در فقیه از حضرت
امام محمد باقر علیه السلم فرمود که ابلیس متفرق میسازد لشکر
شبش را از وقت غایب شدن آفتاب تا غایب شدن

شفق و مشرق بیاز دلشکرد و زرا از وقت طلوع فجر
تا طلوع آفتاب دو مود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
میفرمود که بسیار کنید ذکر خدای تعالی در این دو ساعت
و پناه برید که ای تعالی از شر ابلیس و لشکرهاش و پناه
برید که او کوچکهای در او درین دو ساعت بدرستی
که این دو ساعت ساعتهای غفلتند روایت کرده
شیخ طوسی در تهذیب از امام جعفر صادق علیه السلم فرموده
که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بجا آرید نافله در
ساعت غفلت اگرچه دو رکعت خفیف باشد که آنها
باعث دار کرامتند که بهشت باشد گفته شد یا رسول الله
وچه چیز است ساعت غفلت فرمود که میان مغرب و عشا
و مخفی نماند که اینجا مراد میان وقت مغرب است و وقت
عشا که میان غروب آفتاب و برطرف شدن شفق است چنانکه

ورا

مرسند است بآن حدیث که گذشته نه مابین الصلوتین
ودر حدیث صحیح مذکور است که اول وقت خفتن غایب
شدن شفق است چنانکه داخل آمده و ازاین مفهوم میشود
که وقت ادای نماز غفلت میان غروب و ذهاب
شفق است پس چون این وقت بدر رود قضا میشود
فصل در وقت غفلت دو رکعت دیگر نماز غفلت
بطریق دیگر در اول بعد از حمد سیزده بار سوره اذا زلزال
و در دویم بعد از الحمد پانزده بار قل هو الله احد روایت
کرد شیخ طوسی قدس سره از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که کسی بگذارد
این نماز را در هر شب مزاحمت کند بانی در بهشت
وندانند ثواب آنرا مگر خدای تعالی فصل واول وقت
نماز خفتن فارغ شدن است از نماز شام بر مذهب مشهور

دی کند وقت فضیلتش تا ثلث شب و وقت اداش تا
چهار رکعت مانده به نصف شب و باید که بعد از زوال هر دو رکعت
غفیله آنکه تفحص کنند شفق مغرب نمایی پس اگر شفق با
باشد شروع در نماز خفتن نکند تا آنکه شفق زایل شود زیرا
که مذهب شیخ مفید و شیخ طوسی قدس سرهما آن است که
داخل نمیشود وقت عشا مگر بعد از غایب شدن شفق
روایت کرده در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم که اول وقت نماز خفتن بر طرف شدن
سرخی است و این محمول است بر آنکه سنت است تاخیر نماز
مغرب تا بر طرف شدن شفق پس چون شفق زایل شود
باید که مبادرت کنی باذان و اقامت با دعاها که پیش
گذشت و بخوان در رکعت اول سوره اعلی یا سوره والشمس
یا آنچه مثل اینها باشد در دو نماز چنانکه روایت کرده

در تهذیب

در تهذیب بسند صحیح در رکعت دوم سوره قل هو الله
احد مثل باقی نمازها بعد از ان تکبیر بگو و در قنوت بگو ان
انچه گذشت در باب اول وانچه می اید در باب ششم
وطول ده قنوت را وتعقیب را زیرا که وقت وسیع است
پس بگو ان هر تعقیبی که مشترک است میان پنج نماز وانچه
مشترک است میان صباح وشام بعد از آن انچه مخصوص است
بث پس بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا
تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا
تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ وَلَا تُحْلِلْ عَلَيْنَا غَضَبَكَ
وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جِوَارِكَ وَلَا تَنْقُصْنَا مِنْ
رَحْمَتِكَ وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا
عَافِيَتَكَ وَاَصْلِحْ لَنَا مَا اَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ

فضلك المبارك الطيب الحسن الجميل ولا تغير
ما بنا من نعمتك ولا تؤيسنا من روحك
ولا تهنا بعد كرامتك ولا تضلنا بعد
اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة
انك انت الوهاب بعد از ان الحمد بخوان هر يكبار
وتوحيد ومعوذتين ده بار بعد از ان ده بار بكو
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
وده بار اللهم صل على محمد وآل محمد پس بكو اللهم
افتح لي ابواب رحمتك واسبغ علي من حلال
رزقك ومتعني بالعافية ما ابقيتني في
سمعي وبصري وجميع جوارحي اللهم ما بنا
من نعمة فمنك لا اله الا انت سبحانك
استغفرك واتوب اليك يا ارحم الراحمين

يس

113

پس بگو واین دعای طلب رزق است اللّٰهمّ انّه
لیس لی علم بموضع رزقی وانّما اطلبه
بخطرات تخطر علی قلبی فاجول فی طلبه
البلدان وانا فیما اطلب کالحیران
لا ادری أفی سهل هو ام فی ارض حزن ام
فی سماءٍ ام فی برّ ام فی بحرٍ وعلی یدی من ومن
قبل من وقد علمت انّ علمه عندك
واسبابه بیدك فانت الّذی تقسمه بلطفك
وتسبّبه برحمتك اللّٰهمّ فصلّ علی محمّد وآل
محمّد واجعل یا ربّ رزقك لی واسعا ومطلبه
سهلا ومأخذه قریبا ولا تعنّنی بطلب
ما لم تقدّر لی فیه رزقا فانّك غنیّ عن
عذابی وانا فقیر الی رحمتك فصلّ علی محمّد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلَى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ
ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ بس بو بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلوٰةً تُبَلِّغُنَا
بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَتُنْجِينَا بِهَا مِنْ
سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتّٰى اَتَّبِعَهُ وَاَرِنِي الْبَاطِلَ
بَاطِلًا حَتّٰى اَجْتَنِبَهُ وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَا
بِهًا فَاَتَّبِعَ هَوَايَ بِغَيْرِ هُدًى مِنْكَ وَاجْعَلْ هَوَايَ
تَبَعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ لِنَفْسِكَ
رِضَاءً مِنْ نَفْسِي وَاهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ
مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اِلٰى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ

وتولني

وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما أعطيت
وقني شر ما قضيت إنك تقضي ولا يقضى
عليك وتجير ولا يجار عليك تمرتو رك
اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك
فعفوت فلك الحمد وبسطت يدك
فأعطيت فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر
وتعصى ربنا فتغفر وتبارك كما أثنيت
على نفسك بالكرم والجود ولبيك و
سعديك تباركت وتعاليت لا ملجأ ولا
منجا منك إلا إليك لا إله إلا أنت سبحانك
اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي
فاغفر لي وارحمني وأنت أرحم الراحمين
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين

لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت
سوء وظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك
عملت سوء وظلمت نفسي فتب علي انك انت
التواب الرحيم لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين سبحان ربك رب العزة
عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله
رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
وثبتني منك في عافية واسترني منك
في عافية وارزقني تمام العافية ودوام
العافية والشكر على العافية اللهم
اني استودعك نفسي وديني واهلي ومالي
وولدي واهل حزانتي وكل نعمة انعمت

115

بها علىّ و تنعم فصلّ على محمد و آل محمد
و اجعلني في كنفك و امنك و كلائك
و حفظك و حياطتك و كفايتك و
سترك و ذمتك و جوارك و دائمك
يا من لا يضيع و دائعه و لا يخيب سائله
و لا ينفد ما عنده اني ادرأبك في نحور
اعدائي فكد من كادني و بغي علىّ اللهم
من ارادنا فاردده و من كادنا فكده
و من نصب لنا عداوة فخذه يا رب
اخذ عزيز مقتدر اللهم صل على محمد و آل
محمد و اصرف عني البليات و الآفات و الها هادم
اللذات و لزوم النقم و زوال النعم و عواقب المستقيم
الظلم ما انهى به الى غضبك و ما عتت

بِهِ الرِّيحُ عَنْ اَمْرِكَ وَمَا اَعْلَمُ وَمَا لَا اَعْلَ
وَمَا اَخَافُ وَمَا لَا اَخَافُ وَمَا اَحْذَرُ
مَا
وَلَا اَحْذَرُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ اَللّٰهُمَّ صَ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ هَمِّي وَنَفِّسْ
غَمِّي وَسَلِّ حُزْنِي وَاكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِ
وَقَلَّتْ بِهِ حِيلَتِي وَضَعُفَتْ فِيهِ قُوَّتِي
وَعَجَزَتْ عَنْهُ طَاقَتِي وَرَدَّتْنِي فِيهِ الضَّرُورَةُ
عِنْدَ اِنْقِطَاعِ الْاٰمَالِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ
مِنَ الْمَخْلُوقِينَ اِلَيْكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَاكْفِنِيهِ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى لَا يَبْ
شَيْءٌ يَا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ نَبِيِّكَ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَالتَّوْبَةَ وَالْخُشُو

اللهم

اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و ولدی
و اخوانی و استکفیک ما اهمنی و ما لم یهمنی
و اسئلک بجیرتک من خلقک الذی لا
یمن به سواک یا کریم الحمد لله الذی قضی
عنی صلوة کانت علی المؤمنین کتابا مو
قوتا بعد ازان در سجده شکر کن و بگو در سجده اول
اللهم انت انقطع الرجاء الا منک یا احد
من لا احد له یا احد من لا احد له غیرک
یا من لا یزیده کثرة العطاء الا کرما وجودا
یا من لا یزیده کثرة العطاء الا کرما وجودا
صل علی محمد و آل محمد اهل بیته صل علی محمد و
وافعل بی کذا و کذا پس روی راست بر زمین بگذارد
همین دعا خوان . و همین نحو بر جانب ثانی

بگذارد و همین دعا بخواند پس بگوید این از دعاهائیست
که برای رفع مهمات یا سابغ النعم یا دافع
النقم یا باری النسم یا مجلی الهمم یا
مغشی الظلم یا کاشف الضر و الالم یا ذا
الجود و الکرم یا سامع کل صوت
یا مدرک کل فوت یا محیی العظام و هی
رمیم و منشئها بعد الموت صل علی محمد
و آل محمد و اجعل لی من امری فرجا و
مخرجا یا ذا الجلال و الاکرام پس دو رکعت نماز بجای
آرد نشسته و جایز است ایستاده و مشهور آن است
بعضی از علما ذکر کرده که نشستن در این دو رکعت
افضل است از ایستادن و در تهذیب روایت کرده
بسند صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که

دور

دو رکعت است بعد از عشا که مردم میگذارد آنها را
نشسته و من میگذارم ایستاده و عمل ما بر مشهور است
و اگر شد وقت این نماز تا آنکه عشا باشد پس بعد از نصف شب
قضا است وسنت است که در اول این دو رکعت هشت تکبیر بگوید
با سه دعا که مذکور شد و بخواند در رکعت اول سوره ملک و
و در دوم سوره توحید و بعد از فراغ که ان هر چه خواهی

باب پنجم در بیان آنکه نماز وقت فوات

نصف شب بجا باید آورد چون خواهی که ابتدا اول طهارت
ساز روایت کرده در فقیه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده کسی که طهارت سازد و بخوابد در فراش خود و آتش
چون مسجدش باشد علما ما قدس سرهم ذکر کرده اند که با
قدرت بر آب تیمم جایز است برای خوابیدن همچو تیمم برای نماز
جنابت سنت است دعو خواب خواندن سوره توحید

وجهه روایت کرده رئیس المحدثین بابویه در فقیه بسند صحیح
وارد شده باز از اصحاب عصمت سلام الله علیهم در ان
سوره توحید صد بار همچنانکه روایت کرده ثقة الاسلام
کلینی در کافی بطریق صحیح از ابا اسامه گفت شنیدم که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم میگفت کسی که بخواند قل هو الله احد را
صد بار در محلی که بخوابگاه میرود آمرزیده شود گناهان پنجاه
ساله گذشته اش و هم روایت کرده در کافی
از آنحضرت که گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود
کسی که بخواند الهکم التکاثر نزد خوابیدن نگاه داشته
شود از فتنه قبر و باید که چون بپهلو بر می نهی بخوانی این
دعا را که روایت کرده در فقیه بسند صحیح از محمد بن مسلم
که گفت بمن گفت حضرت امام محمد باقر علیه السلم که هر گاه رو
بجانب راست بر زمین گذاری بگو بسم الله

اللهم

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْكَ وَ وَجَّهْتُ وَفَوَّضْتُ
اَمْری اِلَیْكَ وَاَلْجَاْتُ ظَهْری اِلَیْكَ وَتَوَ
كَّلْتُ عَلَیْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً اِلَیْكَ
لا مَنْجا وَلا مَلْجا مِنْكَ اِلّا اِلَیْكَ آمَنْتُ
بِكِتابِكَ الَّذی اَنْزَلْتَ وَبِرَسولِكَ الَّذی
اَرْسَلْتَ پس تسبیح کن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
این است آخر حدیث بدانکه سنت است تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
در دو جا بعد از نماز و وقت خواب و ظاهر روایتی
که دال است بر دوم تقاضا می‌کند تقدیم سبحان الله را
بر الحمد لله و ظاهر روایت صحیحه که مطلق است تقاضا می‌کند
تاخیرش را از الحمد لله و با که نیست ببسط کلام در این مقام
اگرچه خارج است از حد کتاب اختلاف علما در این باب
ناشی [illegible] شده اشتباه [illegible] که صحیحه محمد بن سنان از حضرت

امام جعفر صادق علیه السلم صریح است در ابتدا به تکبیر و مشهور
تحمید است بدو معمول در تعقیبها تقدیم حمد است بر تسبیح و در بعض المحدثین
و پدرش و این چند حدیث قائلند بتأخیرش از تسبیح
و در روایات از ائمه هدی علیهم السلم خالی از اختلاف نیست
و در روایت معتبره که ظاهرش تقدیم تحمید است اطلاقش شامل
آنچه بعد از نماز باشد و آنچه وقت خواب و آن این است
که روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب
بسند صحیح از محمد بن عذافر گفت داخل شدم با پدرم بر حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم پس سوال کرد پدرم از آنحضرت
از تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم پس آنحضرت فرمود الله اکبر
تا شمرد سی و چهار بار پس گفت الحمد لله تا رسید به شصت و هفت و
پس گفت سبحان الله تا رسید بصد شمرد آنحضرت آنها را
به دستش همه را یک جمله و همین روایت که ظاهرش تقدیم تسبیح

بر تحمید

رتحمید مخصوص است با آنچه در وقت خواب است و آن
این است که روایت کرده رئیس المحدثین در فقیه که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام گفت بمردی از بنی سعد آیا حدیث
کنم شما را از من و از فاطمه که نزد من بود فاطمه پس چندان
کشید آب بمشک که اثر کرد در سینه اش یعنی نشان آن
در سینه ایشان ماند و چندان آرد کرد بدست آسیا تا آنکه سحر کرد
دستهایش و چندان خانه جاروب کرد که رختهایش
غبار آلوده گشت و چندان آتش کرد در زیر دیگ که
چرکین و سیاه شد رختهایش پس رسید باو از این
ضرری سخت پس گفتم من باو که اگر بروی پیش پدرت
و سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند ترا سختی
و شدت این کار را پس آنحضرت آمد پیش حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله پس یافت بنزد آنحضرت جوانان را پس حیا کرد

ورگشت پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله دانست که حضرت
فاطمه علیها السلام برای حاجتی آمده پس صباح پیش ما آمد و ما در
لحاف بودیم پس گفت السلام علیکم پس ما ساکت شدیم
و شرم کردیم چون در لحاف بودیم پس دیگر گفت السلام
علیکم پس ترسیدیم اگر رد سلام نکنیم برگردد و عادت
آنحضرت آن بود که سه بار سلام میکرد و اگر اذن میدادند
والا برمیگشت پس گفتم علیکم السلام یا رسول الله داخل
شو پس آنحضرت داخل شد و نشست پیش سر ما و گفت ای
فاطمه چه بود حاجت تو نزد محمد دیروز پس ترسیدم که
اگر جواب نگویم برخیزد پس آوردم سرم را گفتم والله
من خبر دهم ترا یا رسول الله بدرستی که فاطمه آب کشید
بمشک تا آنکه اثر آن در سینه اش ماند و دست آس کرد
تا دستهایش آبله کرد و خانه را جاروب کرد تا جامه هایش

بل

120

[غ]بار آلود و خاک آلود بشد و زیر دیگ آتش کرد چنانکه
[ر]ختهایش چرکین و سیاه شد. پس من گفتم باو که اگر بیایی
[پی]ش پیغمبر پس سؤال کنی از او خادمی که کفایت کند ترا
[ز] زحمتی آنچه تو در آنی از این کار پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
[فر]مود آیا پس تعلیم نکنم شما را چیزی که بهتر است برای شما
تکبیر ۳۴
از خادم هرگاه که بخوابگاه خود شدید تکبیر بگوئید سی و چهار
بار و تسبیح کنید سی و سه و تحمید بگوئید سی و سه پس سر بیرون
آورد فاطمه علیها السلام سر را و گفت راضی شدم از خدا
و رسولش و مخفی نماند که این روایت غیر صریح است در
تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند
و از برای مطلق جمع است بر اصح چنانکه در اصول مسلم است
بلی ظاهر تقدیم لفظی تقاضای این میکند و همچنین روایت
دیگر نیز صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ

ثم در اینجا از کلام راویست پس شکی نماند مگر ظاهر تقدیم لفظ

تنافی میانه این دو روایت بحسب ظاهر است پس باید

کرد دوم را بر اول بجهت صحیح بودن سند اول و تقویت

یافتن آن ببعضی روایات ضعیفه چنانکه روایت کرد ابو

بصیر که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم گفت در بیان تسبیح

فاطمه زهرا علیها السلم ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار بعد از آن

بتحمید سی و سه بعد از آن بتسبیح سی و سه و این روایت

صحیح است در تقدیم الحمد لله پس این مؤید ظاهر لفظ

روایت صحیحه است پس حمل باید کرد روایت دیگر بخلاف

ظاهر لفظش تا منافات در میان روایات برطرف شود

اگر کسی گوید که ممکن است عمل بظاهر هر دو روایت باینکه

حمل کنیم روایت اول را بر آنکه بعد از نماز است و دوم را

بر آنکه وقت خواب پس حاجت نیست بگردانیدن روایت

دادم از ظاهرش پس وجه عدول از این حیثیت گوییم از آنکه
قایل بفرق میان این دو حال نیافتیم بلکه آنچه ظاهر میشود
بعد از تتبع تام آن است که هر یک از فریقین که قائلند
بتقدیم تحمید و تاخیرش قائلند بآن مطلقا خواه بعد از نماز
و خواه وقت خواب باشد پس قائل شدن بتفصیل مذکور
احداث قول ثالث است در مقابل اجماع مرکب اما آنچه
گفته میشود که احداث قول ثالث وقتی ممنوع است که لازم
آید از آن برطرف شدن آنچه امت بر آن اجماع
کرده اند چنانکه گفته اند در کنیز باکره که مشتری
وطی کرده باشد و او را عیب یابد پس رد او و ارش
بکارت نه زیرا که علما اتفاق کرده اند بر آنکه پس دادن
کنیز مذکور بدون ارش بکارت جایز نیست بخلاف آنچه
نه باعث رفع ما اجمع علیه الامة نباشد مثل قایل شدن

بفسخ نکاح بسبب بعضی از عیبها نه بسبب بعضی دیگر زیرا
که هر یک از فریقین موافقند در یک قسم چنانکه در بیع نیز
مانعی از آن نیست مثل قول بصحت بیع غایب و عدم
قتل مسلم بذمی بعد از آنکه یک از دو فریق قائلند
بقول ثانی و نقیض اول وجه دیگر بعکس بر جواز این
آن است که این تفصیل مخالف است بر مذهب ایشان
اما بر مذهب ما که قائلیم بانکه حجت بودن اجماع بسبب آنست
که کاشف است از داخل بودن معصوم پس جایز نیست
زیرا که ممکن است درین صورت مذکور حاصل است اگرچه
موافق باشد قائل با هر یک از فریقین در قسمی و همچنین
در بیع و قتل فصل و باید که خواب بیند نور جانب راست
باشد زیرا که این خواب متوسل است چنانکه روایت
کرده کلینی در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق گفت گفتم

[illegible]

بابا محمد یعنی حضرت امام حسن عسکری علیه السلم فدایت شوم که
سؤال کنم از پدرت علیه السلم از ان پس میسر نشد مرا
ان پس انحضرت فرمود که چه حاجت است ای احمد پس من گفتم
روایت کرده اند ما را از پدران تو علیهم السلم که بدرستی
که هر آینه سپران بر قفاست و خواب مومنین بر جانب
راستشان و خواب منافقین بر جانب چپ و خواب شیاطین
بر روهای ایشان پس انحضرت فرمود بلی انچنین است پس
گفتم یا سیدی بدرستی که من جهد میکنم که بر جانب راست
بخوابم پس مرا ممکن نمیشود و خوابم نمی آید بر جانب راست
پس ساعتی ساکت گشت ای احمد نزدیک شو بمن پس
نزدیک شدم پس گفت دستت را داخل ساز در زیر جامها
پس من داخل ساختم پس انحضرت بیرون آورد دستش را
از زیر جامهایش کشید دست راستش را بر جانب چپ

من و دست چپش را بر جانب راست من سه بار پس
احمد گفت دیگر نتوانستم که کواهم بر جانب چپ از آن زمان
که حضرت چنین کردند و هرگز خواب نمی آید مرا بر جانب
و از دعاهای که نزد پهلو بر زمین نهادن باید خواند
این است که روایت کرده کلینی در کافی بطریق صحیح که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که کسی که سه بار
بگوید در وقت خوابیدنش اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بیرون رود از گناهان چون
روزی که مادرش او را زاییده باشد و در روایت دیگر
در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که کسی که بخواند

این

این آیه را وقت خواب بخواند قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ
يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ
رَبِّهِ أَحَدًا درحفظ شده . و هویدا شود برای او
نوری از مسجد الحرام در میان آن نور فرشتها باشند
که استغفار کنند برای او و هم در کتاب مذکور است که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده هیچ بنده نیست
که بخواند آخر الکهف را در وقتی که خواهد مگر آنکه بیدار
شود در آن ساعتی که خواهد مصنف کتاب ادام الله ظله
میفرماید که این از اسرار عجیبست و مجربست که شکی
در آن نیست و مراد بآخر الکهف همین است که
پیش از این مذکور شد و اگر از عقرب و امثال آن ترسد
پس بگوید آنچه در کتاب مذکور روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام

فرمود که کسی که بخواند این کلمات را پس من ضامنم که نرسد باو

عقرب و نه گزنده تا صباح کند اعوذ بکلمات الله التامات

التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ

و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو آخذ

بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و روایت

کرده در کتاب مذکور برای دفع احتلام که حضرت امام

جعفر صادق علیه السلم فرموده که هرگاه از جنابت ترسی

بگو اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام و من شر

الاحلام و من ان یتلاعب بی الشیطان

فی الیقظة و المنام و هم روایت کرده در کتاب

مذکور برای ایمن بودن از فرود آمدن خانه که حضرت

امام رضا علیه السلم الف تحیة و ثنا فرموده نگوید هیچ کس هرگاه

خواهد که بخوابد ان الله یمسک السموات و الارض

ان

ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد
من بعده انه كان حليما غفورا پس خانه
بر سرش فرود آید یعنی چون این را کسی بگوید خانه بر او
فرود نیاید و هم در کتاب مذکور روایت کرده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله هر گاه در آمدی به بستر خواب گفتی باسمك
اللهم احيا و باسمك اموت و چون بیدار شدی
گفتی الحمد لله الذي احياني بعد ما اماتني
واليه النشور و هم در آن روایت کرده که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرموده هر گاه بشنوی
آواز خروس پس بگو سبوح قدوس رب الملائكة
والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت
سبحانك و بحمدك عملت سوء و ظلمت نفسي فاغفر لي انه
لا يغفر الذنوب الا انت و باید که وقت خوابیدن

سرمه بکشد روایت شده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله
می کشیده اند که سرمه سنگ سیاه است در چشم هر کاهی
میکرد که در وقت خواب رود و در روایت است
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی را که
ضعف در چشمش باشد باید که بکشد در چشم هفت میل در
محل خواب از سرمه سنگ سیاه. و چهار در چشم راست
وسه در چشم چپ و هم از انجا انحضرت است که سرمه کشیدن
در وقت خواب امان است از آبی که در چشم نازل
شود در روایت است که نزد سرمه کشیدن این دعا
بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
اَنْ تُصَلِّی عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ
النُّوْرَ فی بَصَرِی وَ الْبَصِیْرَةَ فی دِیْنی وَ الْیَقینَ
فی قَلْبی وَ الْاِخْلاصَ فی عَمَلی وَ السَّلامَةَ فی

نفسی

نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابدا
ما ابقیتنی و روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن که
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمود هر گاه ببیند شخصی در
خواب چیزی را که کاره آن باشد پس باید که بگردد
الی جانبی که بر آن خوابیده بود و باید که بگوید
انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین
آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله
پس بگوید عذت بما عاذت به ملئکة
الله المقربون وانبیاؤه المرسلون
وعباده الصالحون من شر ما رایت
ومن شر الشیطان الرجیم **باب ششم**
در بیان آنچه از نصف شب تا طلوع فجر صادق بجا
باید آورد و در آن مقدمه ایست و چند فصل بدانکه

احادیث بسیار از اصحاب عصمت سلام الله علیهم
وارد شده، در ترغیب بر خواستن شب و بیان
فضیلت آن روایت کرده. کلینی در کافی بسند صحیح
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده، شرف مؤمن
برخواستن اوست در شب و عزت او استغنای
اوست از مردم و هم در آن کتاب روایت کرده
بسند حسن از عبد الله بن سنان گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که میگفت سه چیز است
که آنها فخر مؤمن است و زینتش در دنیا و آخرت نماز
در آخر شب و مأیوس بودنش از آنچه در دست مردم است
و دوست داشتن او امامی را از آل محمد صلی الله علیه و آله
و هم در کافی روایت کرده از آنحضرت علیه السلام
بسند حسن در تفسیر قول خدای تعالی وَ کانُوا قَلِیلاً

کی

مِنَ اللَّیْلِ مَا یَهْجَعُونَ فرموده که آنجماعت را
کم شبی می‌رسید که در آن نمی‌خوابیدند در آنها
و هم در کافی روایت هست که شخصی آمد نزد حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام پس گفت من محروم شده‌ام از نماز
شب آنحضرت فرمود که تو مردی که گناهان ترا
مقید ساخته اند و روایت کرده شیخ طوسی در
تهذیب بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
در بیان إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ
قِیلاً گفت مراد برخاستن اوست از فراشش
که اراده نکند به آن مگر خدای تعالی را و هم در تهذیب
روایت کرده بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام که فرمود
هیچ بنده نیست مگر که بیدار کرده می‌شود در هر شب
یکبار یا دو بار پس اگر برخاست همان است والا

شیطان پاهایش را از هم دور میکند پس بول میکند
در گوشش آیا نمی‌بینید یکی از شما که چون برخواست
و بان بیداری بر گرانست بر میخیزد ثقیل و کاهل
شده، و هم در تهذیب روایت کرده بسند صحیح از
عمر بن یزید که او شنید، از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام که میفرمود، در هر شب ساعتی است که موافق
نکرده آن ساعت را بنده مسلم که نماز گذارد و دعا
طلب کند از خدای تعالی در آن ساعت مگر که خدا
مستجاب کند برای او در هر شب گفتم اصلحک الله
پس چه ساعت است از شب گفت هرگاه بگذرد نصف
شب تا ثلث باقی و روایت کرده رئیس المحدثین
در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که سؤال
کرد، از امام جعفر صادق علیه السلام از قول خدای تعالی

بکام

سیماهم فی وجوههم من اثر السجود آنحضرت فرمود
که مراد بیداریست در شب در نماز و در روایات از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم در ترغیب ثواب
نماز شب بسیار است فصل چون بیدار شوی از خواب
اول کاری که باید آورد سجده ایست برای خدای تعالی
روایت است که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون از
خواب بیدار شدی سجده کردی و چون سجده کنی
باز از سجده برداری بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
اَحْیَانِی بَعْدَ مَا اَمَاتَنِی وَ اِلَیْهِ النُّشُورُ
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ
وَ اَعْبُدَهُ و روایت کرده کلینی در کافی بسند حسن
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود هرگاه شب
برخیزی پس نظر کن باطراف آسمان و بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا

يواري عنك ليل ساج ولا سماء ذات ابراج
ولا ارض ذات مهاد ولا ظلمات
بعضها فوق بعض ولا بحر لجي تدلج بين
يدي المدلج من خلقك تعلم خائنة
الاعين وما تخفي الصدور غارت النجوم
ونامت العيون وانت الحي القيوم لا
تاخذك سنة ولا نوم سبحان الله
رب العالمين واله المرسلين والحمد لله
رب العالمين سه بار آنگاه این پنج آیه از آل
عمران ان في خلق السموات والارض واختلاف
الليل والنهار لايات لاولي الالباب
الذين يذكرون الله قياما وقعودا
وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات

والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا
سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك
من تدخل النار فقد اخزيته وما
للظالمين من انصار ربنا اننا سمعنا
مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم
فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا
سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا
ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم
القيمة انك لا تخلف الميعاد فصل

وقت نماز شب بعد از نصف شب هست و از هم
زوال میکوشید روایت کرده رئیس المحدثین در
فقیه که عمر بن حنظله سوال کرد از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم و گفت که زوال روز را بروز میدانیم لیکن چنین

بدانیم در شب پس آنحضرت فرمود که شب را هم زوالست
همچو زوال آفتاب پس گفت که چیز آن را بدانیم
حضرت فرمود که ستارها چون مستحدر شوند یعنی چون
شروع کنند در پایین آمدن از نصف النهار
و ظاهر آن است که مراد ستارهاییست که در اول شب
طلوع کرده باشد و بدانکه در احادیث گاهی مراد
نماز شب هشت رکعت است و گاهی مراد یازده رکعت
که دو رکعت شفع و یک رکعت وتر هم داخل باشد و گاهی
سیزده رکعت که دو رکعت نافلهٔ فجر هم داخل باشد
و نماز شب از سنتهای مؤکده است و مبالغه در آن
بسیار است روایت کرده شیخ طوسی در تهذیب بسند
صحیح که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که در
وصیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام

یا علی وصیت میکنم ترا بخصلتی چند در نفس خودت
پس حفظ کن آنها را پس گفت بار خدایا یاری کن
داد کرد خصلتی چند تا آنکه فرمود و علیک
بالصلوة اللیل و علیک بصلوة اللیل و علیک
بصلوة اللیل یعنی بر تو باد قیام نماز شب ظاهر
آن است که مراد آنحضرت نماز شب سیزده رکعت
باشد و نماز زوال هشت رکعت که نافله زوال است چنانکه
بعضی از علما فرموده اند پس چون متوجه شوی به بیت
و ترا حاجتی باشد به بیت الخلا ابتدا بآن کن
آداب خلوت پس اگر در دست تو انگشتری باشد
یا با تو چیزی باشد که آنرا حرمتی و عزتی باید داشت
از نامها و غیر آن پس آن را همراه داخل بیت الخلا
مساز و همچنین زر سفید که در چیزی نبسته باشد بعد از آن

پای چپ پیش بگذار نزد اول درآمدن اگر خانه باشد
واگر صحرا باشد پس پای چپ پیش دار در جای نشستن
و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرِّجْسِ
النَّجِسِ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
واگر قضای حاجت در صحرا کنی باید که جایی باشد که کسی ترا
نه بیند و باید که در حال قضای حاجت سنگینی بر پای چپ اندازی
و پای راست را دورتر داری و بسیار ننشینی و حرف
نزنی مگر برای کاری که ترس فوت باشد یا خواندن
آیة الکرسی که سنت است یا گفتن الحمد لله رب العالمین
یا حکایت اذان یا ذکر خدای تعالی و چون فارغ شوی
برخیز و دست راست بر شکم کش و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
اَمَاطَ عَنِّي الْاَذٰى وَهَنَّانِي طَعَامِي وَشَرَابِي
وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوٰى پس استبرا کن بآن که بگشتی

انگشت

130

انگشت میان را از پیش مقعد تا اصل ذکر بعد از آن
انگشت سبابه را زیر بگذاری و ابهام را بالا و سه بار
نثر کنی یعنی بیفشانی و سه بار بنشتری چشته را و سه بار
تنحنح کنی پس چنین خواهی که استنجی کنی با آب بغیر خود را
طهارت بعد پس بگو الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا و لم یجعله نجسا و بدست چپ استنجی
کن اگر درین دست انگشتری باشد که نگینش از سنگ
ریزه زمزم باشد آن را بیرون کن و مقعد را
که شوی با انگشت بنصر بشوی و بدست راست مس ذکر
مکن و در غیر مقعدی یعنی انکه نجاست که حوالی مقعد
رسیده باشد هم اختیار آب کن و سنگ و جمع او آنست
خواه مقعدی باشد و خواه نه و مقعد را آنقدر بشو
که احساس کنی بسبب یعنی آن موضع را چند بار بشو که

لزوجت نجاست زایل شود و درشتی پوست محسوس شود
و در حال استنجا بگو اَللّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَاَعِفَّهُ
وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ و مقدم
دار شستن مقعد را بر شستن ذکر و اگر بسنگ استنجا
کنی و به سنگ پاک شود عدد آن [illegible]
و هر سنگی تمام مخرج را پاک کن تا آنکه سنگ را تمام
در مقعد برسانی و چون از خلا بیرون آیی
پیشتر قدم دار پای راست را و نزد بیرون آمدن بگو
اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَاَبْقَی فِی
جَسَدِی قُوَّتَهُ وَاَخْرَجَ عَنِّی اَذَاهُ یَا لَهَا
نِعْمَةً یَا لَهَا نِعْمَةً یَا لَهَا نِعْمَةً لَا یَقْدِرُ
الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا فصل چون خواهی که وضو
بسازی اول مسواک کن بعد از آن وضو ساز

چنانکه در باب وضوی کامل ذکر کرده باشد در باب اول
بعد از آن خود را خوشبو سازد روایت شده که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را
مشکدانی بود یعنی مشکدانی بود که هر گاه وضو میساخت
از آن بدست خود میگرفت و دست آنحضرت تر بود
و هم از آنحضرت روایت است که دو رکعت نماز با بوی
خوش افضل است از هفتاد رکعت نماز بی بوی خوش
و هم آنکه بوی خوش سنت است برای هر نمازی و هر
دعایی و مخصوص است نماز و دعای شب و چون از
وضو فارغ شدی و بوی خوش کردی بنشین رو
بقبله و بخوان این دعا را که حضرت امام زین العابدین
علیه السلام در اول شب میخواند اِلٰهی غَارَتْ
نُجُومُ سَمَائِكَ وَنَامَتْ عُيُونُ اَنَامِكَ وَهَدَاَتْ

اَصْوَاتُ عِبَادِكَ وَاَنْعَامِكَ وَغُلِّقَتِ الْمُلُوكُ
عَلَيْهَا اَبْوَابًا وَطَافَ عَلَيْهَا حُرَّاسُهَا
وَاحْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْاَلُهُمْ حَاجَةً اَوْ يَنْتَجِعُ
مِنْهُمْ فَائِدَةً وَاَنْتَ اِلٰهِي حَيٌّ قَيُّومٌ لَا
تَاْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَلَا يَشْغَلُكَ
شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ اَبْوَابُ سَمَائِكَ لِمَنْ دَعَاكَ
مُفَتَّحَاتٌ وَخَزَائِنُكَ غَيْرُ مُغْلَقَاتٍ
وَاَبْوَابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبَاتٍ وَفَوَائِدُكَ
لِمَنْ سَاَلَكَ غَيْرُ مَحْظُورَاتٍ بَلْ هِيَ عِبَادُ
مَبْذُولَاتٌ اِلٰهِي اَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا تَرُدُّ
سَائِلًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ سَاَلَكَ وَلَا تَحْتَجِبُ
عَنْ اَحَدٍ مِنْهُمْ اَرَادَكَ لَا وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ
وَلَا تَخْتَزِلُ حَوَائِجَهُمْ دُونَكَ وَلَا

تَقْضِيهَا

يَقضيها احدٌ غيرُكَ اللّهمّ وقد ترى

وُقوفي و ذُلَّ مقامي بين يدَيك تعلمُ

سِرّي وتطّلعُ على ما في قلبي وما يَصلحُ

به امرُ آخرتي و دُنيايَ اللّهمّ انّ

ذكرَ الموتِ ~~سببهم~~ وانّ المطلعِ والوُقوفَ

بينَ يديكَ نغّصني مطعمي ومشربي

واغصّني بريقي و اقلقني عن وسادي

ومنعني رُقادي كيف ينامُ من يخافُ

مَلَكَ الموتِ في طوارقِ الليلِ وطوارقِ

النهارِ بل كيفَ ينامُ العاقلُ وملكُ الموتِ

لا ينامُ بالليلِ ولا بالنهارِ ويطلبُ روحَه

بالبياتِ وفي آناءِ الساعاتِ وحضرت امام جعفر صادق عليه السلم

زين العابدين عليه السلم بعد ازين دعا سجده میکرد

و پیغمبر را بر خاك می چسبانید و میگفته
اَسْئَلُكَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ
عَنِّی حِينَ اَلْقَاكَ وهم آنحضرت علیه السلام پیش از
نماز شب دو رکعت میگذارد در رکعت اول الحمد و قل هو
احد و در رکعت دوم الحمد و قل یا ایها الکافرون و
بعد از ان دست بر سینه داشت تکبیر میگفت چون
این دو رکعت را بگذاری نیکوست که این دعا را
بخوانی که ابو الدردا روایت کرد که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در اول شب میخواند . اِلٰهِی كَمْ مِنْ
مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنِقْمَتِكَ
وَكَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِهَا
بِكَرَمِكَ اِلٰهِی اِنْ طَالَ فِی عِصْيَانِكَ
عُمْرِی وَعَظُمَ فِی الصُّحُفِ ذَنْبِی فَمَا اَنَا مُؤَ

غیر

غير غفرانك ولا انا براج غير رضوانك
الهي افكر في عفوك فتهون علي
خطيئتي ثم اذكر العظيم من اخذك
فتعظم علي بليتي آه ان انا قرأت
في الصحف سيئة انا ناسيها وانت
محصيها فتقول خذوه فيا له من ماخوذ
لا تنجيه عشيرته ولا تنفعه قبيلته آه
من نار تنضج الاكباد والكلى آه من نار
نزاعة للشوى آه من غمرة من لهبات
لظى پس گریه کن و بر دعای کرده ای کن بعد ازان برخیز
بنماز شب و اجماع علماست بر آنکه وقت نماز شب از نصف
آخر شب است تا طلوع فجر صادق و هر چند نزدیکتر باشد
بفجر صادق فضل است و اگر چهار رکعت از نماز شب

کرده باشی و صبح صادق طلوع کند نماز شب را تمام کند
بالحمد تنها و اگر کسی را عذری باشد جایز است که پیش
از نصف شب بجا آرد اما قضایش افضل است از تقدیم
پس چون خواهی شروع در نماز شب کنی بگو اَللّٰهُمَّ
اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ
وَآلِهِ وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی فَا
جْعَلْنی بِهِمْ وَجیهًا فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ
وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنی بِهِمْ وَلا
تُعَذِّبْنی بِهِمْ وَ اهْدِنی بِهِمْ وَلا تُضِلَّنی
بِهِمْ وَارْزُقْنی بِهِمْ وَلا تَحْرِمْنی بِهِمْ وَاقْضِ
لی حَوائِجَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِنَّکَ عَلی
کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَبِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ بعد از آن
نیت کن که دو رکعت نماز شب میگذارم سنت برای

رضا

رضای خدای تعالی و هفت تکبیر بگو با آن سه دعا که پیش
مذکور شد و افضل آن است که در رکعت اول
بعد از الحمد سی بار قل هو الله احد بخوانی و در دوم
یک قل یا ایها الکافرون و در رکعتهای دیگر سورهای
دراز مثل سوره انعام و الکهف و انبیا و یس و حم
و آنکه بقدر اینها باشد و در جمیع نمازهای سنتی جایز است
که از روی مصحف قرائت کنند اگر چه غیر آن سورها
از بر داشته باشد اما در نماز واجبی جایز نیست مگر
آنکه هیچ سوره از بر نداشته باشد و بعضی از علما
گفته اند که در نماز واجبی هم جایز است از روی
مصحف خواندن مطلقا و این قول ضعیف است و اگر
وقت نماز شب تنگ باشد کافی است الحمد و قل هو الله احد
در همه رکعتها بلکه الحمد تنها کافی است بدانکه اتفاق علماست

برآنکه قنوت چنانکه در رکعت دوم نماز واجبی است
در نمازهای سنتی هم سنت است چنانکه روایت کرده کلینی
در کافی بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که گفت
در قنوت گفتم اللهم اغفر لنا وارحمنا
وعافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة انك
على كل شيء قدير چنانکه در کافی روایت کرده بسند حسنه
از همان حضرت علیه السلام بسند حسن و در روایتی وارد است
الاکتفا بر قنوت به تسبیح و سنت است بلند خواندن
قنوت اگرچه در نمازهای سنتی روز باشد و سنت است
طول دادن قنوت خصوصاً در نماز شب اگر وقت وسیع باشد
روایت کرده در فقیه که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده
که از شما هر که قنوتش درازتر باشد در دنیا بیشتر است
راحتش در روز قیامت و شیخ رضی الدین علی ابن طاوس

قدس سره، در کتاب منهج الدعوات پاره‌ای از قنوتهای طویل
که از ائمه علیهم السلم میخوانده اند و نفرین دشمنان
میکرده اند ذکر کرده. و جایز است قنوت از روی
نوشته و کتاب خواندن در نماز سنتی و در نماز
واجبی جایز نیست و از قنوتهای مختصر که در سنتی و واجبی
توان خواندن این دعاست إلهي كيف
أدعوك وقد عصيتك وكيف لا أدعوك
وقد عرفت حبك في قلبي وإن كنت عا صيا
مددت إليك يدا بالذنوب مملوّة
وعينا بالرجاء ممدودة مولاي أنت
عظيم العظماء وأنا أسير الأسراء أنا
الأسير بذنبي المرتهن بجرمي إلهي لئن
طالبتني بذنبي لأطالبنك بكرمك

وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِجَرِيرَتِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْ

وَلَئِنْ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ لَأُخْبِرَنَّ

أَهْلَهَا إِنِّي كُنْتُ أَقُولُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّ الطَّاعَةَ

تَسُرُّكَ وَالْمَعْصِيَةَ لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي

مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ يَا أَ

الرَّاحِمِينَ واگر خواهی در قنوت این دعای امام

محمد جواد علیه السلم را بخوان اَللّٰهُمَّ إِنَّ الرَّجَاءَ

لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ أَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ

وَالْأَمَلَ لِأَنَاتِكَ وَرِفْقِكَ شَجَّعَنِي عَلَى طَلَبِ

أَمَانِكَ وَعَفْوِكَ وَلِي يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ

وَاجَهَتْهَا أَوْجُهُ الْاِنْتِقَامِ وَخَطَايَا

قَدْ لَاحَظَتْهَا أَعْيُنُ الْاِصْطِلَامِ وَسَتَوْ

ها

بها على عدلك اليم العذاب وتحققت
باخراجها مبير العقاب وخفت تعويقها
لاجابتي وردها اياي عن قضاء حاجتي
بابطالها لطلبتي وقطعها لاسباب
رغبتي من اجل ما انقض ظهري من ثقلها
وبهظني من الاستقلال لحملها ثم ترا
جعت رب الى حلمك عن الخاطئين
وعفوك عن المذنبين ورحمتك للعا صين
فاقبلت بثقتي متوكلا عليك طارحا
نفسي بين يديك شاكيا بثي اليك سا
ئلا ما لا استوجبه من تفريج الهم ولا
استحقه من تنفيس الغم مستقيلا
اياك واثقا مولاي بك اللهم فامنن

عَلَيَّ بِالْفَرَجِ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ
وَادْلُلْنِي بِرَأْفَتِكَ عَلَى سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ
ازْلِقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ
وَخَلِّصْنِي مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ بِإِقَالَتِكَ
وَأَطْلِقْ أَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَطُلْ عَلَيَّ بِرِ
ضْوَانِكَ وَجُدْ عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ وَ
أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَفَرِّجْ كُرْبَتِي وَارْحَمْ
عَبْرَتِي وَلَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي وَاشْدُدْ
بِالْإِقَالَةِ أَزْرِي وَقَوِّ بِهَا ظَهْرِي وَأَصْلِحْ
بِهَا أَمْرِي وَأَطِلْ بِهَا عُمْرِي وَارْحَمْنِي يَوْمَ
حَشْرِي وَوَقْتَ نَشْرِي إِنَّكَ جَوَادٌ
كَرِيمٌ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ بعد از دو رکعت نماز
این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ

یا

بسال مثلك انت موضع مسئلة السائلين
ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك ولم
يدع مثلك انت مجيب دعوة المضطرين
وارحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل
وانجحها واعظمها يا الله يا رحمن
يا رحيم وباسمائك الحسنى وامثالك
العليا ونعمك التي لا تحصى وباكرم
اسمائك عليك واحبها اليك واقو بها
منك وسيلة واشرفها عندك منزلة
واجزلها لديك ثوابا واسرعها في الا
مور اجابة وباسمك المكنون الاكبر
الاعز الاجل الاعظم الاكرم الذي
تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك

[illegible]

١٢٥٦

وَاسْتَجِبْ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا
تَرُدَّ سَائِلَكَ وَبِكُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَكَ فِی التَّوْ
وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَ
بِكُلِّ اِسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَا
ئِكَتُكَ وَاَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ وَاَهْلُ
طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ
وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْیَ اَعْدَائِهِ وَاَنْ
تَفْعَلَ بِی كذا وكذا وبجای كذا وكذا مطلب
خود بخواهد پس تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسلام بگوید هر ذکر کند بدار
دعائی که خواهی بخوان بگو پس دو سجده شکر کن
اگر خواهی در یکی از آن دو سجده این دعا امام زین
العابدین علیه السلام را بخوان اِلٰهی وَعِزَّتِكَ وَ

جلالك

138

وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ اَنِّي مُنْذُ بَدَغْتُ
فِطْرَتِي مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ عَبَدْتُكَ دَوَامَ
خُلُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ
عَيْنٍ سَرْمَدَ الْاَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ
اَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقَصِّرًا فِي بُلُوغِ اَدَاءِ
شُكْرِ خَفِيِّ نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ
اَنِّي كَرَبْتُ مَعَادِنَ حَدِيدِ الدُّنْيَا
بِاَنْيَابِي وَحَرَثْتُ اَرْضَهَا بِاَشْفَارِ عَيْنَيَّ
وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُورِ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرَضِينَ دَمًا صَدِيدًا لَكَانَ ذٰلِكَ
قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ عَلَيَّ
وَلَوْ اَنَّكَ اِلٰهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذٰلِكَ
بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّارِ

خلقی وجنّی و ملأت طبقات جهنّم منی

حتّی لا یکون فی النار معذّب غیری و

ولا یکون لجهنّم حطب سوای لکان

ذلك بعدلك علی قلیلا فی کثیر ما

استوجبه من عقوبتك وچون هشت

رکعت نماز شب را بگذاری بعد از رکعت هشتم

این دعا بخوان یا الله یا الله یا الله

ده بار صلّ علی محمّد وآل محمّد وارحمنی و

ثبّتنی علی دینك ودین نبیّك ولا تزغ

قلبی بعد اذ هدیتنی وهب لی من

لدنك رحمة انّك انت الوهّاب پس

اللّهمّ انت الحیّ القیّوم العلیّ العظیم الخالق

الرّازق المحیی الممیت البدئ البدیع لك

الکرم ولک الجود ولک المن ولک الامر
وحدک لا شریک لک یا خالق یا رازق
یا محیی یا ممیت یا بدیع یا رفیع اسئلک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان ترحم
ذلی بین یدیک وتضرعی الیک وو
حشتی من الناس وانسی بک پس بخوان
این دعا را که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رکعت
هشتم میخواند اللهم انی اسئلک بحرمة
من عاذ بک ولجا الی عزک واستظل
بفیئک واعتصم بحبلک ولم یثق الا
بک یا جزیل العطایا یا مطلق الاساری
یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک
رغبا ورهبا وخوفا وطمعا والحاحا

وَ اِلحَافاً وَ تَضَرُّعاً وَ تَمَلُّقاً وَ قَائِماً وَ قَاعِداً
وَ رَاكِعاً وَ سَاجِداً وَ رَاكِباً وَ مَاشِياً
وَ ذَاهِباً وَ جَائِياً وَ فِي كُلِّ حَالاتِي اَسْئَلُكَ
اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ
بِي كَذَا وَ كَذَا وَ يُجِيبُ كَذَا وَ كَذَا حاجت خود ذکر
کن پس بسجده رو ذکر کن دعائی در آنها و بعد از آنها
آنچه پیش ازین مذکور شد **فصل** از تعقیب رکعت
نماز شب فارغ شوی مشغول شو بدو رکعت شفع و یک رکعت
وتر و افضل وقتهاش از صبح کاذب است تا صبح
صادق **بدانکه** مشهور میان متأخرین فقها آن است
که وتر رکعت سیم است اما شایع و متعارف در احادیث
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین آن است که وتر
هر سه رکعت است که دو رکعت شفع هم داخل وتر است

روایت کرده شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح ۱۲۸۰
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت امام محمد باقر
علیه السلام در هر سه رکعت نماز وتر قل هو الله احد میخواند
و هم او روایت کرده بسند موثق از آنحضرت که گفت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میگذارد هشت رکعت
نماز نافله زوال و چهار رکعت اولی یعنی ظهر و هشت
رکعت بعد از آن یعنی نافله عصر و چهار رکعت عصر
و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و چهار
رکعت عشا آخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت
وتر و دو رکعت فجر و نماز غدا یعنی صبح دو رکعت
تا آخر حدیث و اهمست و روایت کرده رئیس المحدثین
بسند صحیح از جعفر بن سالم الخیاط که گفت شنیدم از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که می گفت باکی نیست اگر

بگذارد شخصی دو رکعت نماز در زیر پای برود و حاجت
خود را برآورد و بعد از آن برگردد و بجای ارد دیگر گرید را
و احادیث درین بسیار است و اما اطلاق وتر بر رکعت
سیم تنها در احادیث بسیار کم است اما در عبارات
متأخرین فقها شایع است و اما متقدمین فقها
اکثر رکعت سیم را مفرده وتر میگویند از اینها
ظاهر شد که اگر کسی نذر کند نماز وتر موظف را بری
الذمه نمیشود مگر آنکه هر سه رکعت را بجا آرد و آنچه
شیخ طبرسی قدس سره در کتاب مجمع البیان فرمود فاتحه
را سبع مثانی میگویند برای آنکه دو بار خوانده میشود در
هر نمازی فرضی و سنتی وجهی است خالی از قصور و عمر اختر
بنماز وتر وارد نشده **فصل** در هر دو رکعت شفع بعد از
الحمد سوره قل هو الله احد بخوان و اگر خواهی در رکعت

اول قل اعوذ برب الفلق و در دوم قل اعوذ برب الناس

و چون سلام دهی این دعا را بخوان الهی تعرض

لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک

به القاصدون و امل فضلک و معروفک

الطالبون و لک فی هذا اللیل نفحات

و جوائز و عطایا و مواهب تمن بها

علی من تشاء من عبادک و تمنعها من

لم تسبق له العنایة منک و ها انا ذا

عبدک الفقیر الیک المؤمل فضلک

و معروفک فان کنت یا مولای تفضلت

فی هذه اللیلة علی احد من خلقک

و عدت علیه بعائدة من عطفک

فصل علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

لِلْخَيْرَيْنِ الْفَاضِلَيْنِ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ
وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ
أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا
إِنَّ اللهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ
كَمَا أَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَ إِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ بعدا ان برخير زنر
وتر وبعدا رنت سه تكبير بكو بعدا زايها خوا
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الَّذِي لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي
فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا
أَنْتَ بين دو تكبير بكو وبحوان لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ
وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ

142

وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ وَلَا
إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ
تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ رَبَّنَا وَرَبَّ الْبَيْتِ
پس ده نوبت تکبیر بگو و بخوان وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
تا آخر و بعد از آن الحمد بخوان و قل هو الله و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و بعد از آن
دستها بردار و قنوت بخوان که برکنار این دعا را
در فقیه بسند صحیح روایت کرده معروف بن خربوذ
از امام محمد باقر و ابا عبد الله یا امام جعفر صادق علیهم السلام روایت
بگو در قنوت وتر لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ
رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا
فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

اللهم انت الله نور السموات والارض وانت
الله رب السموات والارض وانت الله
جمال السموات والارض وانت الله عماد
السموات والارض وانت الله قوام السموات
والارض وانت الله صريخ المستصرخين
وانت الله غياث المستغيثين وانت الله
المفرج عن المكروبين وانت الله المروح
عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة
المضطرين وانت الله اله العالمين
وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف
السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة
يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا
ينجي من عقابك الا رحمتك ولا ينجي

منك إلا التضرع إليك هب لي من لدنك
يا إلهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من
سواك بالقدرة التي بها أحييت جميع
ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد
لا تهلكني غمّا حتى تغفر لي وترحمني و
تعرفني الإستجابة في دعائي وارزقني
العافية إلى منتهى أجلي وأقلني عثرتي
ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي
اللهم إن رفعتني فمن ذا الذي يضعني
وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني
وإن أهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك
وبينه كما أو يتعرض لك في شيء من أمري
وقد علمت أنه ليس في حكمك ظلم ولا

فی نقمتک عجلة و انما یعجل من یخاف
الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف
وقد تعالیت عن ذلک یا الهی لا تجعلنی
للبلاء غرضا و لا لنقمتک نصبا و مهلنی
و نفسنی و اقلنی عثرتی و لا تتبعنی ببلاء
اثر بلاء فقد تری ضعفی و قلة حیلتی
استعیذ بک اللیلة فاعذنی و استجیر
بک من النار فاجرنی و اسئلک الجنة
فلا تحرمنی بعد از آن هر دعا که خواهی بکن و
بگو استغفر الله و اتوب الیه اینجا حدیث تمام شد
و سنت است که دعا کنی از برای چهل مؤمن یا بیشتر چنین
بگو اللهم اغفر لفلان بن فلان تا چهل کس بشمار
استغفار بکن و بشمر بدست راست و دست چپ بردار

بکمال

مقیم

بن حنبل چنانکه روایت کرده در نسخه صحیح واگر صد بار
کنی افضل تر است بعد ازان هفت بار بگو استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم بجمیع جرمی وظلمی واسرافی
علی نفسی واتوب الیه بعد ازان بگو رب اسأت
وظلمت نفسی وبئس ما صنعت وهذه یدای
یا رب جزاء بما کسبت وهذه رقبتی خا تبعة
لما اتیت وها انا ذا بین یدیک فخذ
لنفسک من نفسی الرضا حتی ترضی لک
العتبی لا اعود بعد ازان سیصد بار بگو العفو
العفو العفو بعد ازان بگو رب اغفر لی وار
حمنی وتب علی انک انت التواب الرحیم
[illegible] در قنوت وتر تطویل بسیار باد کن تطویل
قنوتی که در قنوت تهجد نماز شب مذکور شد واگر وقت

دست داشته باشد ا صادکن این دعا را از ثقة

الاحمدینی روایت کرده در کتاب امالی که حضرت امام زین

العابدین علیه السلم میخوانده در قنوت وتر سیدی

سَیّدی هٰذِهِ یَدایَ قَدْ مَدَدْتُهُما اِلَیْکَ

بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً عَیْنایَ بِالرَّجاءِ مَمْدُودَةً

وَحَقٌّ لِمَنْ دَعاکَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً اَنْ

تُجیبَهُ بِالْکَرَمِ تَفَضُّلاً سَیِّدی اَمِنْ اَهْلِ

الشَّقاءِ خَلَقْتَنی فَاُطیلَ بُکائی اَمْ اَهْلِ

السَّعادَةِ خَلَقْتَنی فَاُبَشِّرَ رَجائی سَیِّدی

اَمْ لِضَرْبِ الْمَقامِعِ خَلَقْتَ اَعْضائی اَمْ لِشُرْبِ

الْحَمیمِ خَلَقْتَ اَمْهائی سَیِّدی لَوْاَنَّ عَبْداً

اِسْتَطاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلاهُ لَکُنْتُ اَوَّلَ الْهارِبینَ

مِنْکَ لٰکِنّی اَعْلَمُ اَنّی لا الجمو تُکَ سَیِّدی

وان عفوك عني مما يزيد في ملكك لسألتك
الصبر عليه غير اني اعلم انه لا يزيد
في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص
منه معصية العاصين سيدي ما انا وما
خطري هب لي بفضلك وجللني بسترك
واعف عن توبيخي بكرم وجهك الهي و
سيدي ارحمني مصروعا على الفراش تقلبني
ايدي احبتي وارحمني مطروحا على المغتسل
يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولا قد
تناول الاقرباء (واطراف) جنازتي وارحم في ذلك
البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي
واگر [illegible] تنگ شده باشد در قنوت (قنوت) اختصار (کند) واین
بخواند اللهم ان كثرة الذنوب تكف ايدينا

مِن انبساطها اليك بالسؤال و المدّ و مَن
على المعاصي تمنعنا عن التضرّع والابتهال
والرّجاء يحثّنا على سؤالك يا ذا الجلال
والاكرام فان لم يعطف السيّد على عبده
فمن يبتغي النوال فلا تردّ اكفّنا اللهمّ
المتضرّعة اليك الا ببلوغ الامال وصلى الله
على اشرف الانبياء والمرسلين محمد وآله
الطاهرين بعد ازان ركوع كن و در ركوع بگوى
اين دعا بخوان هذا مقام من حسناته نعمة
منك وسيّئاته بعمله وذنبه عظيم
وشكره قليل الهي طموح الامال قد
خابت الا لديك ومعاكف الهمم قد
تقطّعت الا عليك ومذاهب العقول قد

سمت

بمتمسّك إليك فإليك الرجاء وإليه
الملتجى يا أكرم مقصود وأجود مسؤ
ول هربت إليك بنفسي يا ملجأ الهاربين
بأثقال الذنوب أحملها على ظهري وما
أجد لي إليك شافعا سوى معرفتي بأنك
أقرب من رجاه الطالبون ولجأ إليه
المضطرون وأمّل ما لديه الراغبون يا من
فتق العقول بمعرفته وأطلق الألسن بحمده
وجعل ما امتنّ به على عباده كفاء لتأدية
حقه صلّ على محمد وآله ولا تجعل للهموم
على عقلي سبيلا ولا للباطل على عملي دليلا
برحمتك يا أرحم الراحمين پس نماز تمام کن وبعد
سلام تسبیح فاطمه زهرا علیها بگو بعد از آن این حرز

ن أُناجيكَ يا مَوجودُ في كُلِّ مَكانٍ لَعَلَّكَ
تَسمَعُ نِدائي فَقَدْ عَظُمَ جُرمي وَقَلَّ حَيائي
يا مَولايَ يا مَولايَ أَيَّ الأَهوالِ أَتَذَكَّرُ وَ
أَيَّها أَنسى وَلَمْ يَكُنْ إِلَّا المَوتُ لَكَفى كَيفَ وَما
بَعدَ المَوتِ أَعظَمُ وَأَدهى مَولايَ يا مَولايَ
حَتّى وَإِلى مَتى أَقولُ لَكَ العُتبى مَرَّةً بَعدَ أُخرى
ثُمَّ لا تَجِدُ عِندي صِدقًا وَلا وَفاءً فَيا
غَوثاهُ ثُمَّ وا غَوثاهُ بِكَ يا اللهُ مِن هَوًى
قَد غَلَبَني وَمِن عَدُوٍّ قَدِ استَكلَبَ عَلَيَّ
وَمِن دُنيا قَد تَزَيَّنَتْ لي وَمِن نَفسٍ أَمّارَةٍ
بِالسُّوءِ إِلّا ما رَحِمَ رَبّي مَولايَ يا مَولايَ
إِن كُنتَ رَحِمتَ مِثلي فَارحَمني وَإِن كُنتَ
قَبِلتَ مِثلي فَاقبَلني يا قابِلَ السَّحَرَةِ اقبَلني

يا من

بالمنن اجزل اتعرف منه الحسنى يا مرتجي
بعذبني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم
اتيك فردا شاخصا اليك بصري مقلدا
عملي قد تبرا جميع الخلق مني نعم وابي وامي
ومن كان كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن
يرحم في القبر وحشتي ومن ينطق لساني
اذا خلوت بعملي وسالتني عما انت
اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب
من عدلك وان قلت لم افعل قلت
الم اكن الشيطان الشاهد عليك فعفوك
وعفوك يا مولاي قبل ان تلبس الابدان
سرابيل القطران فعفوك عفوك يا
مولاي قبل ان تغل الايدي والا عناق

المرحم الراحمين وخير الغافرين سبحانك
سحبتكن ددرحيمن بكو اللهم صل على محمد وآله
وارحم ذلي بين يديك وتضرعي إليك
ووحشتي من الناس وانسي بك يا كريم
يا كائنا قبل كل شيء يا مكون
كل شيء يا كائنا بعد كل شيء لا تفضحني
فإنك بي عالم ولا تعذبني فإنك علي
قادر اللهم إني أعوذ بك من كرب
الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن
الندامة يوم القيمة أسألك عيشة
ومية سوية ومنقلبا كريما غير مخز هنية
ولا فاضح اللهم مغفرتك أوسع من
ذنوبي ورحمتك أرجى عندي من عملي

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي يَا حَيًّا
لَا يَمُوتُ فصل چون از تعقیب فریضه فارغ شوی
مشغول شو به دو رکعت نافله فجر و اینها را دساسیه
هم گویند زیرا که داخل اند در نماز شب روایت کرده
شیخ طوسی قدس سره در تهذیب بسند صحیح که حضرت
امام رضا علیه السلم گفت برکنید با این دو رکعت نافله
فجر نماز شب را و ظاهر آن است که وقت این دو رکعت
میکشد تا طلوع سرخی آفتاب از جانب مشرق چنانکه
در بعض روایات هست و مذهب بعضی از علماست
و افضل وقتهای آن از طلوع صبح کاذب است
تا طلوع صبح صادق و بخوان بعد از الحمد در رکعت
اول قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد و چون
سلام دهی بر پهلوی راست بخواب رو بقبله چنانکه میت را

در لحد میگذارند و جانب راست روی بگذارند بدعایت

بکبر استمسکت بالعروة الوثقی التی لا

انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتین

واعوذ بالله من شر فسقة العرب والعجم

وشر فسقة الجن والانس ربی الله

ربی الله ربی الله امنت بالله توکلت

علی الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن

یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله

بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا

حسبی الله ونعم الوکیل اللهم من اصبح

الله حاجة الی المخلوق فان حاجتی ولله صح

ورغبتی الیک وحدک لا شریک

لک الحمد الحمد لله رب العالمین رب

العالمین

الاصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد

لله قاسم للمعاش الحمد لله جاعل الليل

سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك

تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد

وآل محمد واجعل في قلبي نورا وفي

بصري نورا وعلى لساني نورا ومن بين

يدي نورا ومن خلفي نورا وعن يميني

نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا

ومن تحتي نورا واعظم لي النور واجعل

لي نورا امشي به في الناس ولا تحرمني

نورك يوم القيمة بعد از ان کران ایه الکرسی

[illegible] برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و

پنج آیه از آخر سوره آل عمران ان في خلق السموات

وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا
وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگو
و صد بار سبحان ربی العظیم و بحمده استغفر الله
ربی و اتوب الیه و هفت بار بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از آن دو سجده
شکر کن و در آنها بگو آنچه توانی از دعایی که پیش گفته
شد و در سجده های شکر برای برادران مومن دعا کن و پس بگو
اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ
وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ

و خالق

مشایق کل شیء و ملیك کل شیء صل علی
محمد و آل محمد و افعل بی وبفلان و بفلان
ما انت اهله و لا تفعل بی بنا ما نحن
اهله فانك اهل التقوی و اهل المغفرة

فصل و اگر وقت وسعت داشته باشد کوان این
دعای صحیفه را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
بعد از
نماز شب میخواندند و مراد نماز شب اینجا یازده رکعتست
که نافله فجر هم داخل باشد اللهم یا ذا الملك المتأبد
بالخلود و السلطان الممتنع بغیر جنود و لا
اعوان و العز الباقی علی مر الدهور و
خوالی الاعوام و مواضی الازمان و الایام
عز سلطانك عزا لا حد له باولیة و لا
منتهی له باخریة و استعلی ملکك علوا

سَقَطَتِ الأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ وَلَا يَبْلُغُ
أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى
نَعْتِ النَّاعِتِينَ ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ
وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَا
لَطَائِفُ الأَوْهَامِ كَذَلِكَ أَنْتَ اللهُ الأَوَّلُ
فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ
وَأَنَا العَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا الجَسِيمُ أَمَلًا
خَرَجَتْ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الوُصُلَاتِ إِلَّا
صِلَةَ رَحْمَتِكَ وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصَمُ الآمَالِ
إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدِي
مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا
أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ
عَفْوُكَ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ

151

سَيِّدِي اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَشْرَفَ عَلٰى خَفَايَا الْاَعْمَالِ
عِلْمُكَ وَانْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِكَ
وَلَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْاُمُورِ وَلَا تَعْزُبُ
عَنْكَ غَيْبَاتُ السَّرَائِرِ وَقَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ
عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِغَوَايَتِي فَا
نْظَرْتَهُ وَاسْتَمْهَلَكَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ لِاِ
ضْلَالِي فَاَمْهَلْتَهُ فَاَوْقَعَنِي وَقَدْ هَرَبْتُ
اِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَةٍ وَكَبَائِرِ
اَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتّٰى اِذَا قَارَفْتُ
مَعْصِيَتَكَ وَاسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي
سَخْطَتَكَ فَتَلَ عَنِّي عِذَارَ غَدْرِهِ وَتَلَقَّانِي
بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ وَتَوَلَّى الْبَرَاءَةَ مِنِّي وَاَدْبَرَ
مُوَلِّيًا عَنِّي فَاَصْحَرَنِي لِغَضَبِكَ فَرِيدًا

شفيعا

فَأَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نِقْمَتِكَ فَوَيْلٌ لِي لَا أَجِدُ

لِي إِلَيْكَ وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ وَلَا

حِصْنٌ يَحْجُبُنِي عَنْكَ وَلَا مَلَاذٌ أَلْجَأُ إِلَيْهِ

مِنْكَ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ وَمَحَلُّ

الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ

وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ وَلَا أَكُنْ

أَخْيَبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ وَلَا أَقْنَطَ وُفُودِ

الْآمِلِينَ وَاغْفِرْ إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي فَتَرَكْتُ وَنَهَيْتَنِي

فَرَكِبْتُ وَسَوَّلَ لِيَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوءِ

فَفَرَّطْتُ وَلَا أَسْتَشْهِدُ عَلَى صِيَامِي نَهَارًا

وَلَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِي لَيْلًا وَلَا تُثْنِي

بِإِحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي

من

مَنْ ضَيَّعَهَا هَلَكَ وَلَسْتُ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ
بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ مَا اَغْفَلْتُ مِنْ
وَظَائِفِ فُرُوضِكَ وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ
حُدُودِكَ اِلَى حُرُمَاتٍ انْتَهَكْتُهَا وَكَبَائِرِ
ذُنُوبٍ اجْتَرَحْتُهَا كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي
مِنْ فَضَائِحِهَا سِتْراً وَهَذَا مَقَامُ مَنِ
اسْتَحْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ وَسَخِطَ عَلَيْهَا وَرَضِيَ
عَنْكَ فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ
خَاضِعَةٍ وَظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ الْخَطَايَا وَاقِفاً
بَيْنَ الرَّغْبَةِ اِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَ
اَنْتَ اَوْلَى مَنْ رَجَاهُ وَاَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ
وَاتَّقَاهُ فَاَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ وَ
اٰمِنِّي مَا حَذِرْتُ وَعُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ

إِنَّكَ أَكْرَمُ الْمَسْئُولِينَ اَللّٰهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي
بِعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ
بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ
فِي دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ
الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ
وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ مِنْ جَارٍ كُنْتُ
أُكَاتِمُهُ سَيِّئَاتِي وَمِنْ ذِي رَحِمٍ كُنْتُ أَ
حْتَشِمُ مِنْهُ فِي سَرِيرَاتِي لَمْ أَثِقْ بِهِمْ رَبِّ
فِي السِّتْرِ عَلَيَّ وَوَثِقْتُ بِكَ رَبِّ فِي الْمَغْفِرَةِ
لِي وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ وُثِقَ بِهِ وَأَعْطَى مَنْ
رُغِبَ إِلَيْهِ وَأَرْأَفُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فَارْحَمْنِي
اَللّٰهُمَّ وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِيناً مِنْ
صُلْبٍ مُتَضَايِقِ الْعِظَامِ حَرِجِ الْمَسَالِكِ

إلى

إِلى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَتَرْتَها بِالحُجُبِ تُصَرِّفُنِي
حالاً عَنْ حالٍ حَتّى انْتَهَيْتَ بِي إِلى تَمامِ
الصُّورَةِ وَاَثْبَتَّ فِيَّ الجَوارِحَ كَما نَعَتَّ
فِي كِتابِكَ نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً
ثُمَّ عِظاماً ثُمَّ كَسَوْتَ العِظامَ لَحْماً ثُمَّ
اَنْشَأْتَنِي خَلْقاً آخَرَ كَما شِئْتَ حَتّى اِذا
احْتَجْتُ إِلى رِزْقِكَ وَلَمْ اَسْتَغْنِ عَنْ غِياثِ
فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوتاً مِنْ فَضْلِ طَعامٍ وَ
شَرابٍ اَجْرَيْتَهُ لِاَمَتِكَ الَّتِي اَسْكَنْتَنِي جَوْفَها
وَاَوْدَعْتَنِي قَرارَ رَحِمِها وَتَكِلْنِي يا رَبِّ فِي
تِلْكَ الحالاتِ إِلى حَوْلِي وَتَضْطَرُّنِي إِلى قُوَّتِي
لَكانَ الحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلاً وَلَكانَتِ القُوَّةُ
مِنِّي بَعِيدَةً فَغَذَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذاءَ البَرِّ

اللطيف تفعل ذلك بي تطولاً على الى غايتي
هذه لا اعدم برك ولا يبطئ عني حسن
صنيعك ولا تتاكد مع ذلك ثقتي فاتفرغ
لما هو احظى لي عندك قد ملك الشيطان
عناني في سوء الظن وضعف اليقين فانا
اشكو سوء مجاورته لي وطاعة نفسي له
واستعصمك من ملكته واتضرع اليك
في ان تسهل الى رزقي سبيلا فلك الحمد
على ابتدائك بالنعم الجسام والهامك
الشكر على الاحسان والانعام فصل على
محمد وآله وسهل على رزقي واقنعني
بتقديرك لي وارضني بحصتي فيما قسمت وان ترضيني
لي واجعل ما بقي من جسمي وعمري في

154

سَبِيلِ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَى
مَنْ عَصَاكَ وَتَوَعَّدْتَ بِهَا مَنْ صَدَفَ
عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ وَهَيِّنُهَا
أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ
بَعْضَهَا بَعْضًا وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ
وَمِنْ نَارٍ تَذَرُ الْعِظَامَ رَمِيمًا وَتَسْقِي أَهْلَهَا
حَمِيمًا وَمِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ
إِلَيْهَا وَلَا تَرْحَمُ مَنِ اسْتَعْطَفَهَا وَلَا تَقْدِرُ
عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا
تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحَرِّ مَا لَدَيْهَا مِنْ
أَلِيمِ النَّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَحَيَّاتِهَا تها

الضائقة بانيابها وشربها الذي يقطع ا
امعاء وافئدة سكانها ويزرع قلوبهم
واستهديك لما باعد منها واخر عنها
اللهم صل على محمد وآله واجرني عنها
بفضل رحمتك واقلني عثراتي بحسن اقا
لتك ولا تخذلني يا خير المجيرين انك
تقي الكريهة وتعطي الحسنة وتفعل
ما تريد وانت على كل شيء قدير. اللهم
صل على محمد وآله اذا ذكر الابرار وصل
على محمد وآله ما اختلف الليل والنهار
صلوة لا ينقطع مددها ولا يحصى عددها
صلوة تشحن الهواء وتملأ الارض و
السماء صلى الله عليه حتى يرضى وصلى

155

الله علیه و آله بعدد الرضا صلوة لا حدّ

لها و لا منتهی یا ارحم الراحمین فصل

سنت است دانستن و ملاحظه کردن معنی هر چه در نماز

گفته می‌شود از ذکر و دعاها و آنچه گفته اند میشود از قرائت

و سوره و باید که قاری نماز گذار حرکت دادن زبان

تنها ننمایند بی ملاحظه معنیها پس حکم فارسی زبانی

خواه از آنهایی که عربی دانند و نفهمند و لفظی چند از

عربی بر زبان رانند و حکم عربی که فارسی نفهمند و ندانند

و لفظی چند فارسی بر زبان رانند بی آنکه معنیها

آن را دانند و کافی است برای تنبیه بر معنی قول

حق تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا

الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون

یعنی و الله اعلم ای آنکسانی که ایمان آورده اید نزدیک

نزدیک مشوید بنماز در حالتی که شما مست باشید تا آنکه
بدانید آنچه میگوئید و روایت کرده رئیس المحدثین
ابن بابویه که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم فرمودند
کسی که دو رکعت نماز بگذارد و داند که چه میگوید
برگردد از نماز و حال آنکه نمانده باشد میانه او
و خدای تعالی گناهی مگر که خدای تعالی آمرزیده باشد
و ما این کتاب را ختم میکنیم بتفسیر سوره فاتحه
بسم الله الرحمن الرحیم با حرف جر است بمعنی یا برای
استعانت است یعنی طلب مدد از اسم خدای تعالی
یا برای مصاحبت است و همراهی و اول بهتر است
زیرا که مشعر است بانکه ذکر اسم خدای تعالی در ابتدای
کار وسیله تیسر آمدن و تمام شدن آن کار است
بوجه اکمل و اتم گو نا که کاری بی ذکر نام الهی تمام نشود

و معنی مصاحبت از این اشعار عاریست و این جار
با مجرورش متعلق است بعامل مقدر و این عامل
مقدر اسم است یا فعل و هر یکی از این دو عام است یا
خاص پس هر یک از این چهار مقدم است یا موخر و بهترین
این هشت وجه خاص فعلی موخر است زیرا که فعل عام
مشعر بابتدا و اسم عام مثل ابتدا باعث توهم آن میشود
که طلب مدد از خدای تعالی مخصوص باشد بابتدای کار
و اسم خاص مثل قرائتی باعث زیادتی تقدیر است
در کلام زیرا که او مبتدا خواهد بود پس خبرش مقدر
خواهد بود زیرا که تعلق ظرف به و مانع است از انکه
خبر مبتدا محذوف باشد و فعل خاص مقدم افوات اسم الله
در مخصوص بودن یاری طلبیدن از اسم خدای تعالی
فوت میشود الله اعلم تمت [illegible] مقدس الله [illegible]

جمیع صفات کمال است زیرا که اگر اسم مفهوم واجب
الوجود باشد لازم آید که لا اله الا الله افاده
توحید نکند زیرا که احتمال دارد که افراد آن مفهوم
متعدد باشد در اعتقاد گوینده این کلمه
و برین دلیل اعتراض کرده اند بآنکه بنا برین لازم
آید که قل هو الله احد دلالت بر توحید نکند زیرا که
جایز خواهد بود که علم یکی از افراد واجب باشد
با آنکه این سوره را دلیل محکم داشته اند بر توحید
و این اعتراض وارد نیست زیرا که میتواند بود که
یکی بودن خدای تعالی از آخر این سوره معلوم شود
و اما اولش دلالت کند بر احدیت بمعنی عدم قبول
قسمت الرحمن الرحیم هر دو بمعنی رحمت کننده و مبالغه
در رحمت بیشتر است الحسب زیادتی لفظ و صفت
مرتضی

مشبهه اند مشتق از رحم بکسر عین بعد از انکه نقل کرده اند
او را به رحم بضم عین و مبالغه در رحمن بیشتر است از رحیم
که زیادتی لفظ دلالت میکند بر زیادتی معنی در ان
زیادتی یا باعتبار کمیت است چنانکه در دعای
یا رحمن الدنیا و رحیم الاخره گفته اند زیرا که
رحمت دنیا زیاده است بواسطه انکه شامل مومن و کافر است
و رحمت اخرت مخصوص است بمومن و یا انکه زیادتی باعتبار
کیفیت باشد چنانکه در دعای یا رحمن الدنیا
والاخره و رحیم الدنیا گفته اند بواسطه انکه نعمة اخرت
عظیم و بی نهایت است بخلاف نعمت دنیا پس معنی رحمان
ذاتی است که رحمت او غایت و نهایت باشد و
ازین جهت رحمن مخصوص است بخدای تعالی و اطلاق بر غیر
خدا نمیکنند زیرا که رحمت و احسان کننده و بخشنده

حقیقی یا عوض اوست و رحمت و احسان غیر او یا برای
مدح و ثنای دنیاست یا برای ثواب آخرت یا برای
زایل کردن آزردگی و رقتی که دل ورا بهم رسیده
بسبب جنسیت یا برای دور کردن بیسی بخل بود
و با وجود اینها آن غیر مثل واسطه است زیرا که
دادن اصل نعمت و قدرت دادن بر دادن
و وصل ساختن همه از جانب خدای تعالی است و
تقدیم الرحمن بر الرحیم با آنکه ترقی از ادنی باید
با علی نه از اعلی با دنی برای آن است که رحمن
بسبب مخصوص بودن او بخدای تعالی گویا که واسطه است
میان اسم و صفت پس مناسب آن بود که واسطه بوده باشد
میان علم ذات که الله است و میان صفت که رحیم است
و ذکر این نامها شریف در بسم الله که ابتدای کتاب کریم است

بر

برای محکم کردن بنای جود و کرم و تقویت دادن معالم
عفو و رافت است و اشاره است بآنکه رحمت الهی
سابق است بر غضبش و تنبیه است برآنکه سزاوار است که
بسیار جستن اثر ذکر او در جمیع کارها ارزانی تعالی است که
جامع جمیع صفات کمال است و رحمتش در رعایت و
نهایت است و صاحب و ولی جمیع نعمتهای دنیا و آخرت
و صاحب نعمتهای بزرگ و کوچک است الحمد لله رب
العالمین حمد ثنائی است بر جمیل اختیاری و حمد الهی
بر بعضی از صفاتش راجع است بحمد بر اثری که مترتب میشود
بر ذات منزهش بنا بر آنکه صفات الهی عین ذات است
و آن آثار اختیاری الهی است و الف و لام الحمد برای
جنس است یعنی جنس حقیقت حمد مخصوص است بذات الهی
یا برای استغراق است یعنی جمیع افراد حمد یا برای عهد

خارجی است یعنی فرد کامل تر از افراد حمد که لایق حضرت تعالی
باشد ثابت و مخصوص است که او تعالی ورب یا مصدر است
بمعنی تربیت یعنی رسانیدن چیزها بکمالش کم کم و وصف
الله برب برای مبالغه است چنانکه در رجل عدل
یا صفت مشبهه است از ربه یربه بعد از انکه نقل
کرده باشند بصیغه لازم چنانکه در رحیم مذکور شد
وچون اضافه رب به العالمین اضافه تحقیقی است
مثل کریم البلد زیرا که عمل نصب انجا نیست پس
جایز است که صفت الله که معرفه است واقع شود و یا اکثر
مراد استمرار است نه حدوث و عالم اسم چیزی است
که بآن علم بچیزی حاصل شود اما بحسب غلبه استعمال کرده
از او هر جنسی است از اجناس انکه بآن خدای تعالی را
توان دانست چنانکه عالم افلاک و عالم (گویند) عناصر عالم

بر حیوان

حیوان و عالم نبات الرّحمن الرّحیم ذکر رحمن این
اسمهای شریف در ابتدای کتاب مجید برای اشارت
بر آنکه اهتمام حضرت الهی برحمت بیشتر است از باقی صفات
و برای آنکه امیدوار شوند بندگان زیاده باشد برحمت الهی چون دانند
که مالک روز جزا رحمن و رحیم است گویا که میفرماید که ای
گناهکاران مأیوس مشوید از بخشش خدای تعالی گناهان شما را در
روز قیامت که او رحمن و رحیم است مالک یوم
الدّین قرائت عاصم و کسائی است یعنی صاحب روز جزا
و باقی قرا ملک یوم الدّین خوانده اند یعنی پادشاه روز
جزا موافق قول خدای تعالی یوم لا تملک نفس لنفس شیئا
والامر یومئذ لله مؤید قرائت اول است و مرجح قرائت
دویم پنج وجه است اول آنکه تعظیم در وی بیشتر است
دوم آنکه مناسب تر است باضافه روز جزا چنانکه

میگویند پادشاه عصر سیم آنکه موافقت بیشتر دارد بقول
خدای تعالی که لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لله الواحد القهار
یعنی برای کیست پادشاهی روز قیامت برای خدایست
که یکی است و قهار است چهارم آنکه مناسبت بیشتر دارد
با آنچه در آخر کتاب است در سورهٔ قل اعوذ برب الناس
از وصف به پادشاهی بعد از وصف بربوبیت مناسب
باشد ابتدا با انتها پنجم آنکه اضافهٔ ملک بیوم الدین
حقیقی است پس معرفه باشد پس وصف الله که معرفه است
باو جایز است بی توجیهی و تکلفی زیرا که مثل کریم البلد است
بخلاف مالک که اضافه است لفظی است و کسب تعریف
نکرده و وصف معرفه نتواند شد مگر بتوجیهی و تکلفی که
گوییم اینجا بمعنی ماضی است زیرا که مضارع محقق الوقوع
قایم مقام ماضی کرده ایم یا آنکه اینجا مراد استمرار ثبوت است

در نز

118

و نیز اضافهٔ اسم فاعل بظرف مجاز است بتوحید آنکه
مفعول به است مجاز او دین خبر جزا است چنانکه می گویند
کما تدین تدان یعنی چنانکه بوجزا دهید همی جزا خواهید
یافت و وجه تخصیص مالکیت و پادشاهی خدای تعالی
بروز قیامت با آنکه خدای تعالی پادشاه و مالک همه
چیزهاست در جمیع اوقات برای تعظیم روز قیامت است
و برای آنکه مالکیت و پادشاهی که درین نشاء غیر خدا را
هست در آن روز بالکلیه زایل و باطل میگردد و مخصوص
میشود بخدای تعالی و در ذکر این صفات بعد از ذکر
الله که دلالت میکند بر آنکه خدای تعالی جامع جمیع صفات
کمال است اشارتست بآنکه حمد بنده کامل و تعظیم ایشان
کسی را برای یکی از صفات حضرت باری کمال ذاتی و صفاتیست
یا بواسطه آنکه امید دارند از او بایشان نعمتی و احسانی

رسد یا بواسطهٔ آنکه میترسند از کمال قهر و غضب کمال
قدرتش پس گویا که خدای تعالی میفرماید که ای مردمان اگر
کسی برای کمال ذاتی و صفاتی میکند پس تمام مزایدست
و من جامع همه ایم و اگر برای احسان و نعمتی است که شما یا
شنیده اید پس من ربّ یعنی پرورندهٔ عالمیانم و اگر برای امید
و طمع نعمتی که بعد ازین بشما رساند در دنیا یا در آخرت
پس من رحمن و رحیم و اگر برای ترس از کمال قدرت
و غضب است پس مالک روز قیامتم ایاك نعبدُ
ایاك نستعین عبادت نهایت خضوع و خاکساریست و ازینجهت
است که لایق عبادت نیست مگر کسی که ولی و دهندهٔ
اعلی و اعظم مراتب باشد مثل وجود و حیات و هر چه لازم
و تابع اینها تابع اینها باشد و استعانت طلب یاری
و مدد است در جمیع کارها یا در اداء و بجا آوردن

طلب

عبادت و قیام بوظائف و شروطش از اخلاص تام
و حضور دل و در آیهٔ کریمه پنج چیز است که نکتهٔ آن را
بیان باید کرد اول تقدیم عبادت بر استعانت
دوم تقدیم معمول که ایاک است بر عامل که نعبد است و نستعین
سیم مکرر ساختن لفظ ایاک چهارم اختیار صیغهٔ متکلم مع الغیر
بر صیغهٔ متکلم واحد پنجم التفات و توجه از غیبت بخطاب
اما سبب تقدیم عبادت بر استعانت پس شاید که
نکتهٔ آن هفت چیز باشد اول رعایت موافقت اواخر
آیات در حروف سابق بر حرف آخر آیه و این وجه
صحیح است اگر بسمله آیهٔ علیحده باشد از الحمد دوم آنکه عبادت
مطلوب خدای تعالی است از بندگان و مدد مطلوب بنده
گان است از خدای تعالی پس مناسب تقدیم مطلوب
الهی است بر مطلوب بندگان سیم آنکه عبادت مناسب‌تر است

یکرا و ثواب و استعانت بطلب هدایت پس مناسب
آن بود که هر یکی متصل باشند بانچه با او مناسب بیشتر دارد
چهارم انکه یاری دهد یافتن بروجه اکمل اثر و ثمره
عبادت است چنانکه ظاهر میشود از حدیث قدسی
نزدیک نمیشود بمن بنده من بچیزی که دوستتر باشد
از انکه من برو واجب کرده ام و همواره نزدیکی میجوید
بمن بنده بنفلها تا انکه او را دوست دارم پس چون
او را دوست دارم باشم گوش او که بان میشنود
و چشم او که بان می بیند و دست او که بان غضب میکند
تا آخر حدیث پنجم انکه تخصیص خدا بعبادت اول چیزیست
که حاصل میشود با او اسلام اما تخصیص باستعانت پس بعد از
رسوخ تمام است در دین پس انسب است تاخیر ششم
انکه عبادت وسیله است بحصول مطلب هدایت است

(۱۴۹)

و تقدیم وسیله بر طلب مطلوب اقرب است باجابت
هشتم آنکه چون متکلم نسبت عبادت بخود داد نفس او را
اندک عجبی و تکبری حاصل شد پس در عقب آن اقرار
کرد بانکه عبادت هم تمام نیست و صادر نمیشود از من
مگر بیاری و مدد خدای تعالی و اما تقدیم مفعول عبادت
و استعانت بر ایشان پس شاید که نکته در اهمال دران
سه چیز باشد اول آنکه عبادت و استعانت مخصوص است
بخدای تعالی بقصر حقیقی یا اضافی افرادی دوم برای تقدیم
آنچه در وجود متقدم است سیم اشارت بانکه عبادت
کننده و یاری طلبنده را باید که منظور و ملحوظ او اولاً
و بالذات خدای تعالی باشد نزدش ما رأیت شیئاً
الا رأیت الله قبله یعنی هیچ چیزی را ندیدم مگر آنکه
خدای تعالی را ملاحظه کردم پس از و بعد از آن ملحوظ

خودش باشد نه بالذات بلکه از آن حیثیت که منسوب است

بخدا بعد از آن ملاحظه عکس کند از عبادت نه از آن

جهة که از او صادر شده بلکه از آنجهت که عبادت

نسبتی است شریف میانه او و میانه خدای تعالی واما

مکرر آوردن ایاک پس شاید که نکته آن چهار چیز باشد

اول تصریح کردن بانکه مخصوص باستعانت خواهست

والا احتمال دارد که مفعولش امثوی تقدیر کنند

پس این تصریح فوت میشد دوم دفع توهم آنکه مجموع

عبادت واستعانت مخصوص است بخدا نه هر یک از آنها

سیم درک لذات خطاب با محبوب چهارم بسط سخن

با محبوب چنانکه در کلام موسی علی نبینا وعلیه السلم که

هی عصای اتوکؤا علیها واهش بها علی غنمی

تا آخر آیه و فرق میان این ... آخر آن است که دو هم

چهارم

چهارم جار است اگرچه یکی یا ایاک ایاء می بود بخلاف
وجه اول و اما وجه اختیار صیغهٔ متکلم مع الغیر که
نعبد و نستعین است بر متکلم واحد که اعبد
و استعین باشد پس شاید که بجهت چهار نکته باشد اول
تنبیه بنده برای آنکه در حال عرض عبادت باید که ملاحظه
کند فرشتهها را که با آدمی باشند یا جماعتی را که در آن
نماز جماعت حاضرند یا جمیع حواس و قوتهای ظاهری
و باطنی خودش را یا جمیع آنچه شامل اوست دایرهٔ
امکان و علامت وجود بر اوست چنانکه خدای تعالی
میفرماید و ان من شیء الا یسبح بحمده یعنی آنهم
اعلم هیچ چیز نیست مگر که تسبیح خدای تعالی میگویند
و مشغول است بحمد خدا اعلام بنده با آنکه خودش را
حقیر تر از آن داند که عبادت خودش را تنها عرض تواند

کرد و کوچکتر از آنکه تنها طلب یاری خود تواند نمود

به درگاه عظمت و کبریای الهی بلکه باید که با عبادت

جمع دیگر چنانکه داب و قاعده است در عرض تحفها

و هدیها به درگاه پادشاهان سیم آنکه چون خطاب

بنده با حضرت ربوبیت و بعرض آنکه عبادت یعنی

نهایت خضوع و خشوع و تعظیم را بجا نمی آرد مگر برای

حضرت الهی و مدد طلبان او در کارهاش منحصر است

از حضرت الهی یعنی از غیر خدا طلب مدد نمیکند یا آنکه

خدای تبارک و تعالی دیده اند که بنده خضوع و خشوع برای

غیر خدا هم میکند و از غیر خدا هم مدد می طلبد جزای

عظیم و بیحیایی و دروغگویی ظاهر است پس به واسطه

این عدول کرد از متکلم واحد متکلم مع الغیر تعبیر آنکه

این خطاب از زبان انبیا و اولیا و اصفیا و فرشتهها

که استغاثت و نهایت خضوع برای غیر خدای تعالی
نمیکنند و طلب مدد از غیر خدا نمی نمایند چهارم انکه
چون در شرع الهی که بر زبان حضرت رسالت پناه
جاری شده آن است که اگر شخصی متاعی چند را یکبار
بفروشد بیک بیع و ظاهر شود که بعضی از انها عیب دار
مشتری را نمیرسد که بی عیب ها نگاه دارد و عیب دار را
پس دهد بلکه یا همه را پس دهد یا همه را نگاه دارد
و قبول کند پس گویا که عابد چون عبادت خود را
عیب دار میداند عبادت عیب دار خود را با عبادت
انبیا و اولیا و ملائکه مقربین که خالی از عیب است یکبار
بر حضرت صاحب جود و بخشش عرض میکند و حضرت
خدای تعالی کریمتر است از انکه عیب دار را رد کند و پاره
قبول نماید و حال انکه بندگان را از این نهی کرده دیگر

اولا تو نیست که همه را رد کند پس همه را قبول خواهد کرد
و مطلوب بنده هم حاصل میشود و این وجه بعبادت
غیر معصومین ظاهر است و اما نسبت بعبادت ایشان
آن است که هم عبادت خود را ناقص میدانند فتامل
و اما نکته توجه از غیبت بخطاب پس حضرت استاد
دام ظله در تفسیر عروة الوثقی چهارده وجه برای آن ذکر
کرده اند و اینجا شش وجه از آنها بیان نموده اند
اول تنبیه بر آنکه بنده باید که عبادت و قرآت را
با توجه تمام و حضور دل بجا آورد چنانکه هر اسمی از
اسمای الهی را که بر زبان گذراند معنی آن را در دل
نقش کند و او را قرب زیاده شود بدرگاه الهی
تا آنکه بمرتبه حضور و مشاهده رسد پس درین وقت عدول
باید از غیبت بخطاب دوم آنکه حمد دهنده در روی

نحو

شخصی باعث شکست خاطر او میشود و حضرت حق تعالی ازان
کریمتر است که شکست خاطر مؤمن کند خصوصا در ازای او
پس عابد خواست که جوابی با آنکه عیبناک است
متوسل شود خود بر درگاه ربوبیت جل و علا مفروض
داشت تسلیم اشارت است بآنکه چون خدای تعالی همیشه
حاضر است و غایب نیست بلکه نزدیکتر است به بنده
از رگ گردن پس بایست که اول کلام بسیاق خطاب باشد
اما چون بنده خود را از مقام قرب حضور دور داشته
بواسطه رعایت قانون ادب که دأب عاشقان است
چنانکه گفته اند طرق العشق کلها آداب پس چون عابد
اولا قیام باین نمود گویا که مستحق حضور گشته پس تکلم کرد
بمقتضای مقام می گفت چنانکه فرمود انا جلیس
من ذکرنی چنانکه تنبیه بر بزرگی رتبه قرآن مجید را نمود

شده، بانکه هرگاه اینقدر از قرآن را بر زبان جاری سازد
فائز میشود بسعادت قرب ونزدیکی وحضور پس اگر
مداومت نماید بر ذکر الهی ومواظبت کند بر تلاوت
قرآن ودانستن معنیهای آن در شبها وروزها پس
البته حجاب از میان بر میخیزد ومیسر بمقام حضور
ومشاهده حقیقی. روایت است که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلم فرمود که خدای تعالی تجلی کرده برای بندگانش
در کلامش لیکن ایشان نمی بینند وهم از آنحضرت روایت
در بعضی روزها نماز میگذارد. در اثنای نماز بیهوش
شد. وافتاد. بعد از آن سبب آن پرسیده اند
حضرت فرموده. که چندان این آیه تکرار کردم که از گوینده اش
شنیده ام بعضی از عارفین گفته اند که در آن وقت
زبان حضرت علیه السلم بجای طور موسی بود. که گفته انی

انا الله

أَنَا الله و در همین شیخ شبستری فرموده که روا باشد
اَنَا الله از درختی چرا نبود روا از نیک بختی نجم
انکه چون در عبادت کلفتی و مشقتی هست و از آداب
عاشق است که در حضور معشوق تحمل مشقت بیشتر میکند
از غیبت در حضور آن را مشقت نمیدانند حق تعالی
تبارک و تعالی خواست که شوق بنده را زیاده کند بعبادت
اشعار کرد بآنکه او حاضر است بر جمیع احوال و واقف
و مطلع با بنده را نشاط زیاده شود و انجام عبادت
از روی نشاط تمام و شوق تمام کند ششم آنکه چه
اظهار نیکیهای که در است نزد غیر او پس مادام که سالک از
مرتبه قرب و حضور دور است در نظرش غیر را وجودی
هست اظهار کمالات محبوب نزد آن غیر میکند اما چون
بسبب ذکر و توجه بدرگاه الهی او را ترقی واقع شود

از مرتبه بعد بمرتبه حضور در گزارش وجودی ماند

سوی معبود حق را السیر بالحضور ... باد متوجه شود اورا

می طلبد آهسته ساخت وبالاتر از این مقام مقالت

که از وصف آن نمیتوان داد وسخن را در بیان آن

راهی نیست بلکه از گفتگوی پنهان تر میشود دالی

قیصاً خیطَ من نسج لتعة وعرية خرقاً عن

معالیه فاطر یعنی پیراهنی که از تار وپود همت زحرف

بافته شده باشد بر بالای بلند انیشه کوتاه هست و اما

یکی از دیده های پرده های جسمانی را و پرده ارا ز لها

ما پوشیدهای هیولانی تا بغیر تو نبینداریم نظر و نباشد در

دلها از اعیی واثر جمال تو بخشنده کریمی مهربان

رحیمی اهدنا الصراط المستقیم هدایت کن ارشاد و دلالت است

بلطف خود بمطلب برسانند و بفضل خود مرا بطلب نماید

165

و هرگاه متعدی شود بمفعول دویم بواسطهٔ حرف جر یا بی واسطه
وبعضی گفته اند اگر متعدی شود بواسطهٔ حرف جر پس بمعنی راه
بمطلب نمودن است واگر بی واسطهٔ حرف متعدی شود بمعنی
رسانیدن بمطلب است وبعضی گفته اند که مطلقا بمعنی رسانیدن
بمطلوب است ودفع میکند این مذهب را قول حق تعالی
وهدیناه النجدین ومذهب دویم را رد میکند قول
خدای تعالی فاستحبوا العمی علی الهدی واما قول حق تعالی
انک لا تهدی من احببت مطلب ایشان را ثابت نمیکند
بلکه خاص تر است از مطلوب ایشان وبدانکه هدایت
حق تعالی عز شانه اگرچه غیر متناهی است وحصر
وتعداد آن ممکن نیست اما داخل است در چهار نوع اول
راهنمای کردن منفعتها ودفع مضرتها بسبب دادن
حواس ظاهری از چشم وگوش وشامه ولامسه وذائقه

دوم هدایت بنظر و فکر و فهم و غیر آن و قوت عاقله چنانکه
میفرماید اَعطی کُلَّ شَیءٍ خَلقَهُ ثُمَّ هَدی دوم نصب دلایل
عقلی که فرق کنند میان حق و باطل و صلاح و فساد چنانکه
میفرماید و هدیناه النجدین سیم هدایت بفرستادن پیغمبران
و کتابهای چنانکه میفرماید و اَمّا ثَمُودُ فَهَدَیناهُم فا
ستَحَبُّوا العَمی عَلَی الهُدی چهارم نمودن راه سلوک و طریق
و رسیدن بحظیرهای قدس و فائز شدن بمقام انس و
زایل ساختن آثار تعلقات بدنی و کشف پوششهای
جسمانی و غرق شدن در ملاحظه اسرار کمال و مطالعه
نورهای جمال و این نوع از هدایت مخصوص است بانبیا
و رسل و تابعان ایشان بر کمال قاری در مرتبه سیم باشد
قصد کند باید تا هدایت مرتبه چهارم را و اگر مرتبه
چهارم رسیده باشد قصد کند باید تا معنی ثبتنا علیه

مارا

بار ثابت دار در بیع هدایتی گردد. چنانکه در تفسیر
آیت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده یا قصد کند
زیادتی را یعنی هدایت ما را زیاده گردان پس هدایت
نبار اول مجاز است و نبار دوم هم مجاز است اگر زیادتی
را در این معنی مستعمل نیز داخل دانیم و الا حقیقت است
و صراط اینجا بمعنی جاده و راه است گویا که فرو میبرد
و ابن کثیر بسین خوانده و غیر حمزه از رواة خلاد حمزه
اشمام میکند بزاء و مراد صراط است مستقیم یا راه حق است
مطلقا یا دین اسلام صراط الذین انعمت علیهم
غیر المغضوب علیهم مجموع این یک آیه است نزد جمیع علما
ما و هر که موافقست با ما در آنکه بسمله یک آیه است از
الحمد و اما بعضی مخالفین که بسمله را یک آیه از الحمد نمیدانند
صراط الذین انعمت علیهم را آیه ششم حساب کنند و باقی

[illegible]

166

را آیت هفتم زیرا که جمیع امت پیغمبر صلی الله علیه واله
متفق اند در آنکه سورهٔ فاتحه هفت آیه است پس اگر
کسی نذر کند که یک آیه از سورهٔ فاتحه خواند ذمت او
بری نشود که خواند صراط الذین انعمت علیهم پیش
علماء ما چنانکه پیش علمای مخالفین بری نشود که خواند
بسمله و این آیت در حکم تفسیر صراط المستقیم است
و صراط بدل کل است از او و مراد بالذین انعمت علیهم
جماعتی اند که مذکورند در آیهٔ اولٰئک الذین انعم الله
علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین
و بعضی گفته اند مراد مسلمانند زیرا که نعمت اسلام بر جمیع
نعمتها سابق است بدانکه نعمتهای الهی اگرچه که غیر متناهی است
و هیچ کس را قدرت حصر و تعداد آن نیست هست دو نوع است
زیرا که دنیویست یا اخروی و از این دو یا موهبی است

یا کسبی

167

صفات ثبوتیه ... [illegible]

یا کسبی و هر یک ازین چهار یا روحانیست یا جسمانی این
تفصیل دنیوی موهبی روحانیست دادن عقل و فطانت
و فهم جسمانیست خلق اعضا دنیوی کسبی روحانیست دادن
علم بهیئات خوب اخروی موهبی روحانیست بخشیدن
گناه یا توبه جسمانیست نهرهای شیر و عسل در بهشت اخروی
کسبی روحانیست گذشتن گناه بعد از توبه جسمانیست لذات
جسمانیه که در آخرت بدست در عوض اعمال داده
میشود و مراد اینجا چهار آخرت است و آنکه از چهار دال
باشند برای تحصیل این چهار آخر و غضب برانگیخته شدن نفس است
برای انتقام و اسناد این بخدای تعالی باعتبار غایت است
مثل رحمت و ضلال عدول است از راه راست اگر
چه سهوا باشد و مشهور آن است که مراد بمغضوب علیهم
را باحیالی در فروع و ضالین را ... در اعتقادیات

یهود اند و بضالین نصاری است
و بعضی تفسیر کرده‌اند مغضوب علیهم

زیرا که منعم علیه کسی است که جمع کرده باشد میان علم احکام
اعتقادیه و عمل شریعت مطهره پس مقابل او کسی است
که یکی از این دو نداشته باشد و لفظ غیر بدل است
از الذین یا صفت مبینه اوست یا صفت مقیده است
ابر هر تقدیر غیر نکره صرف است و کسب تعریف از مضاف
الیه خود نمیکند مگر آنکه مضاف الیه را یک ضد باشد و موصوفش
معروف است و وصف معرفه بنکره جایز نیست پس
اینجا باید ارتکاب آن کرد که غیر چون مضاف است
بچیزی که او را ضد است پس کسب تعریف کرده با آنکه
چون مراد بالذین جماعتی اند که اهتمامی شان باین
نیست پس قایم مقام معرف بلام جنس باشد که مراد بغیر
و غیر معین باشد و لفظ لا برای تاکید نفیی است که پیش
از اوست و برای تصریح بانکه شمول هر یک از آن متعاطفین است

168

و چون اینجا غیر متضمن معنی منافی است و معنی نفی جایز است

ذکر لا و از آنچه جایز است گفتن انا زیدا غیر ضارب

برای رعایت جانب نفی پس لفظ غیر بمنزله لا میشود

پس جایز است تقدیم معمول مضاف الیه بر مضاف چنانکه

جایز است انا زیدا لا ضارب اگرچه جایز نیست در انا

مثل ضارب زیدا انا زیدا مثل ضارب زیرا که ممتنع است

واقع شدن معمول جائی که ممتنع است واقع شدن عاملش

آنجا بدانکه مناسب آن بود که بعد از الذین انعمت

علیهم غیر الذین غضبت علیهم گفته شود در عدول کردن

حضرت عزت در اسناد غضب بخودش جل شانه از اسلوب

محکم ساختن بنای عفو و بخشش در دل بندگان است بانکه

جود و بخشش محبوب او است زغضب و گویا که آنچه از او

صادر میشود و مقتضای این است در تصریح اسناد نعمت

یعنی آنکه لایق است و عفو و غضب از او صادر میشود

وتعریض در جانب عقاب قول خدای تعالی لئن شکرتم
لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید زیرا که گفت
لاعذبنکم با آنکه مناسب بمقابله این بود و همچنین قول
خدای تعالی یغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و کان الله غفوراً
رحیما با آنکه مناسب بمقابله و کان الله غفوراً منتقما بود کسی
عدول از آن تکرار رحمت بواسطه ترجیح جانب رحمت است
و چنانکه در قول خدای تعالی غافر الذنب و قابل التوب
شدید العقاب ذی الطول که حضرت سه صفت رحمت ذکر
کرده و یک صفت انتقام و آن را هم در میان صفات عفو
مستغرق گردانیده. غفوراً رحیماً کریما کن. ما درماندگان
بیچاره را با مغفرت و رحمت بنواز و ما را از شر شیطان نگاه دار
و مسلط کرده ما را برو و ما رب دار این ما را از خوشی کرم جود
رها کن و ما را بغیر خود محتاج مساز و ما را شاد کن

الحمد لله علی التوفیق للاتمام
تحریر ۱۸ شهر جمادی الآخر
۱۲۵۳